

موسسه حقوقی آوای عدالت سرروش

قانون تجارت

/

/

قانون تجارت/

/

باب اول/

تجار و معاملات تجارتي/

ماده ۱ - تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجارتي قرار بدهد./

ماده ۲ - معاملات تجارتي از قرار ذیل است :/

۱ - خرید یا تحصيل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از این که تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد./

۲ - تصدی بحمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد./

۳ - هر قسم عملیات دلالي یا حق العمل کاری (کمپسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی بهر نوع تاسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد میشود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره./

۴ - تاسیس و بکار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر این که برای رفع حوائج شخصی نباشد./

۵ - تصدی بعملیات حراجی/

۶ - تصدی بهر قسم نمایشگاههای عمومی./

۷ - هر قسم عملیات صرافی و بانکی/

۸ - معاملات برواتی اعم از این که بین تاجر یا غیر تاجر باشد./

۹ - عملیات بیمه بحری و غیر بحری./

۱۰ - کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتی رانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها./

ماده ۳ - معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتي محسوب می شود -/

۱ - کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانکها./

۲ - کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوائج تجارتي خود می نماید./

۳ - کلیه معاملاتی که اجزا یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتي ارباب خود می نماید./

۴ - کلیه معاملات شرکتهای تجارتي./

ماده ۴ - معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجارتي محسوب نمی شود./

ماده ۵ - کلیه معاملات تجارتي تجارتي محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجارتي نیست./

باب دوم/

دفاتر تجارتي و دفتر ثبت تجارتي/

فصل اول دفاتر تجارتي/

ماده ۶ - هر تاجری به استثنای کسبه جز مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار میدهد داشته باشد :/

۱ - دفتر روزنامه./

۲ - دفتر کل./

۳ - دفتر دارائی./

۴ - دفتر کپیبه./

ماده ۷ - دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و دادستد تجارتي و معاملات راجع به اوراق تجارتي (از قبیل خرید و فروش و ظهر نویسی) و بطور کلی جمیع واردات و صادرات تجارتي خود را به هر اسم و رسمی که باشد و وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت می کند در آن دفتر ثبت نماید./

ماده ۸ - دفترکل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را الاقل هفته یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر بطور خلاصه ثبت کند.

ماده ۹ - دفتر دارائی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارائی منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضا نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.

ماده ۱۰ - دفتر کپییه دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید.

تبصره - تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای وارده را نیز به ترتیب تاریخ و ورود مرتب نموده و در لاف مخصوصی ضبط کند.

ماده ۱۱ - دفاتر مذکور در ماده ۶ به استناد دفتر کپییه قبل از آنکه در آن چیزی نوشته شود به توسط نماینده اداره ثبت (که مطابق نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود) امضا خواهد شد. برای دفتر کپییه امضا بور لازم نیست. ولی باید اوراق آن دارای نمره ترتیبی باشد. در موقع تجدید سالانه هر دفتر مقررات این ماده رعایت خواهد شد. حق امضا از قرار هر صد صفحه باگسور آن دو ریال و بعلاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت است.

ماده ۱۲ - دفتری که برای امضای امضات تسلیم می شود باید دارای نمره ترتیبی و قیطان کشیده باشد و متصدی امضا مکلف است صفحات دفتر را شماره در صفحه اول و آخر هر دفتر مجموع عد صفحات آن را با تصریح به اسم و رسم صاحب دفتر نوشته با قید تاریخ امضا و دو طرف قیطان را با مهر سرب که وزارت عدلیه برای مقصود تهیه می نماید. منگنه کند. لازم است کلیه اعداد حتی تاریخ با تمام حروف نوشته شود.

ماده ۱۳ - کلیه معاملات و صادرات و واردات در دفاتر مذکوره فوق باید به ترتیب تاریخ در صفحات مخصوصه نوشته شود - تراشیدن و حک کردن و همچنین جای سفید گذاشتن بیش از آنچه که در دفتر نویسی معمول است و در حاشیه و یابین سطور نوشتن ممنوع است و تاجر باید تمام آن دفاتر را از ختم هر سال الاقل تا ۱ سال نگاه دارد.

ماده ۱۴ - دفاتر مذکور در ماده ۶ و سایر دفاتری که تجار برای امور تجاری خود بکار می برند در صورتی که مطابق مقررات این قانون مرتب شده باشد بین تجار، در امور تجاری سندیت خواهد داشت و در غیر این صورت فقط بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.

ماده ۱۵ - تخلف از ماده ۶ و ماده ۱۱ مستلزم دویست تاده هزار ریال جزای نقدی است، این مجازات را محکمه حقوق ساویدون تقاضای مدعی العموم می تواند حکم بدهد و اجرای آن مانع اجرای مقررات راجع به تاجر ورشکسته که دفتر مرتب ندارد نخواهد بود.

/

فصل دوم/

دفتر ثبت تجاری/

ماده ۱۶ - در نقاطی که وزارت عدلیه مقتضی دانسته و دفتر ثبت تجاری تاسیس کند کلیه اشخاصی که در آن نقاط به شغل تجارت اشتغال دارند اعم از ایرانی و خارجی به استثناء کسبه جز باید در مدت مقرر اسم خود را در دفتر ثبت تجاری به ثبت برسانند و الا به جزای نقدی از دویست تا دوهزار ریال محکوم خواهند شد.

ماده ۱۷ - مقررات مربوطه به دفتر ثبت تجاری را وزارت عدلیه با تصریح به موضوعاتی که باید به ثبت برسد به موجب نظامنامه معین خواهد کرد.

ماده ۱۸ - شش ماه پس از الزامی شدن ثبت تجاری هر تاجری که مکلف به ثبت است باید در کلیه اسناد و صورت حسابها و نشریات خطی یا چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره به ثبت رسیده و الا علاوه بر مجازات مقرر در فوق به جزای نقدی از دویست تا دوهزار ریال محکوم می شود.

ماده ۱۹ - کسبه جز مذکور در این فصل و فصل اول مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدلیه تشخیص می شوند.

/

باب سوم/

شرکتهای تجاری/

فصل اول/

در اقسام مختلف شرکتهای و قواعد راجعه به آنها/

ماده ۲۰ - شرکتهای تجاری بر هفت قسم است:

۱ - شرکت سهامی.

۲ - شرکت با مسئولیت محدود.

۳ - شرکت تضامنی.

۴ - شرکت مختلط غیر سهامی.

۵ - شرکت مختلط سهامی.

۶ - شرکت نسبی.

۷ - شرکت تعاونی تولید و مصرف.

مبحث اول/

شرکتهای سهامی/

بخش ۱/

تعریف و تشکیل شرکت سهامی/

ماده ۱ - شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنهاست. /

ماده ۲ - شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می شود و لواپیکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد. /

ماده ۳ - در شرکت سهامی تعداد شرکان باید از سه نفر کمتر باشد. /

ماده ۴ - شرکت سهامی به دو نوع تقسیم می شود - /

نوع اول - شرکتهائی که موسسین آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تامین می کنند. اینگونه شرکتهای سهامی عام نامیده می شوند. /

نوع دوم - شرکتهائی که تمام سرمایه آنها در موقع تاسیس منحصر ا توسط موسسین تامین گردیده است. اینگونه شرکتهای سهامی خاص نامیده می شوند. /

تبصره - در شرکتهای سهامی عام عبارت شرکت سهامی عام و در شرکتهای سهامی خاص عبارت شرکت سهامی خاص باید قبل از نام شرکت یا بعد از آن بدون فاصله بانام شرکت در کلیه اوراق و اطلاعیه ها و آگهی های شرکت بطور روشن و خوانا قید شود. /

ماده ۵ - در موقع تاسیس سرمایه شرکتهای سهامی عام از پنج میلیون ریال و سرمایه شرکتهای سهامی خاص از یک میلیون ریال نباید کمتر باشد. /

در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تاسیس به علت از حد اقل مذکور در این ماده کمتر شود باید طرف یکسال نسبت به افزایش سرمایه تامین از حد اقل مقرر اقدام بعمل آید یا شرکت به نوع دیگری از انواع شرکتهای مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد و گرنه هر ذینفع می تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیتدار درخواست کند. /

هرگاه قبل از صدور رای قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را موقوف خواهد نمود. /

ماده ۶ - برای تاسیس شرکتهای سهامی عام موسسین باید اقلیست درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لا اقل سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی بانام شرکت در شرف تاسیس نزدیکی از بانکها سپرده سپس اظهارنامه ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام که به امضای موسسین رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکتهای و در شهرستانها به اداره ثبت شرکتهای و در نقاطی که دایره ثبت شرکتهای وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند. /

تبصره - هرگاه قسمتی از تعهد موسسین بصورت غیر نقد باشد باید تعیین آن بامدارک مالکیت آنرا در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانک را به ضمیمه اظهارنامه و ضامن آن به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم نمایند. /

ماده ۷ - اظهارنامه مذکور در ماده ۶ باید با قید تاریخ به امضای موسسین رسیده و موضوعات زیر مخصوصا در آن ذکر شده باشد. /

۱ - نام شرکت. /

۲ - هویت کامل و اقامتگاه موسسین. /

۳ - موضوع شرکت. /

۴ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک. /

۵ - تعداد سهام بانام و بی نام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که سهام ممتاز /

نیز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات اینگونه سهام. /

۶ - میزان تعهد هر یک از موسسین و مبلغی که پرداخت کرده اند یا تعیین شماره حساب و نام بانکی که وجوه پرداختی در آن واریز شده است. در مورد آورده غیر نقد تعیین اوصاف و مشخصات و ارزش آن بنحوی که بتوان از کم و کیف آورده غیر نقد اطلاع حاصل نمود. /

۷ - مرکز اصلی شرکت. /

۸ - مدت شرکت. /

ماده ۸ - طرح اساسنامه باید با قید تاریخ به امضای موسسین رسیده و مشتمل بر مطالب زیر باشد: /

۱ - نام شرکت. /

۲ - موضوع شرکت بطور صریح و منجز. /

۳ - مدت شرکت. /

۴ - مرکز اصلی شرکت و محل شعب آن اگر تاسیس شعبه مورد نظر باشد. /

۵ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک. /

۶ - تعداد سهام بی نام و بانام و مبلغ اسمی آنها و در صورتی که ایجاد سهام ممتاز مورد نظر باشد تعیین تعداد و خصوصیات و امتیازات اینگونه سهام. /

۷ - تعیین مبلغ پرداخت شده هر سهم و نحوه مطالبه بقیه مبلغ اسمی هر سهم و مدتی که ظرف آن باید مطالبه شود که بهر حال از پنج سال متجاوز نخواهد بود. /

۸ - نحوه انتقال سهام بانام. /

۹ - طریقه تبدیل سهام بانام به سهام بی نام و بالعکس. /

۱۰ - در صورت پیش بینی امکان صدور اوراق قرضه ، ذکر شرایط و ترتیب /

- ۱۱ - شرایط و ترتیب افزایش و کاهش سرمایه شرکت.
- ۱۲ - مواقع و ترتیب دعوت مجامع عمومی.
- ۱۳ - مقررات راجع به حدنصاب لازم جهت تشکیل مجامع عمومی و ترتیب اداره آنها.
- ۱۴ - طبقه شورا و اخذ رای اکثریت لازم برای معتبر بودن تصمیمات مجامع عمومی.
- ۱۵ - تعداد مدیران و طرز انتخاب و مدت مأموریت آنها و نحوه تعیین جانشین برای مدیرانی که فوت یا استعفا می کنند یا مجبور یا معزول یا به جهات قانونی ممنوع می گردند.
- ۱۶ - تعیین وظایف و حدود اختیارات مدیران.
- ۱۷ - تعداد سهام تضمینی که مدیران باید به صندوق شرکت بسپارند.
- ۱۸ - قید اینکه شرکت یک بازرس خواهد داشت یا بیشتر و نحوه انتخاب و مدت مأموریت بازرس.
- ۱۹ - تعیین آغاز و پایان سال مالی شرکت و موعد تنظیم تراز نامه و حساب سود و زیان و تسلیم آن به بازرسان و به مجمع عمومی سالانه.
- ۲۰ - نحوه انحلال اختیاری شرکت و ترتیب تصفیه امور آن.
- ۲۱ - نحوه تغییر اساسنامه.
- ماده ۹ - طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکوره در ماده ۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد -
 - ۱ - نام شرکت.
 - ۲ - موضوع شرکت و نوع فعالیت هایی که شرکت به منظور آن تشکیل می شود.
 - ۳ - مرکز اصلی شرکت و شعب آن در صورتی که تاسیس شعبه مورد نظر باشد.
 - ۴ - مدت شرکت.
 - ۵ - هویت کامل و اقامتگاه و شغل موسسین ، در صورتی که تمام یا بعضی از موسسین در امور مربوط به موضوع شرکت یا امور مشابه با آن سوابق یا اطلاعات یا تجاری داشته باشند ذکر آن به اختصار.
 - ۶ - مبلغ سرمایه شرکت و تعیین مقدار نقد و غیر نقد آن به تفکیک و تعداد و نوع سهام در مورد سرمایه غیر نقد شرکت تعیین مقدار و مشخصات و اوصاف و ارزش آن بنحوی که بتوان از کم و کیف سرمایه غیر نقد اطلاع حاصل نمود.
 - ۷ - در صورتی که موسسین مزایایی برای خود در نظر گرفته اند تعیین چگونگی و موجبات آن مزایا به تفضیل.
 - ۸ - تعیین مقداری از سرمایه که موسسین تعهد کرده و مبلغی که پرداخت کرده اند.
 - ۹ - ذکر هزینه هائی که موسسین تا آن موقع جهت تدارک مقدمات تشکیل شرکت و مطالعاتی که انجام گرفته است پرداخت کرده اند و بر آورد هزینه های لازم تا شروع فعالیت های شرکت.
 - ۱۰ - در صورتی که انجام موضوع شرکت قانوناً مستلزم موافقت مراجع خاصی باشد ذکر مشخصات اجازه نامه یا موافقت اصولی آن مراجع.
 - ۱۱ - ذکر حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره نویسی باید توسط پذیره نویس تعهد شود و تعیین مبلغی از آن که باید مقارن پذیره نویسی نقداً پرداخت گردد.
 - ۱۲ - ذکر شماره و مشخصات حساب بانکی که مبلغ نقدی سهام مورد تعهد باید به آن حساب پرداخت شود و تعیین مهلتی که طی آن اشخاص ذیعلاقه می توانند برای پذیره نویسی و پرداخت مبلغی نقدی به بانک مراجعه کنند.
 - ۱۳ - تصریح به اینکه اظهار نامه موسسین به انضمام طرح اساسنامه برای مراجعه علاقمندان به مرجع ثبت شرکتها تسلیم شده است.
 - ۱۴ - ذکر نام روزنامه کثیرالتشاره که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی تا تشکیل مجمع عمومی موسس منحصراً در آن منتشر خواهد شد.
 - ۱۵ - چگونگی تخصیص سهام به پذیره نویسان.
- ماده ۱۰ - مرجع ثبت شرکتها پس از مطالعه اظهار نامه و ضوابط آن و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی را صادر خواهد نمود.
- ماده ۱۱ - اعلامیه پذیره نویسی باید توسط موسسین در جایگاه گردیده و نیز در بانکی که تعهد سهام نزد آن صورت می گیرد در معرض دید علاقمندان قرار داده شود.
- ماده ۱۲ - طرف مهلتی که در اعلامیه پذیره نویسی معین شده است علاقمندان به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضا و مبلغی را که نقداً باید پرداخت شود تادیه و رسید دریافت خواهند کرد.
- ماده ۱۳ - ورقه تعهد سهام باید مشتمل بر نکات زیر باشد.
- ۱ - نام و موضوع و مرکز اصلی در مدت شرکت.
- ۲ - سرمایه شرکت.
- ۳ - شماره و تاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی و مرجع صدور آن.
- ۴ - تعداد سهامی که مورد تعهد واقع می شود و مبلغی اسمی آن و همچنین مبلغی که از بابت نقد در موقع پذیره نویسی باید پرداخت شود.

۵ - نام بانک و شماره حسابی که مبلغ لازم توسط پذیره نویسان بایده آن حساب پرداخت شود. /

۶ - هویت و نشانی کامل پذیره نویس. /

۷ - قید اینکه پذیره نویس متعهد است مبلغ پرداخت نشده سهام مورد تعهد را طبق مقررات اساسنامه شرکت پرداخت نماید. /

ماده ۱۴ - ورقه تعهد سهام در نسخه تنظیم و باقی‌تاریخ به امضای پذیره نویس یا قائم مقام قانونی اورسیده نسخه اول نزد بانک نگهداری و نسخه دوم باقی‌رسید و مهر و امضای بانک به پذیره نویس تسلیم می شود. /

تبصره - در صورتی که ورقه تعهد سهام را شخصی برای دیگری امضا کند هویت و نشانی کامل و سمت امضاکننده قید و مدرک سمت از اخذ و ضمیمه خواهد شد. /

ماده ۱۵ - امضای ورقه تعهد سهام بخودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجمع عمومی صاحبان سهام می باشد. /

ماده ۱۶ - پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره نویسی معین شده است و یا در صورتی که مدت تمدید شده باشد بعد از انقضای مدت تمدید شده موسسین حداکثر تا یکماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی و پس از احراز اینکه تمام سرمایه شرکت صحیحاً تعهد گردیده و اقلانی و پنج درصد آن پرداخت شده است تعداد سهام هریک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مجمع عمومی موسس را دعوت خواهند نمود. /

ماده ۱۷ - مجمع عمومی موسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل می شود و پس از رسیدگی احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن اولین مدیران و بازرسان یا بازرسان شرکت را انتخاب می کند. مدیران و بازرسان شرکت باید کتبا قبول سمت نمایند قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازرسان با علم به تکالیف و مسئولیت های سمت خود عهده دار آن گردیده اند از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می شود. /

تبصره - هرگونه دعوت و اطلاعیه برای صاحبان سهام تا تشکیل مجمع عمومی سالانه باید در روزنامه کثیرالانتشار منتشر شود یکی از این روزنامه بوسیله مجمع عمومی موسس و روزنامه دیگر از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی تعیین می شود. /

ماده ۱۸ - اساسنامه ای که به تصویب مجمع عمومی موسس رسیده و ضمیمه صورت جلسه مجمع و اعلامیه قبولی مدیران و بازرسان جهت ثبت شرکت به مرجع ثبت شرکتها تسلیم خواهد شد. /

ماده ۱۹ - در صورتی که شرکت تا ششماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده ۱۶ این قانون به ثبت نرسیده باشد درخواست هریک از موسسین یا پذیره نویسان مرجع ثبت شرکتها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهی نامه ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تأدیه وجوه در آن بعمل آمده است ارسال می‌گردد تا موسسین و پذیره نویسان به بانک مراجعه و تعهدنامه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه ای که برای تاسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد عهده موسسین خواهد بود. /

ماده ۲۰ - برای تاسیس و ثبت شرکت های سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها کافی خواهد بود. /

۱ - اساسنامه شرکت که بایده امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. /

۲ - اظهارنامه مشعر بر تعهد کلیه سهام و گواهی نامه بانکی حاکی از تأدیه قسمت نقدی آن که نباید کمتر از سی و پنج درصد کل سهام باشد. اظهارنامه مذکور بایده امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. هرگاه تمام یا قسمتی از سرمایه بصورت غیر نقد باشد باید تمام آن تأدیه گردیده و بصورت تقویم آن به تفکیک در اظهارنامه منعکس شده باشد و در صورتی که سهام ممتاز وجود داشته باشد باید شرح امتیازات و موجبات آن در اظهارنامه منعکس شده باشد. /

۳ - انتخاب اولین مدیران و بازرسان یا بازرسان شرکت باید در صورت جلسه ای قید و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. /

۴ - قبول سمت مدیریت و بازرسی با رعایت قسمت اخیر ماده ۱۷. /

۵ - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشار که هرگونه آگهی راجع به شرکت تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد. /

تبصره - سایر قیود و شرایطی که در این قانون برای تشکیل و ثبت شرکت های سهامی عام مقرر است در مورد شرکت های سهامی خاص لازم الرعایه نخواهد بود. /

ماده ۲۱ - شرکت های سهامی خاص نمی توانند سهام خود را برای پذیره نویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانکها عرضه نمایند و بایده انتشار آگهی و اطلاعیه و بیا هر نوع اقدام تبلیغاتی برای فروش سهام خود مبادرت کنند مگر اینکه از مقررات مربوط به شرکت های سهامی عام بنحوی که در این قانون مذکور است تبعیت نمایند. /

ماده ۲۲ - استفاده از وجوه تأدیه شده بنام شرکت های سهامی در شرف تاسیس ممکن نیست مگر پس از ثبت رسیدن شرکت و یاد مورد مذکور در ماده ۱۹. /

ماده ۲۳ - موسسین شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که بمنظور تاسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می دهند مسئولیت تضامنی دارند. /

/

بخش ۲ /

سهام /

ماده ۲۴ - سهم قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می باشد و ورقه سهم سند قابل معامله ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد. /

تبصره ۱ - سهم ممکن است بانام یا بی نام باشد. /

تبصره ۲ - در صورتی که برای بعضی از سهام شرکت با رعایت مقررات این قانون مزایای قائل شوند اینگونه سهام ، سهام ممتاز نامیده می شود. /

ماده ۲۵ - اوراق سهام باید متحدالشکل و چاپی و دارای شماره ترتیب بوده و به امضای لاقول دونفر که بموجب مقررات

اساسنامه تعیین می شوند برسد./

ماده ۲۶ - در وره سهم نکات زیر باید قید شود -/

۱ - نام شرکت و شماره ثبت آن در دفتر ثبت شرکتها./

۲ - مبلغ سرمایه ثبت شده و مقدار پرداخت شده آن./

۳ - تعیین نوع سهم./

۴ - مبلغ اسمی سهم و مقدار پرداخت شده آن به حروف و اعداد./

۵ - تعداد سهامی که هر وره نماینده آنست./

ماده ۲۷ - تازمانی که اوراق سهام صادر نشده است شرکت باید به صاحبان سهام گواهینامه موقت سهم بدهد که معرف تعداد و نوع سهام و مبلغ پرداخت شده آن باشد. این گواهینامه در حکم سهم است ولی در حال ظرف مدت یکسال پس از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهم باید وره سهم صادر و به صاحب سهم تسلیم و گواهینامه موقت سهم مسترد و باطل گردد./

ماده ۲۸ - تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده صدور وره سهم یا گواهینامه موقت سهم ممنوع است. در صورت تخلف امضاکنندگان مسئول جبران خسارات اشخاص ثالث خواهند بود./

ماده ۲۹ - در شرکت های سهامی عام مبلغ اسمی هر سهم نباید از ده هزار ریال بیشتر باشد./

ماده ۳۰ - مادام که تمامی مبلغ اسمی هر سهم پرداخت نشده صدور وره سهم بی نام یا گواهینامه موقت بی نام ممنوع است. به تعهدکننده اینگونه سهام گواهینامه موقت بانام داده خواهد شد که نقل و انتقال آن تابع مقررات مربوط به نقل و انتقال سهام بانام است./

ماده ۳۱ - در مورد صدور گواهینامه موقت سهم مواد ۲۵ و ۲۶ باید رعایت شود./

ماده ۳۲ - مبلغ اسمی سهام و همچنین قطعات سهام در صورت تجزیه باید متناسوی باشد./

ماده ۳۳ - مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود. در غیر این صورت هیات مدیره شرکت باید به مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام راه منظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند و تشکیل دهد و هر ذینفع حق خواهد داشت که برای تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه رجوع کند./

تبصره - مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه صاحبان سهام و بدون تبعیض بعمل آید./

ماده ۳۴ - کسی که تعهد اتیاع سهمی را نموده مسئول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن می باشد و در صورتی که قبل از تادیه تمام مبلغ اسمی سهم آن راه دیگری انتقال دهد بعد از انتقال سهم دارنده سهم مسئول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن خواهد بود./

ماده ۳۵ - در هر موقع که شرکت بخواهد تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت نشده سهام را مطالبه کند باید مراتب را از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن منتشر می شود به صاحبان فعلی سهام اطلاع دهد و مهلت معقول و متناسبی برای پرداخت مبلغ مورد مطالبه مقرر دارد. پس از انقضای چنین مهلتی هر مبلغ که تادیه نشده باشد نسبت به آن خسارت دیرکرد از قرار نرخ رسمی بهره بعلاوه چهار درصد در سال به مبلغ تادیه نشده علاوه خواهد شد و پس از اخطار از طرف شرکت به صاحب سهم و گذشتن یکماه اگر مبلغ مورد مطالبه و خسارت تاخیر آن تمام پرداخت نشود شرکت اینگونه سهام را در صورتی که در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس و گرنه از طریق مزایده به فروش خواهد رسانید از حاصل فروش سهم بدو اکیله هزینه های مترتبه برداشت گردیده و در صورتی که خالص حاصل فروش از بدهی صاحب سهم (بابت اصل و هزینه ها و خسارت دیرکرد) بیشتر باشد مازاد به وی پرداخت می شود./

ماده ۳۶ - در مورد ماده ۳۵ آگهی فروش سهم با قید مشخصات سهام مورد مزایده فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر و یک نسخه از آگهی وسیله پست سفارشی برای صاحب سهم ارسال می شود هرگاه قبل از تاریخی که برای فروش معین شده است کلیه بدهی های مربوط به سهام اعم از اصل ، خسارات ، هزینه های شرکت پرداخت شود شرکت از فروش سهام خودداری خواهد کرد. در صورت فروش سهام نام صاحب سهم سابق از دفاتر شرکت حذف و اوراق سهام یا گواهینامه موقت سهام قبلی ابطال می شود و مراتب برای اطلاع عموم آگهی می گردد./

ماده ۳۷ - دارندگان سهام مذکور در ماده ۳۵ حق حضور و رای در مجمع عمومی صاحبان سهام شرکت را نخواهند داشت و در احتساب حدنصاب تشکیل مجامع تعداد اینگونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد. بعلاوه حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهام جدید شرکت و همچنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم نسبت به این گونه سهام معلق خواهد ماند./

ماده ۳۸ - در مورد ماده ۳۷ هرگاه دارندگان سهام قبل از فروش سهام بدهی خود را بابت اصل و خسارات و هزینه های شرکت پرداخت کنند مجدداً حق حضور و رای در مجمع عمومی را خواهند داشت و می توانند حقوق مالی وابسته به سهام خود را که مشمول مرور زمان نشده باشد مطالبه کنند./

ماده ۳۹ - سهم بی نام بصورت سند در وجه حامل تنظیم و ملک دارنده آن شناخته می شود مگر خلاف آن ثابت گردد. نقل و انتقال اینگونه سهام به قبض و اقباض بعمل می آید./

گواهی نامه موقت سهام بی نام در حکم سهام بی نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهام بی نام می باشد./

ماده ۴۰ - انتقال سهام بانام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا وکیل یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر مزبور امضا کند./

در موردی که تمامی مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است نشانی کامل انتقال گیرنده نیز در دفتر ثبت سهام شرکت قید و به امضای انتقال گیرنده یا وکیل یا نماینده قانونی او رسیده و از نظر اجرای تعهدات ناشی از نقل و انتقال سهم معتبر خواهد بود. هرگونه تغییر اقامتگاه نیز باید به همان ترتیب رسیده و امضا شود. هر انتقالی که بدون رعایت شرایط فوق بعمل آید از نظر شرکت و اشخاص ثالث فاقد اعتبار است./

ماده ۴۱ - در شرکت های سهامی عام نقل و انتقال سهام نمی تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجمع عمومی صاحبان سهام بشود./

ماده ۴۲ - هر شرکت سهامی می تواند بموجب اساسنامه و همچنین تاموقعی که شرکت منحل نشده است طبق تصویب مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام سهام ممتاز ترتیب دهد./

امتیازات اینگونه سهام ونحوه استفاده از آن باید بطور وضوح تعیین گردد. هرگونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت با جلب موافقت دارندگان نصف بعلاوه یک این گونه سهام انجام گیرد. /

بخش ۳ /

تبدیل سهام /

ماده ۴۳ - هرگاه شرکت بخواهد بموجب مقررات اساسنامه یا بنابه تصمیم مجمع عمومی فوق العاده سهامداران خود سهام بی نام شرکت را به سهام بانام وی آنکه سهام بانام را به سهام بی نام تبدیل نماید باید بر طبق مواد زیر عمل کند. /

ماده ۴۴ - در مورد تبدیل سهام بی نام به سهام بانام باید مراتب در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوطه به شرکت در آن نشر می گردد سه نوبت هر یک بفاصله پنج روز منتشر و مهلتی که کمتر از شش ماه از تاریخ اولین آگهی نباشد به صاحبان سهام داده شود تا تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. در آگهی تصریح سهام خود که پس از انقضای مهلت مزبور کلیه سهام بی نام شرکت باطل شده تلقی می گردد. /

ماده ۴۵ - سهام بی نامی که ظرف مهلت مذکور در ماده ۴۴ برای تبدیل به سهام بانام به مرکز شرکت تسلیم نشده باشد باطل شده محسوب و برابر تعداد آن سهام بانام صادر و توسط شرکت در صورتی که سهام شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد از طریق بورس و گرنه از طریق حراج فروخته خواهد شد. آگهی حراج حداکثر تا یکماه پس از انقضای مهلت شش ماه مذکور فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر خواهد شد. فاصله بین آگهی و تاریخ حراج حداقل ده روز و حداکثر یک ماه خواهد بود. در صورتی که در تاریخ تعیین شده تمام یا قسمتی از سهام به فروش نرسد حراج تا دو نوبت طبق شرایط مندرج در این ماده تجدید خواهد شد. /

ماده ۴۶ - از حاصل فروش سهامی که بر طبق ماده ۴۵ فروخته می شود بدو هزینه های مترتبه از قبیل هزینه آگهی حراج یا حق الزحمه کارگزار بورس کسرو مازاد آن توسط شرکت در حساب بانکی بهره دار سپرده می شود ، در صورتی که طرف ده سال از تاریخ فروش سهام باطل شده به شرکت مسترد شود مبلغ سپرده و بهره مربوطه به دستور شرکت از طرف بانک به مالک سهام پرداخت می شود. پس از انقضای ده سال باقی مانده وجوه در حکم مال بلاصاحب بوده و باید از طرف بانک و با اطلاع دادستان شهرستان بخرانه دولت منتقل گردد. /

تبصره - در مورد مواد ۴۵ و ۴۶ هرگاه پس از تجدید حراج مقداری از سهام به فروش نرسد صاحبان سهام بی نام که به شرکت مراجعه می کنند به ترتیب مراجعه به شرکت اختیار خواهند داشت از خالص حاصل فروش سهامی که فروخته شده به نسبت سهام بی نام که در دست دارند و چه نقد دریافت کنند و یا آنکه برابر تعداد سهام بی نام خود سهام بانام تحصیل نمایند و این ترتیب تا وقتی که وجه نقد و سهام فروخته نشده هر دو در اختیار شرکت قرار در رعایت خواهد شد. /

ماده ۴۷ - برای تبدیل سهام بانام به سهام بی نام مراتب فقط یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر و مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد به صاحبان سهام داده می شود تا برای تبدیل سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. پس از انقضای مهلت مذکور برابر تعداد سهام که تبدیل نشده است سهام بی نام صادر و در مرکز شرکت نگاهداری خواهد شد تا هر موقع که دارندگان سهام بانام شرکت مراجعه کنند سهام بانام به شرکت مراجعه کنند سهام بانام آنان اخذ و باطل و سهام بی نام به آنها داده شود. /

ماده ۴۸ - پس از تبدیل کلیه سهام بی نام به سهام بانام و یا تبدیل سهام یا نام به سهام بی نام و یا حسب مورد پس از گذشتن هر یک از مهلت های مذکور در مواد ۴۷ و ۴۶ شرکت باید مرجع ثبت شرکت ها را از تبدیل سهام خود کتباً مطلع سازد تا مراتب طبق مقررات به ثبت رسیده و برای اطلاع عموم آگهی شود. /

ماده ۴۹ - دارندگان سهامی که بر طبق مواد فوق سهام خود را تعویض ننموده باشند نسبت به آن سهام حق حضور و رای در مجمع عمومی صاحبان سهام را نخواهند داشت. /

ماده ۵۰ - در مورد تعویض گواهی نامه موقت سهام با اوراق سهام بانام یا بی نام بر طبق مفاد مواد ۴۷ و ۴۹ عمل خواهد شد. /

بخش ۴ /

اوراق قرضه /

ماده ۵۱ - شرکت سهامی عام می تواند تحت شرایط مندرج در این قانون اوراق قرضه منتشر کند. /

ماده ۵۲ - ورقه قرضه ورقه قابل معامله ایست که معرف مبلغی وام است با بهره معین که تمامی آن یا اجزای آن در موعد یا اعداد معینی باید مسترد گردد برای ورقه قرضه ممکن است علاوه بر بهره حقوق دیگری نیز شناخته شود. /

ماده ۵۳ - دارندگان اوراق قرضه در اداره امور شرکت هیچگونه دخالتی نداشته و فقط بستانکار شرکت محسوب می شوند. /

ماده ۵۴ - پذیره نویسی و خرید اوراق قرضه عمل تجاری نمی باشد. /

ماده ۵۵ - انتشار اوراق قرضه ممکن نیست مگر وقتی که کلیه سرمایه ثبت شده شرکت تادیه شده و دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و دوتر از نامه آن به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد. /

ماده ۵۶ - هرگاه انتشار اوراق قرضه در اساسنامه شرکت پیش بینی نشده باشد مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام می تواند بنابه پیشنهاد هیئت مدیره انتشار اوراق قرضه را تصویب و شرایط آن را تعیین کند. اساسنامه و یا مجمع عمومی می تواند به هیئت مدیره شرکت اجازه دهد که طی مدتی که از دو سال تجاوز نکند یک چند بار به انتشار اوراق قرضه مبادرت نماید. /

تبصره - در هر بار انتشار مبلغ اسمی اوراق قرضه و نیز قطعات اوراق قرضه (در صورت تجزیه) باید متساوی باشد. /

ماده ۵۷ - تصمیم راجع به فروش اوراق قرضه و شرایط صدور و انتشار آن باید همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه کتباً به مرجع ثبت شرکت ها اعلام شود. مرجع مذکور مفاد تصمیم را ثبت و خلاصه آن را همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه به هزینه شرکت در روزنامه رسمی آگهی خواهد نمود. /

تبصره - قبل از انجام تشریفات مذکور در ماده فوق هرگونه آگهی برای فروش اوراق قرضه ممنوع است. /

ماده ۵۸ - اطلاعیه انتشار اوراق قرضه باید مشتمل بر نکات زیر بوده و توسط دارندگان امضا مجاز شرکت امضا شده باشد - /

۱ - نام شرکت. /

۲ - موضوع شرکت. /

۳ - شماره و تاریخ ثبت شرکت. /

۴ - مرکز اصلی شرکت. /

۵ - مدت شرکت. /

۶ - مبلغ سرمایه شرکت و تصریح به اینکه کلیه آن پرداخت شده است. /

۷ - در صورتی که شرکت سابقاً اوراق قرضه صادر کرده است مبلغ و تعداد و تاریخ صدور آن و تضمیناتی که احتمالاً برای بازپرداخت آن در نظر گرفته شده است و همچنین مبالغ بازپرداخت شده آن و در صورتی که اوراق قرضه سابق قابل تبدیل به سهام شرکت بوده باشد مقداری از آن گونه اوراق قرضه که هنوز تبدیل به سهم نشده است. /

۸ - در صورتی که شرکت سابقاً اوراق قرضه موسسه دیگری را تضمین کرده باشد مبلغ و مدت و سایر شرایط تضمین مذکور. /

۹ - مبلغ قرضه و مدت آن و همچنین مبلغ اسمی هر ورقه و نرخ بهره ای که به قرضه تعلق می گیرد و ترتیب محاسبه آن و ذکر سایر حقوقی که احتمالاً برای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است و همچنین موعدهای موعدها و شرایط بازپرداخت اصل و پرداخت بهره و غیره و در صورتی که اوراق قرضه قابل خرید باشد شرایط و ترتیب بهره و غیره و در صورتی که اوراق قرضه قابل باز خرید باشد شرایط و ترتیب باز خرید. /

۱۰ - تضمیناتی که احتمالاً برای اوراق قرضه در نظر گرفته شده است. /

۱۱ - اگر اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت یا قابل تبدیل به سهام شرکت باشد مهلت و سایر شرایط تعویض یا تبدیل. /

۱۲ - خلاصه گزارش وضع مالی شرکت و خلاصه ترازنامه آخرین سال مالی آن که تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده است. /

ماده ۵۹ - پس از انتشار آگهی مذکور در ماده ۵۷ شرکت باید تصمیم مجمع عمومی و اطلاعیه انتشار اوراق قرضه را با قید شماره و تاریخ آگهی منتشر شده در روزنامه رسمی و همچنین شماره و تاریخ روزنامه رسمی که آگهی در آن منتشر شده است در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی کند. /

ماده ۶۰ - ورقه قرضه باید شامل نکات زیر بوده و بهمان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام مقرر شده است امضا بشود - /

۱ - نام شرکت. /

۲ - شماره و تاریخ ثبت شرکت. /

۳ - مرکز اصلی شرکت. /

۴ - مبلغ سرمایه شرکت. /

۵ - مدت شرکت. /

۶ - مبلغ اسمی و شماره ترتیب و تاریخ صدور ورقه قرضه. /

۷ - تاریخ و شرایط بازپرداخت قرضه و نیز شرایط باز خرید ورقه قرضه (اگر قابل باز خرید باشد). /

۸ - تضمیناتی که احتمالاً برای قرضه در نظر گرفته شده است. /

۹ - در صورت قابلیت تعویض اوراق قرضه با سهام شرایط و ترتیباتی که باید برای تعویض رعایت شود با ذکر نام اشخاص یا موسساتی که تعهد تعویض اوراق قرضه را کرده اند. /

۱۰ - در صورت قابلیت تبدیل ورقه قرضه به سهام شرکت مهلت و شرایط این تبدیل. /

ماده ۶۱ - اوراق قرضه ممکن است قابل تعویض با سهام شرکت باشد در این صورت مجمع عمومی فوق العاده باید بنا به پیشنهاد هیئت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت مقارن اجاره انتشار اوراق قرضه افزایش سرمایه شرکت را اقلاب ابر یا مبلغ قرضه تصویب کند. /

ماده ۶۲ - افزایش سرمایه مذکور در ماده ۶۱ قبل از صدور اوراق قرضه باید بوسیله یک یا چند بانک و یا موسسه مالی معتبر پذیره نویسی شده باشد و قراردادی که در موضوع اینگونه پذیره نویسی و شرایط آن و تعهد پذیره نویسی مبنی بر دادن اینگونه سهام به دارندگان اوراق قرضه و سایر شرایط مربوط به آن بین شرکت و اینگونه پذیره نویسان منعقد شده است نیز باید به تصویب مجمع عمومی مذکور در ماده ۶۱ برسد و گرنه معتبر نخواهد بود. /

تبصره - شورای پول و اعتبار شرایط بانکها و موسسات مالی را که می تواند افزایش سرمایه شرکتها را پذیره نویسی کنند تعیین خواهد نمود. /

ماده ۶۳ - در مورد مواد ۶۱ و ۶۲ حق رجحان سهامداران شرکت در خرید سهام قابل تعویض با اوراق قرضه خود بخود منتفی خواهد بود. /

ماده ۶۴ - شرایط و ترتیب تعویض ورقه قرضه با سهام باید در ورقه قرضه قید شود. /

تعویض ورقه قرضه با سهام تابع میل و رضایت دارنده ورقه قرضه است. /

دارنده ورقه قرضه در هر موقع قبل از سر رسید ورقه می تواند تحت شرایط و به ترتیبی که در ورقه قید شده است آن را با سهام شرکت تعویض کند. /

ماده ۶۵ - از تاریخ تصمیم مجمع عمومی مذکور در ماده ۶۱ تا انقضای موعدهای موعدها و اوراق قرضه شرکت نمی تواند اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کند یا سرمایه خود را مستهلک سازد یا آنرا از طریق باز خرید سهام کاهش دهد یا اقدام به تقسیم اندوخته کند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهد. کاهش سرمایه شرکت در نتیجه زیانهای وارده که منتهی به تقلیل مبلغ اسمی سهام و یا تقلیل عده سهام بشود شامل سهامی نیز که دارندگان اوراق قرضه در نتیجه تبدیل اوراق خود دریافت میدارند می گردد و چنین تلقی می شود که اینگونه دارندگان اوراق قرضه از همان موقع انتشار اوراق مزبور سهامدار شرکت بوده اند. /

ماده ۶۶ - از تاریخ تصمیم مجمع عمومی مذکور در ماده ۶۱ تا انقضای موعدهای موعدها و اوراق قرضه صدور سهام جدید در نتیجه انتقال

اندوخته به سرمایه و بطور کلی دادن سهام و اختصاص یابد و پرداخت وجه به سهامداران تحت عناوینی از قبیل جایزه یا منافع انتشار سهام ممنوع خواهد بود مگر آنکه حقوق دارندگان اوراق قرضه که متعاقباً اوراق خود را با سهام شرکت تعویض می کنند به نسبت سهامی که در نتیجه معاوضه مالک می شوند حفظ شود. به منظور فوق شرکت باید تدابیر لازم را اتخاذ کند تا دارندگان اوراق قرضه که متعاقباً اوراق خود را با سهام شرکت تعویض می کنند بتوانند به نسبت و تحت همان شرایط حقوق مالی مذکور را استیفای نمایند. /

ماده ۶۷ - سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می شود بانام بوده و تا انقضای موعدا موعدا اوراق قرضه وثیقه تعهد پذیره نویسان در برابر دارندگان اوراق قرضه دایره تعویض سهام با اوراق مذکور می باشد و نزد شرکت نگاهداری خواهد شد اینگونه سهام تا انقضای موعدا موعدا اوراق قرضه فقط قابل انتقال به دارندگان اوراق قرضه مزبور بوده و نقل و انتقال اینگونه سهام در دفتر شرکت ثبت نخواهد شد و مگر وقتی که تعویض ورقه موعدا قرضه با سهم احراز گردد. /

ماده ۶۸ - سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می شود مادام که این تعویض بعمل نیامده است تا انقضای موعدا موعدا اوراق قرضه قابل تامین و توقیف نخواهد بود. /

ماده ۶۹ - اوراق قرضه ممکن است قابل تبدیل به سهام شرکت باشد در این صورت مجمع عمومی فوق العاده ای که اجازه انتشار اوراق قرضه را می دهد شرایط و مهلتی که طی آن دارندگان این گونه اوراق خواهند توانست اوراق خود را به سهام شرکت تبدیل کنند تعیین و اجازه افزایش سرمایه را به هیئت مدیره خواهد داد. /

ماده ۷۰ - در مورد ماده ۶۹ هیئت مدیره شرکت بر اساس تصمیم مجمع عمومی مذکوره در همان ماده در پایان مهلت مقرر معادل مبلغ بازپرداخت نشده اوراق قرضه ای که جهت تبدیل به سهام شرکت عرضه شده است سرمایه شرکت را افزایش داده و پس از ثبت این افزایش در مرجع ثبت شرکتها سهام جدید صادر و به دارندگان اوراق مذکور معادل بازپرداخت نشده اوراقی که به شرکت تسلیم کرده اند سهم خواهد داد. /

ماده ۷۱ - در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم مجمع عمومی باید بنابه پیشنهاد هیئت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت اتخاذ تصمیم نماید و همچنین مواد ۶۳ و ۶۴ در مورد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم نیز باید رعایت شود. /

بخش ۵ /

مجمع عمومی /

ماده ۷۲ - مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل میشود. مقررات مربوط به حضور عده لازم برای تشکیل مجمع عمومی و آرا لازم جهت اتخاذ تصمیمات در اساسنامه معین خواهد شد مگر در مواردی که بموجب قانون تکلیف خاص برای آن مقرر شده باشد. /

ماده ۷۳ - مجمع عمومی به ترتیب عبارتند از: - /

۱ - مجمع عمومی موسس. /

۲ - مجمع عمومی عادی. /

۳ - مجمع عمومی فوق العاده. /

ماده ۷۴ - وظایف مجمع عمومی موسس به قرار زیر است - /

۱ - رسیدگی به گزارش موسسین و تصویب آن و همچنین احراز پذیره نویسی کلیه سهام شرکت و تادیه مبالغ لازم. /

۲ - تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن. /

۳ - انتخاب اولین مدیران و بازرسان یا بازرسان شرکت. /

۴ - تعیین روزنامه کثیرالانتشاری که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکیل اولین مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد. /

تبصره - گزارش موسسین باید حداقل پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی موسس در محلی که در آگهی دعوت مجمع تعیین شده است برای مراجعه پذیره - نویسان سهام آماده باشد. /

ماده ۷۵ - در مجمع عمومی موسس حضور عده ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است. اگر در اولین دعوت اکثریت مذکور حاصل نشد مجمع عمومی جدید فقط تا دو نوبت توسط موسسین دعوت می شوند مشروط بر اینکه لا اقل بیست روز قبل از انعقاد آن مجمع آگهی دعوت آن با قید دستور جلسه قبل و نتیجه آن در روزنامه کثیرالانتشاری که در اعلامیه پذیره نویسی معین شده است منتشر گردد. مجمع عمومی جدید وقتی قانونی است که صاحبان لا اقل یک سوم سرمایه شرکت در آن حاضر باشند. در هر یک از دو مجمع فوق کلیه تصمیمات باید به اکثریت دوثلث آرا حاضرین اتخاذ شود. در صورتی که در مجمع عمومی سوم اکثریت لازم حاضر نشد موسسین عدم تشکیل شرکت را اعلام می دارند. /

تبصره - در مجمع عمومی موسس کلیه موسسین و پذیره نویسان حق حضور دارند و هر سهم دارای یک رای خواهد بود. /

ماده ۷۶ - هرگاه یک یا چند نفر از موسسین آورده غیر نقد داشته باشند موسسین باید قبل از اقدام به دعوت مجمع عمومی موسس نظر کتبی کارشناس رسمی وزارت دادگستری را در مورد ارزیابی آورده های غیر نقد جلب و آن را جز گزارش اقدامات خود در اختیار مجمع عمومی موسس بگذارند. در صورتی که موسسین برای خود مزایایی مطالبه کرده باشند باید توجیه آن به ضمیمه گزارش مزبور به مجمع موسس تقدیم شود. /

ماده ۷۷ - گزارش مربوط به ارزیابی آورده های غیر نقد و علل و موجبات مزایای مطالبه شده باید در مجمع عمومی موسس مطرح گردد. /

دارندگان آورده غیر نقد و کسانی که مزایای خاصی برای خود مطالبه کرده اند در موقعی که تقویم آورده غیر نقدی که تعهد کرده اند مزایای آنها موضوع رای است حق رای ندارند و آن قسمت از سرمایه غیر نقد که موضوع مذاکره و رای است از حیث حد تصاب جز سرمایه شرکت منظور نخواهد شد. /

ماده ۷۸ - مجمع عمومی نمی تواند آورده های غیر نقد را بیش از آنچه که از طرف کارشناس رسمی دادگستری ارزیابی شده است قبول کند. /

ماده ۷۹ - هرگاه آورده غیر نقدی مزایایی که مطالبه شده است تصویب نگردد دوین جلسه مجمع به فاصله مدتی که از یکماه تجاوز نخواهد کرد تشکیل خواهد شد و در فاصله دو جلسه اشخاصی که آورده غیر نقد آنها قبول نشده است در صورت تمایل می توانند تعهد غیر نقد خود را به تعهد نقد تبدیل و مبالغ لازم را تادیه نمایند و اشخاصی که مزایای مورد مطالبه آنها تصویب نشده می توانند با انصراف از آن مزایا در شرکت باقی بمانند. در صورتی که صاحبان آورده غیر نقد و مطالبه کنندگان مزایا بنظر مجمع تسلیم نشوند تعهد آنها نسبت به سهام خود باطل شده محسوب می گردد و سایر پذیره نویسان می توانند بجای آنها سهام

شرکت راتعهدمبالغ لازم راتادیه کنند. /

ماده ۸۰ - در جلسه دوم مجمع عمومی موسس که بر طبق ماده قبل بمنظور رسیدگی به وضع آورده های غیر نقد و مزایای مطالبه شده تشکیل می گردد باید پیش از نصف پذیره نویسان هر مقدار از سهام شرکت که تعهد شده است حاضر باشند. در آگهی دعوت این جلسه باید نتیجه جلسه قبل و دستور جلسه دوم قید گردد. /

ماده ۸۱ - در صورتی که در جلسه دوم معلوم گردد که در اثر خروج دارندگان آورده غیر نقد و مطالبه کنندگان مزایا و عدم تعهد و تادیه سهام آنها از طرف سایر پذیره نویسان قسمتی از سرمایه شرکت تعهد نشده است و به این ترتیب شرکت قابل تشکیل نباشد موسسین باید ظرف ده روز از تاریخ تشکیل آن مجمع مراتب رابه مرجع ثبت شرکت ها اطلاع دهند تا در مرجع مزبور گواهی نامه مذکور در ماده ۱۹ این قانون را صادر کنند. /

ماده ۸۲ - در شرکت های سهامی خاص تشکیل مجمع عمومی موسس الزامی نیست لیکن جلب نظر کارشناس مذکور در ماده ۱۷۶ این قانون ضروری است و نمی توان آورده های غیر نقد رابه مبلغی بیش از ارزیابی کارشناس قبول نمود. /

ماده ۸۳ - هر گونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصرا در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می باشد. /

ماده ۸۴ - در مجمع عمومی فوق العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رای دارند باید حاضر باشند. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت و با حضور دارندگان بیش از یک سوم سهامی که حق رای دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهد نمود بشرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. /

ماده ۸۵ - تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده همواره به اکثریت دوسوم آرا حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود. /

ماده ۸۶ - مجمع عمومی عادی می تواند نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی موسس و فوق العاده است تصمیم بگیرد. /

ماده ۸۷ - در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلابیش از نصف سهامی که حق رای دارند ضروری است. اگر در اولین دعوت حدنصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهامی که حق رای دارد رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود. بشرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد. /

ماده ۸۸ - در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره به اکثریت نصف بعلاوه یک آرا حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود. مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود. /

در مورد انتخاب مدیران تعداد آرا هر رای دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می شود و حق رای هر رای دهنده برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود رای دهنده می تواند آرا خود رابه یک نفر بدهد یا آنرا بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند ، اساسنامه شرکت نمی تواند خلاف این ترتیب را مقرر دارد. /

ماده ۸۹ - مجمع عمومی عادی باید سالی یکبار در موقعی که در اساسنامه پیش بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارائی و مطالبات و دیون شرکت و صورت حساب دوره و عملکرد سالانه شرکت و رسیدگی به گزارش مدیران و بازرسان یا بازرسان و سایر امور مربوط به حسابهای سال مالی تشکیل شود. /

تبصره - بدون قرائت گزارش بازرسان یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود. /

ماده ۹۰ - تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جائز خواهد بود و در صورت وجود منافع تقسیم ده در صد از سود و بویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است. /

ماده ۹۱ - چنانچه هیئت مدیره مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند بازرسان یا بازرسان شرکت مکلفند در اساقدم بدعوت مجمع مزبور بنمایند. /

ماده ۹۲ - هیئت مدیره و همچنین بازرسان یا بازرسان شرکت می توانند در مواقع مقتضی مجمع عمومی عادی را بطور فوق العاده دعوت نمایند. در این صورت دستور جلسه مجمع باید در آگهی دعوت قید شود. /

ماده ۹۳ - در هر موقع که مجمع عمومی صاحبان سهام بخواهد در حقوق نوع مخصوصی از سهام شرکت تغییر بدهد تصمیم مجمع عمومی قطعی نخواهد بود مگر بعد از آنکه دارندگان این گونه سهام در جلسه خاصی آن تصمیم را تصویب کنند و برای آنکه تصمیم جلسه خاص مذکور معتبر باشد باید دارندگان لااقل نصف اینگونه سهام در جلسه حاضر باشند و اگر در این دعوت این حدنصاب حاصل نشود در دعوت دوم حضور دارندگان اقلایک سوم اینگونه سهام کافی خواهد بود. /

تصمیمات همواره به اکثریت دوسوم آرا معتبر خواهد بود. /

ماده ۹۴ - هیچ مجمع عمومی نمی تواند تابعیت شرکت را تغییر بدهد و یا هیچ اکثریتی نمی تواند در تعهدات صاحبان سهام بیفزاید. /

ماده ۹۵ - سهامدارانی که اقلایک پنجم سهام شرکت را مالک باشند حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع عمومی از هیئت مدیره خواستار شوند و هیئت مدیره باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر دعوت کند در غیر این صورت درخواست کنندگان می توانند دعوت مجمع را از بازرسان یا بازرسان شرکت خواستار شوند و بازرسان یا بازرسان مکلف خواهند بود که با رعایت تشریفات مقرر مجمع مورد تقاضا را حداکثر تا ده روز دعوت نمایند و اگر نه آن گونه صاحبان سهام حق خواهند داشت مستقیما دعوت مجمع اقدام کنند بشرط آنکه کلیه تشریفات راجع به دعوت مجمع را رعایت نموده و در آگهی دعوت بعدم اجابت درخواست خود توسط هیئت مدیره و بازرسان تصریح نمایند. /

ماده ۹۶ - در مورد ماده ۹۵ دستور مجمع منحصر اموضعی خواهد بود که در تقاضا نامه ذکر شده است و هیئت رئیسه مجمع از بین صاحبان سهام انتخاب خواهد شد. /

ماده ۹۷ - در کلیه موارد دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجامع عمومی باید از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوطه به شرکت در آن نشر می گردد بعمل آید. هر یک از مجامع عمومی سالانه باید روزنامه کثیرالانتشاری را که هر گونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران را تشکیل مجمع عمومی سالانه بعد در آن منتشر خواهد شد تعیین نماید. این تصمیم باید در روزنامه کثیرالانتشاری که تاریخ چنین تصمیمی جهت نشر دعوتنامه و اطلاعیه های مربوط به شرکت قبل تعیین شده منتشر گردد. /

تبصره - در مواقعی که کلیه سهام در مجمع حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست. /

ماده ۹۸ - فاصله بین نشر دعوتنامه مجمع عمومی و تاریخ تشکیل آن حداقل ده روز و حداکثر چهل روز خواهد بود. /

ماده ۹۹ - قبل از تشکیل مجمع عمومی هر صاحب سهمی که مایل به حضور در مجمع عمومی باشد باید بارائه ورقه سهم یا تصدیق موقت سهم متعلق بخود به شرکت مراجعه و ورقه ورودیه جلسه را دریافت کند. /

فقط سهامدارانی حق ورود به مجمع را دارند که ورقه ورودی دریافت کرده باشند.

از حاضرین در مجمع صورتی ترتیب داده خواهد شد که در آن هویت و اقامتگاه و تعداد سهام و تعداد آرا هر یک از حاضرین قید و به امضای آنان خواهد رسید.

ماده ۱۰۰ - در آگهی دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی دستور جلسه و تاریخ و محل تشکیل مجمع با قید ساعت و نشانی کامل باید قید شود.

ماده ۱۰۱ - مجمع عمومی توسط هیئت رئیسه ای مرکب از یک رئیس و یک منشی و دو ناظر اداره می شود. در صورتی که ترتیب دیگری در اساسنامه پیش بینی نشده باشد ریاست مجمع بار رئیس هیئت مدیره خواهد بود مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها جزو دستور جلسه مجمع باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه به اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد. ناظران از بین صاحبان سهام انتخاب خواهند شد ولی منشی جلسه ممکن است صاحب سهم نباشد.

ماده ۱۰۲ - در کلیه مجمع عمومی حضور وکیل یا قائم مقام قانونی صاحب سهم و همچنین حضور نماینده یا نمایندگان شخصیت حقوقی بشرط ارائه مدارک و کالت یا نمایندگی به منزله حضور خود صاحب سهم است.

ماده ۱۰۳ - در کلیه مواردی که در این قانون اکثریت آرا در مجمع عمومی ذکر شده است مراد اکثریت آرا حاضرین در جلسه است.

ماده ۱۰۴ - هرگاه در مجمع عمومی تمام موضوعات مندرج در دستور مجمع مورد اخذ تصمیم واقع نشود هیئت رئیسه مجمع با تصویب مجمع می تواند اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعدی را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین کند ، تمدید جلسه محتاج به دعوت و آگهی مجدد نیست و در جلسات بعد مجمع با همان حد نصاب جلسه اول رسمیت خواهد داشت.

ماده ۱۰۵ - از مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی صورت جلسه ای توسط منشی ترتیب داده می شود که به امضای هیئت رئیسه مجمع رسیده و یک نسخه از آن در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد.

ماده ۱۰۶ - در مواردی که تصمیمات مجمع عمومی متضمن یکی از امور ذیل باشد یک نسخه از صورت جلسه مجمع باید جهت ثبت به مرجع ثبت شرکت ها ارسال گردد -

۱ - انتخاب مدیران و بازرسان یا بازرسان.

۲ - تصویب تراژنامه.

۳ - کاهش یا افزایش سرمایه و هر نوع تغییر در اساسنامه.

۴ - انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن.

بخش ۶

هیئت مدیره

ماده ۱۰۷ - شرکت سهامی بوسیله هیئت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلیتاً با غضا قابل عزل می باشد اداره خواهد شد. عده اعضای هیئت مدیره در شرکت های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.

ماده ۱۰۸ - مدیران شرکت توسط مجمع عمومی موسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می شوند.

ماده ۱۰۹ - مدت مدیران در اساسنامه معین می شود لیکن این مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد.

ماده ۱۱۰ - اشخاص حقوقی رامی توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود. در این صورت شخص حقوقی همان مسئولیت های مدنی شخص حقیقی عضو هیئت مدیره را داشته و باید یک نفر را به نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی نماید.

چنین نماینده ای مشمول همان شرایط و تعهدات و مسئولیت های مدنی و جزائی عضو هیئت مدیره بوده از جهت مدنی با شخص حقوقی که او را به نمایندگی تعیین نموده است مسئولیت تضامنی خواهد داشت.

شخص حقوقی عضو هیئت مدیره می تواند نماینده خود را عزل کند بشرط آنکه در همان موقع جانشین او را اکتبانه شرکت معرفی نماید وگرنه غایب محسوب می شود.

/

بخش ۶

هیئت مدیره

ماده ۱۱۱ - اشخاص ذیل نمی توانند به مدیریت شرکت انتخاب شوند.

۱ - مجرورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است.

۲ - کسانی که بعلت ارتکاب جنایت یا یکی از جنحه های ذیل بموجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلیتاً یا بعضاً محروم شده باشند در مدت محرومیت.

سرقت ، خیانت در امانت ، کلاهبرداری ، جنحه هائی که بموجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده است ، اختلاس ، تدلیس ، تصرف غیر قانونی در اموال عمومی.

تبصره - دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل هر مدیری را که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شود بپذیرد. از انتخاب مشمول مفاد این ماده گردد صادر خواهد کرد و حکم دادگاه مزبور قطعی خواهد بود.

ماده ۱۱۲ - در صورتی که بر اثر فوت یا استعفا یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران تعداد اعضا هیئت مدیره از حداقل مقرر در این قانون کمتر شود اعضا علی البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه و الابه ترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آنان را خواهند گرفت و در صورتیکه عضو علی البدل تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضا علی البدل کافی برای تصدی محلهای خالی در هیئت مدیره نباشد مدیران باقیمانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت را جهت تکمیل اعضا هیئت مدیره دعوت نمایند.

ماده ۱۱۳ - در مورد ماده ۱۱۲ هرگاه هیئت مدیره حسب مورد از دعوت مجمع عمومی برای انتخاب مدیری که سمت او بلا امتدای مانده خودداری کند هر ذینفع حق دارد از بازرسان یا بازرسان شرکت بخواهد که به دعوت مجمع عمومی عادی

جهت تکمیل عده مدیران بارعایت تشریفات لازم اقدام کنند و بازرسی یا بازرسان مکلف به انجام چنین درخواستی می باشند.

ماده ۱۱۴ - مدیران باید تعدادسهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است دارا باشند. این تعدادسهام نباید از تعدادسهامی که بموجب اساسنامه جهت دادن رای در مجمع عمومی لازم است کمتر باشد. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفرد یا مشترکاً بر شرکت وارد شود. سهام مذکور با اسم بوده و قابل انتقال نیست و مادام که مدیری مفاصا حساب دوره تصدی خود در شرکت رادریافت نداشته است سهام مذکور در صندوق شرکت بعنوان وثیقه باقی خواهد ماند.

ماده ۱۱۵ - در صورتی که مدیری در هنگام انتخاب مالک تعدادسهام لازم بعنوان وثیقه نباشد و همچنین در صورت انتقال قهری سهام مورد وثیقه و یا افزایش یافتن تعدادسهام لازم بعنوان وثیقه و یا افزایش یافتن تعدادسهام لازم بعنوان وثیقه مدیر باید ظرف مدت یکماه تعدادسهام لازم بعنوان وثیقه راتهییه و به صندوق شرکت بسیار دوگانه مستعفی محسوب خواهد شد.

ماده ۱۶۶ - تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت به منزله مفاصاحساب مدیران برای همان دوره مالی می باشد و پس از تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان دوره مالی که طی آن مدت مدیریت مدیران منقضی یا بهر نحو دیگری از آنان سلب سمت شده است سهام مورد وثیقه اینگونه مدیران خود بخود از قید وثیقه آزاد خواهد شد.

ماده ۱۱۷ - بازرسی یا بازرسان شرکت مکلفند هرگونه تخلفی از مقررات قانونی و اساسنامه شرکت در مورد سهام وثیقه مشاهده کنند به مجمع عمومی عادی گزارش دهند.

ماده ۱۱۸ - جز در باره موضوعاتی که بموجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام در باره آنها در صلاحیت خاص مجمع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا بموجب تصمیمات مجمع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و گمان لایکن است.

ماده ۱۱۹ - هیئت مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیئت مدیره یک رئیس و یک نایب رئیس که باید شخص حقیقی باشند برای تعیین مدت ریاست رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره پیش از مدت عضویت آنها در هیئت مدیره نخواهد بود. هیئت مدیره در هر موقع می تواند رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره را از سمت های مذکور عزل کند. هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود کلاً لایکن خواهد بود.

تبصره ۱ - از نظر اجرای مفاد این ماده شخص حقیقی که بعنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیئت مدیره معرفی شده باشد در حکم عضو هیئت مدیره تلقی خواهد شد.

تبصره ۲ - هرگاه رئیس هیئت مدیره موقتاً نتواند وظایف خود را انجام دهد وظایف او را نایب رئیس هیئت مدیره انجام خواهد داد.

ماده ۱۲۰ - رئیس هیئت مدیره علاوه بر دعوت و اداره جلسات هیئت - مدیره موظف است که مجمع عمومی صاحبان سهام را در مواردی که هیئت مدیره مکلف به دعوت آنها می باشد دعوت نماید.

ماده ۱۲۱ - برای تشکیل جلسات هیئت مدیره حضور بیش از نصف اعضا هیئت مدیره لازم است. تصمیمات باید به اکثریت آرا حاضرین اتخاذ گردد مگر آنکه در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شده باشد.

ماده ۱۲۲ - ترتیب دعوت و تشکیل جلسات هیئت مدیره را اساسنامه تعیین خواهد کرد. ولی در هر حال عده ای از مدیران که اقلایک سوم اعضا هیئت مدیره را تشکیل دهند می توانند در صورتی که از تاریخ تشکیل آخرین جلسه هیئت مدیره حداقل یک ماه گذشته باشد با ذکر دستور جلسه هیئت مدیره را دعوت نمایند.

ماده ۱۲۳ - برای هر یک از جلسات هیئت مدیره باید صورت جلسه ای تنظیم و لااقل به امضا اکثریت مدیران حاضر در جلسه برسد. در صورت جلسات هیئت مدیره نام مدیرانی که حضور دارند یا غایب می باشند و خلاصه ای از مذاکرات و همچنین تصمیمات متخذه در جلسه با قید تاریخ در آن ذکر می گردد. هر یک از مدیران که باتمام یا بعضی از تصمیمات مندرج در صورت جلسه مخالف باشند نظر او باید در صورت جلسه قید شود.

ماده ۱۲۴ - هیئت مدیره باید اقلایک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت برگزیند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه او را تعیین کند در صورتی که مدیرعامل عضو هیئت مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیئت مدیره بیشتر نخواهد بود. مدیرعامل شرکت نمی تواند در عین حال رئیس هیئت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آرا حاضر در مجمع عمومی.

تبصره - هیئت مدیره در هر موقع می تواند مدیرعامل را عزل نماید.

ماده ۱۲۵ - مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت مدیره به او تفویض شده است نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضا دارد.

ماده ۱۲۶ - اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ نمی توانند به مدیریت عامل شرکت انتخاب شوند و همچنین هیچکس نمی تواند در عین حال مدیریت عامل بیش از یک شرکت را داشته باشد. تصمیمات و اقدامات مدیرعاملی که برخلاف مفاد این ماده انتخاب شده است در مقابل صاحبان سهام و اشخاص ثالث معتبر و مسئولیت های سمت مدیریت عامل شامل حال او نخواهد شد.

ماده ۱۲۷ - هر کس برخلاف ماده ۱۲۶ به مدیریت عامل انتخاب شود یا پس از انتخاب مشمول ماده مذکور گردد دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع حکم عزل او را صادر خواهد کرد و چنین حکمی قطعی خواهد بود.

ماده ۱۲۸ - نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیرعامل باید با ارسال نسخه ای از صورت جلسه هیئت مدیره به مرجع ثبت شرکت ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود.

ماده ۱۲۹ - اعضا هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین موسسات و شرکتهائی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل شرکت شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل آنها باشند نمی توانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می شود بطور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع و یا سهیم شوند و در صورت اجازه نیز هیئت مدیره مکلف است بازرسی شرکت را از معامله ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرسی نیز مکلف است ضمن گزارش خامی حاوی جزئیات معامله نظر خود را در باره چنین معامله ای به همان مجمع تقدیم کند. عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل ذینفع در معامله در جلسه هیئت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور حق رای نخواهد داشت.

ماده ۱۳۰ - معاملات مذکور در ماده ۱۲۹ در هر حال ولو آنکه توسط مجمع عادی تصویب نشود در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در موارد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. در صورتی که بر اثر انجام معامله به شرکت خسارتی وارد آمده باشد جبران خسارت بر عهده هیئت مدیره و مدیرعامل یا مدیران ذینفع و مدیرانی است که اجازه آن را داده اند که همگی آنها متضامناً مسئول جبران خسارت وارده معامله به شرکت می باشند.

۱ - اشخاص مذکور در ماده ۱۱۱ این قانون./

۲ - مدیران و مدیرعامل شرکت./

۳ - اقرباسی و ونسبی مدیران و مدیرعامل تادرجه سوم از طبقه اول و دوم./

۴ - هرکس که خود یا همسرش ز اشخاص مذکور در بند ۲ موظف حقوق دریافت می دارد./

ماده ۱۴۸ - بازرس یا بازرسان علاوه بر وظایفی که در سایر مواد این قانون برای آنان مقرر شده است مکلفند در باره صحت و درستی صورت دارائی و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان تر از نامه ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجمع عمومی گذاشته اند اظهار نظر کنند. بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است بطوریکسان رعایت شده باشد و در صورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفند که مجمع عمومی را از آن آگاه سازند./

ماده ۱۵۰ - بازرس یا بازرسان موظفند تا توجه به ماده ۱۴۸ این قانون گزارش جامعی راجع به وضع شرکت به مجمع عمومی عادی تسلیم کنند. گزارش بازرسان باید لااقل ده روز قبل از تشکیل مجمع عمومی عادی جهت مراجعه صاحبان سهام در مرکز شرکت آماده باشد./

تبصره - در صورتی که شرکت بازرسان متعدد داشته هر یک می توانند به تنهایی وظایف خود را انجام دهد لیکن کلیه بازرسان باید گزارش واحدی تهیه کنند. در صورت وجود اختلاف نظری بین بازرسان موارد اختلاف با ذکر دلیل در گزارش قید خواهد شد./

ماده ۱۵۱ - بازرس یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورتی که ضمن انجام ماموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند باید به مرجع قضائی صلاحیت دار اعلام نموده و نیز جریان رابه اولین مجمع عمومی گزارش دهند./

ماده ۱۵۲ - در صورتی که مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرس یا بر اساس گزارش اشخاصی که برخلاف ماده ۱۴۷ این قانون بعنوان بازرس تعیین شده اند صورت دارائی و تر از نامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد این تصویب به هیچوجه اثر قانونی نداشته از درجه اعتبار ساقط خواهد بود./

ماده ۱۵۳ - در صورتی که مجمع بازرس معین نکرده باشد یا یک یا چند نفر از بازرسان بعلی نتوانند گزارش بدهند یا از دادن گزارش امتناع کنند رئیس دادگاه شهرستان به تقاضای هر ذینفع بازرس یا بازرسان رابه تعداد مقرر در اساسنامه شرکت انتخاب خواهد کرد تا وظایف مربوطه را تا انتخاب بازرس بوسیله مجمع عمومی انجام دهند. تصمیم رئیس دادگاه شهرستان در این مورد غیر قابل شکایت است./

ماده ۱۵۴ - بازرس یا بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب می شوند طبق قواعد عمومی مربوط به مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود./

ماده ۱۵۵ - تعیین حق الزحمه بازرس با مجمع عمومی عادی است./

ماده ۱۵۶ - بازرس نمی تواند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می گیرد بطور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع شود./

بخش ۸/

تغییرات در سرمایه شرکت/

ماده ۱۵۷ - سرمایه شرکت را می توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد./

ماده ۱۵۸ - تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به یکی از طریق زیر امکان پذیر است -/

۱ - پرداخت مبلغ اسمی به نقد./

۲ - تبدیل مطالبات نقدی حاصل شده اشخاص از شرکت به سهام جدید./

۳ - انتقال سود تقسیم نشده یا اندوخته یا عواید حاصله از اضافه ارزش سهام جدید به سرمایه شرکت./

۴ - تبدیل اوراق قرضه به سهام./

تبصره ۱ - فقط در شرکت سهامی خاص تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به غیر نقد نیز مجاز است./

تبصره ۲ - انتقال اندوخته قانونی به سرمایه ممنوع است./

ماده ۱۵۹ - افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتی که برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نخواهد بود مگر آنکه کلیه صاحبان سهام با آن موافق باشند./

ماده ۱۶۰ - شرکت می تواند سهام جدید را برابر مبلغ اسمی بفرشده یا این که مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی سهم بعنوان اضافه ارزش سهم از خریداران دریافت کند. شرکت می تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهم فروخته شده رابه اندوخته منتقل سازد تا نقد بین صاحبان سهام سابق تقسیم کند یا در آن سهام جدید به صاحبان سهام سابق بدهد./

ماده ۱۶۱ - مجمع عمومی فوق العاده به پیشنهاد هیئت مدیره پس از قرانت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مورد افزایش سرمایه شرکت اتخاذ تصمیم می کند./

تبصره ۱ - مجمع عمومی فوق العاده که در مورد افزایش سرمایه اتخاذ تصمیم می کند شرایط مربوطه فروش سهام جدید و تادیه قیمت آن را تعیین یا اختیار تعیین آن رابه هیئت مدیره واگذار خواهد کرد./

تبصره ۲ - پیشنهاد هیئت مدیره راجع به افزایش سرمایه باید متضمن توجیه لزوم افزایش سرمایه و نیز شامل گزارشی درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نگرفته باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد گزارش بازرس یا بازرسان باید شامل اظهار نظر درباره پیشنهاد هیئت مدیره باشد./

ماده ۱۶۲ - مجمع عمومی فوق العاده می تواند به هیئت مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی به یکی از طرق مذکور در این قانون افزایش دهد./

ماده ۱۶۳ - هیئت مدیره در هر حال مکلف است در هر توبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه حداکثر ظرف یکماه مراتب

راضن اصلاح اساسنامه در قسمت مربوط به مقدار سرمایه ثبت شده شرکت به مرجع ثبت شرکتها اعلام کند تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود. /

ماده ۱۶۴ - اساسنامه شرکت نمی تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیئت مدیره باشد. /

ماده ۱۶۵ - مادام که سرمایه قبلی شرکت تماماتادیه نشده است افزایش سرمایه شرکت تحت هیچ عنوانی مجاز نخواهد بود. /

ماده ۱۶۶ - در خرید سهام جدید صاحبان سهام شرکت به نسبت سهامی که مالکند حق تقدم دارند و این حق قابل نقل و انتقال است مهلتی که طی آن سهامداران می توانند حق تقدم مذکور اعمال کنند کمتر از شصت روز نخواهد بود. این مهلت از روزی که برای پذیره نویسی تعیین می گردد شروع می شود. /

ماده ۱۶۷ - مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را از طریق فروش سهام جدید تصویب می کند یا اجازه آن را به هیئت مدیره می دهد می تواند حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی تمام یا قسمتی از سهام جدید آنان سلب کند به شرط آنکه چنین تصمیمی پس از قرائت گزارش هیئت مدیره و گزارش بازرسی یا بازرسان شرکت اتخاذ گردد و گرنه باطل خواهد بود. /

تبصره - گزارش هیئت مدیره مذکور در این ماده باید مشتمل بر توجیه لزوم افزایش سرمایه و سلب حق تقدم از سهامداران معرفی شخص یا اشخاصی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است و تعداد و قیمت این گونه سهام و عواملی که در تعیین قیمت در نظر گرفته شده است باشد. گزارش بازرسی یا بازرسان باید حاکی از تایید عوامل و جهاتی باشد که در گزارش هیئت مدیره ذکر شده است. /

ماده ۱۶۸ - در مورد ماده ۱۶۷ چنانچه سلب حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید از بعضی از صاحبان سهام به نفع بعض دیگر انجام می گیرد سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است حق ندارند در اخذ رای در باره سلب حق تقدم سایر سهامداران شرکت کنند. در احتساب حد تصاحب رسمیت جلسه و اکثریت لازم جهت معتبر بودن تصمیمات مجمع عمومی سهام سهامدارانی که سهام جدید برای تخصیص به آنها در نظر گرفته شده است به حساب نخواهد آمد. /

ماده ۱۶۹ - در شرکتهای سهامی خاص پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید مراتب از طریق نشر آگهی در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد به اطلاع صاحبان سهام برسد در این آگهی باید اطلاعات مربوط به مبلغ افزایش سرمایه و مبلغ اسمی سهام جدید و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهام و تعداد سهامی که هر صاحب سهم نسبت به سهام خود حق تقدم در خرید آنها را دارد و مهلت پذیره نویسی و نحوه پرداخت ذکر شود. در صورتی که برای سهام جدید شرایط خاصی در نظر گرفته شده باشد چگونگی این شرایط در آگهی قید خواهد شد. /

ماده ۱۷۰ - در شرکتهای سهامی عام پس از اتخاذ تصمیم راجع به افزایش سرمایه از طریق انتشار سهام جدید باید آگهی به نومذکور در ماده ۱۶۹ منتشر و در آن قید شود که صاحبان سهام بی نام برای دریافت گواهینامه حق خرید سهامی که حق تقدم در خرید آن را دارند ظرف مدت معین که نباید کمتر از بیست روز باشد به مراکز که از طرف شرکت تعیین و در آگهی قید شده است مراجعه کنند. برای صاحبان سهام بانام گواهینامه های حق خرید باید توسط پست سفارشی ارسال گردد. /

ماده ۱۷۱ - گواهینامه حق خرید سهام مذکور در ماده فوق باید مشتمل بر نکات زیر باشد - /

۱ - نام و شماره ثبت و مرکز اصلی شرکت. /

۲ - مبلغ سرمایه فعلی و همچنین مبلغ افزایش سرمایه شرکت. /

۳ - تعداد و نوع سهامی که دارنده گواهینامه حق خرید آن را دارد با ذکر مبلغ اسمی سهم و حسب مورد مبلغ اضافه ارزش آن. /

۴ - نام بانک و مشخصات حساب سپرده ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود. /

۵ - مهلتی که طی آن دارنده گواهینامه می تواند حق خرید مندرج در گواهینامه استفاده کند. /

۶ - هرگونه شرایط دیگری که برای پذیره نویسی مقرر شده باشد. /

تبصره - گواهینامه حق خرید سهام باید به همان ترتیبی که برای امضای اوراق سهام شرکت مقرر است به امضا برسد /

ماده ۱۷۲ - در صورتی که حق تقدم در پذیره نویسی سهام جدید از صاحبان سهام سلب شده باشد یا صاحبان سهام از حق تقدم خود ظرف مهلت مقرر استفاده نکنند حسب مورد تمام یا باقی مانده سهام جدید عرضه و به متقاضیان فروخته خواهد شد. /

ماده ۱۷۳ - شرکتهای سهامی عام باید قبل از عرضه کردن سهام جدید برای پذیره نویسی عمومی ابتدا طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم و رسید دریافت کنند. /

ماده ۱۷۴ - طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکور در ماده ۱۷۳ باید به امضای دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد - /

۱ - نام و شماره ثبت شرکت. /

۲ - موضوع شرکت و نوع فعالیت های آن. /

۳ - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن. /

۴ - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضا مدت آن. /

۵ - مبلغ سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه. /

۶ - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن. /

۷ - هویت کامل اعضا هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت. /

۸ - شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجمع عمومی. /

۹ - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته و تقسیم دارایی. /

۱۰ - مبلغ و تعداد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهم که شرکت منتشر کرده است و مهلت و شرایط تبدیل اوراق قرضه به سهم. /

۱۱ - مبلغ بازپرداخت نشده انواع دیگر اوراق قرضه ای که شرکت منتشر کرده است و تضمینات مربوط به آن. /

۱۲ - مبلغ دیون شرکت وهمچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است./

۱۳ - مبلغ افزایش سرمایه./

۱۴ - تعداد ونوع سهام جدیدی که صاحبان سهام با استفاده از حق تقدم خود تعهد کرده اند./

۱۵ - تاریخ شروع وخاتمه مهلت پذیره نویسی./

۱۶ - مبلغ اسمی ونوع سهامی که باید تعهد شود وحسب مورد مبلغ اضافه ارزش سهم./

۱۷ - حداقل تعداد سهامی که هنگام پذیره نویسی باید تعهد شود./

۱۸ - نام بانک ومشخصات حساب سپرده ای که وجوه لازم باید در آن پرداخته شود./

۱۹ - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های شرکت در آن نشر می شود./

ماده ۱۷۵ - آخرین ترانامه وحساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است باید ضمیمه طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم گردد و در صورتی که شرکت تا آن موقع ترانامه وحساب سود و زیان تنظیم نکرده باشد این نکته باید در طرح اعلامیه پذیره نویسی قید شود./

ماده ۱۷۶ - مرجع ثبت شرکتهایس از وصول طرح اعلامیه پذیره نویسی و ضمانت آن وتطبیق مندرجات آنها بمقررات قانونی اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را صادر خواهند نمود./

ماده ۱۷۷ - اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های شرکت در آن نشر می گردد اقل در روزنامه کثیرالانتشار دیگر آگهی شود و نیز در بانکی که تعهد سهام در نزد آن بعمل می آید در معرض دید علاقمندان قرار داده شود. در اعلامیه پذیره نویسی باید قید شود که آخرین ترانامه وحساب سود و زیان شرکت که به تصویب مجمع عمومی رسیده است در نزد مرجع ثبت شرکتهای و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده است./

ماده ۱۷۸ - خریداران طرف مهلتی که در اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید معین شده است و نباید از دو ماه کمتر باشد به بانک مراجعه و ورقه تعهد سهام را امضا کرده ومبلغی را که باید پرداخته شود تادیه و رسید دریافت خواهند کرد. ماده ۱۷۹ - پذیره نویسی سهام جدید به موجب ورقه تعهد خرید سهام که باید شامل نکات زیر باشد بعمل خواهد آمد -/

۱ - نام وموضوع ومركز اصلی وشماره ثبت شرکت./

۲ - سرمایه شرکت قبل از افزایش سرمایه./

۳ - مبلغ افزایش سرمایه./

۴ - شماره وتاریخ اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید ومرجع صدور آن./

۵ - تعداد ونوع سهامی که مورد تعهد واقع می شود ومبلغ اسمی آن./

۶ - نام بانک وشماره حسابی که بهای سهام در آن پرداخته می شود./

۷ - هویت ونشانی کامل پذیره نویسی./

ماده ۱۸۰ - مقررات مواد ۱۴ و ۱۵ این قانون در مورد تعهد خرید سهام جدید نیز حاکم است./

ماده ۱۸۱ - پس از گذشتن مهلتی که برای پذیره نویسی معین شده است و در صورت تمدید بعد از انقضای مدت تمدید شده هیئت مدیره حداکثر تا یکماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی کرده وتعداد سهام هریک از تعهدکنندگان را تعیین واعلام ومراتب راجهت ثبت وآگهی به مرجع ثبت شرکتهای اطلاع خواهد داد./

هرگاه پس از رسیدگی به اوراق پذیره نویسی مقدار سهام خریداری شده بیش از میزان افزایش سرمایه باشد هیئت مدیره مکلف است ضمن تعیین تعداد سهام هر خریدار دستور استرداد وجوه سهام اضافه خریداری شده رابه بانک مربوط بدهد./

۱۸۲ - هرگاه افزایش سرمایه شرکت تانه ماه از تاریخ تسلیم طرح اعلامیه پذیره نویسی مذکور در ماده ۱۷۴ به مرجع ثبت شرکتهای ثبت نرسیده درخواست هریک از پذیره نویسان سهام جدید مرجع ثبت شرکت که طرح اعلامیه نویسی به آن تسلیم شده است گواهینامه ای حاکی از عدم ثبت افزایش سرمایه شرکت صادر به بانکی که تعهد سهام وتادیه وجوه در آن بعمل آمده است ارسال می دارد تا اشخاصی که سهام جدید را پذیره نویسی کرده اند به بانک مراجعه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه ای که برای افزایش سرمایه شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده شرکت قرار می گیرد./

ماده ۱۸۳ - برای ثبت افزایش سرمایه شرکتهای سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتهای کافی خواهد بود./

۱ - صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه راتصویب نموده ویا اجازه آن رابه هیئت مدیره داده است ودر صورت اخیر صورت جلسه هیئت مدیره که افزایش سرمایه رامورد تصویب قرار داده است./

۲ - یک نسخه از روزنامه ای که آگهی مذکور در ماده ۱۹۶ این قانون در آن نشر گردیده است./

۳ - اظهارنامه مشعر بر فروش کلیه سهام جدید و در صورتی که سهام جدید امتیازاتی داشته باشد باید به شرح امتیازات وموجبات آن در اظهارنامه قید شود./

۴ - در صورتی که قسمتی از افزایش سرمایه بصورت غیر نقد باشد باید تمام قسمت غیر نقد تحویل گردیده و بارعبایت ماده ۱۸۲ این قانون به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده باشد مجمع عمومی فوق العاده در این مورد با حضور صاحبان سهام شرکت و پذیره نویسان سهام جدید تشکیل شده ورعایت مقررات مواد ۷۷ لغایت ۸۱ این قانون در آن قسمت که به آورده غیر نقد مربوط می شود الزامی خواهد بود و یک نسخه از صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده باید اظهارنامه مذکور در این ماده ضمیمه شود./

تبصره - اظهارنامه های مذکور در این ماده باید به امضای کلیه اعضا هیئت مدیره رسیده باشد./

ماده ۱۸۴ - وجوهی که به حساب افزایش سرمایه تادیه می شود باید در حساب سپرده مخصوصی نگاهداری شود تا مین وتوقیف وانتقال وجوه مزبور به حساب های شرکت ممکن نیست مگر پس از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه شرکت. ماده

۱۸۵ - در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام افزایش سرمایه شرکت را از طریق تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت تصویب کرده باشد سهام جدیدی که در نتیجه اینگونه افزایش سرمایه صادر خواهد شد با مضارقه

خریدسهم توسط طلبکارانی که مایل به پذیره نویسی سهام جدیدباشند انجام می گیرد./

ماده ۱۸۶ - در ورقه خریدسهم مذکوردر ماده ۱۸۵ نکات مندرج دربندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۵ و ۷ و ۸ و ماده ۱۷۹ بایدقیدشود./

ماده ۱۸۷ - در مورد ماده ۱۸۵ پس از انجام پذیره نویسی بایددر موقع به ثبت رسانیدن افزایش سرمایه در مرجع ثبت شرکتهاصورت کاملی از مطالبات نقدی حال شده ، بستانکاران پذیره نویس را که به سهام شرکت تبدیل شده است به ضمیمه رونوشت اسنادومدارک حاکی از تصفیه آنگونه مطالبات که بازرسان شرکت صحت آن را تایید کرده باشند همراه با صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده و اظهارنامه هیئت مدیره مشعر بر اینکه کلیه این سهام خریداری شده و بهای آن دریافت شده است به مرجع ثبت شرکتها تسلیم شود./

ماده ۱۸۸ - در موردی که افزایش سرمایه از طریق بالابردن مبلغ اسمی سهام موجود صورت می گیرد کلیه افزایش سرمایه بایدتقدیر پرداخت شود و نیز سهام جدیدی که در قبال افزایش سرمایه صادر می شود هنگام پذیره نویسی بر حسب مورد کلیبرداشت یا بهتر شود./

ماده ۱۸۹ - علاوه بر کاهش اجباری سرمایه مذکوردر ماده ۱۴۱ مجمع عمومی فوق العاده شرکت می تواند به پیشنهاد هیئت مدیره در مورد کاهش سرمایه شرکت بطور اختیاری اتخاذتصمیم کند مشروط بر آنکه بر اثر کاهش سرمایه به تساوی حقوق صاحبان سهام لطمه ای وارد نشود و سرمایه شرکت از حداقل مقرر در ماده ۵ این قانون کمتر نگردد./

تبصره - کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعداد یا مبلغ اسمی سهام صورت میگیرد و کاهش سرمایه از طریق کاهش بهای اسمی سهام به نسبت متساوی و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن انجام می گیرد./

ماده ۱۹۰ - پیشنهاد هیئت مدیره راجع به کاهش سرمایه باید حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرسان یا بازرسان شرکت تسلیم گردد./

پیشنهاد مزبور باید متضمن توجیه لزوم کاهش سرمایه و همچنین شامل گزارش درباره امور شرکت از بدو سال مالی در جریان و اگر تا آن موقع مجمع عمومی نسبت به حسابهای سال مالی قبل تصمیم نکرده باشد حاکی از وضع شرکت از ابتدای سال مالی قبل باشد./

ماده ۱۹۱ - بازرسان یا بازرسان شرکت پیشنهاد هیئت مدیره را مورد رسیدگی قرار داده و نظر خود را طی گزارش به مجمع عمومی فوق العاده تسلیم خواهد نمود و مجمع عمومی پس از استماع گزارش بازرسان تصمیم خواهد گرفت./

ماده ۱۹۲ - هیئت مدیره قبل از اقدام به کاهش اجباری سرمایه باید تصمیم مجمع عمومی را درباره کاهش حداکثر ظرف یک ماه در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی کند./

ماده ۱۹۳ - در مورد کاهش اجباری سرمایه شرکت هر یک از دارندگان اوراق قرضه و یابستانکارانی که منشا طلب آنها قبل از تاریخ نشر آخرین آگهی مذکوردر ماده ۱۹۲ باشد می توانند ظرف دو ماه از تاریخ نشر آخرین آگهی اعتراض خود را نسبت به کاهش سرمایه شرکت به دادگاه تقدیم کنند./

ماده ۱۹۴ - در صورتی که بنظر دادگاه اعتراض نسبت به کاهش سرمایه وارد تشخیص شود و شرکت جهت تامین پرداخت طلب معترض و وثیقه ای که بنظر دادگاه کافی باشد نسیار در این صورت آن دین حال شده و دادگاه به پرداخت آن خواهد داد./

ماده ۱۹۵ - در مهلت دو ماه مذکوردر ماده ۱۹۳ و همچنین در صورتی که اعتراضی شده باشد تا خاتمه اجرای حکم قطعی دادگاه شرکت از کاهش سرمایه ممنوع است./

ماده ۱۹۶ - برای کاهش بهای اسمی سهام شرکت و رد مبلغ کاهش یافته هر سهم هیئت مدیره شرکت باید مراتب را طی اطلاعیه ای به اطلاع کلیه صاحبان سهام برساند. اطلاعیه شرکت باید در روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد منتشر شود و برای صاحبان سهام بانام توسط پست سفارشی ارسال گردد./

ماده ۱۹۷ - اطلاعیه مذکوردر ماده ۱۹۶ باید مشتمل بر نکات زیر باشد -/

۱ - نام و نشانی مرکز اصلی شرکت./

۲ - مبلغ سرمایه شرکت قبل از اتخاذتصمیم در مورد کاهش سرمایه./

۳ - مبلغی که هر سهم به آن میزان کاهش می یابد یا بهای اسمی هر سهم پس از کاهش./

۴ - نحوه پرداخت و مهلتی که برای بازپرداخت مبلغ کاهش یافته هر سهم در نظر گرفته شده و محلی که در آن این بازپرداخت انجام می گیرد./

ماده ۱۹۸ - خرید سهام شرکت توسط همان شرکت ممنوع است./

بخش ۹/

انحلال و تصفیه/

ماده ۱۹۹ - شرکت سهامی در موارد زیر منحل می شود -/

۱ - وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام داده یا انجام آن غیرممکن شده باشد./

۲ - در صورتی که شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد مگر اینکه مدت قبل از انقضاتمدید شده باشد./

۳ - در صورت ورشکستگی./

۴ - در هر موقع که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام بهر علتی رای به انحلال شرکت بدهد./

۵ - در صورت صدور حکم قطعی دادگاه./

ماده ۲۰۰ - انحلال شرکت در صورت ورشکستگی تابع مقررات مربوط به ورشکستگی است./

۱ - در صورتی که تا یکسال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتی که فعالیتهای شرکت در مدت بیش از یکسال متوقف شده باشد./

۲ - در صورتی که مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حساب های هر یک از سالهای مالی تاده ماه از تاریخی که اساسنامه معین کرده است تشکیل نشده باشد ۳ - در صورتی که سمت تمام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره و همچنین سمت

مدیرعامل شرکت طی مدتی زاندرششماه بلامتصدی مانده باشد./

۴ - در مورد دیندهای یک و دو ماده ۱۹۹ در صورتی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام جهت اعلام انحلال شرکت تشکیل نشود و پیاری به انحلال شرکت ندهد. ماده ۲۰۲ - در مورد دیندهای یک و دو و سه ماده ۲۰۱ دادگاه بلافاصله بر حسب مورد به مراجعی که طبق اساسنامه و این قانون صلاحیت اقدام دارنده مهلت متناسبی که حداکثر از ششماه تجاوز نکند می دهد تا در رفع موجبات انحلال اقدام نمایند./

در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات انحلال رفع نشود دادگاه حکم به انحلال شرکت می دهد./

ماده ۲۰۳ - تصفیه امور شرکتهای سهامی با رعایت مقررات این قانون انجام می گیرد. مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوط به ورشکستگی می باشد./

ماده ۲۰۴ - امر تصفیه با مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه شرکت یا مجمع عمومی فوق العاده ای که رای به انحلال می دهد ترتیب دیگری مقرر داشته باشد./

ماده ۲۰۵ - در صورتی که بهر علت مدیر تصفیه تعیین نشده باشد یا تعیین شده ولی به وظایف خود عمل نکند هر ذینفع حق دارد تعیین مدیر تصفیه را از دادگاه بخواهد در مواردی نیز که انحلال شرکت به موجب حکم دادگاه صورت می گیرد مدیر تصفیه را دادگاه ضمن صدور حکم انحلال شرکت تعیین خواهد نمود./

ماده ۲۰۶ - شرکت به محض انحلال در حال تصفیه محسوب می شود و باید در دنبال نام شرکت همه جابجاریات در حال تصفیه ذکر شود و نام مدیران تصفیه در کلیه اوراق و آگهی های مربوط به شرکت قید گردد./

ماده ۲۰۷ - نشانی مدیران تصفیه همان نشانی مرکز اصلی شرکت خواهد بود مگر آنکه بموجب تصمیم مجمع عمومی فوق العاده یا حکم دادگاه نشانی دیگری تعیین شده باشد./

ماده ۲۰۸ - تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوط به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران تصفیه موظف به خاتمه دادن کارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارائی شرکت می باشند و هرگاه برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود مدیران تصفیه انجام خواهند داد./

ماده ۲۰۹ - تصمیم راجع به انحلال و اسامی مدیران تصفیه و نشانی آنها با رعایت ماده ۲۰۷ این قانون باید ظرف پنج روز از طرف مدیران تصفیه به مرجع ثبت شرکت اعلام شود تا پس از ثبت برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و روزنامه های کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی شود در مدت تصفیه منظور از روزنامه کثیرالانتشاری روزنامه کثیرالانتشاری است که توسط آخرین مجمع عمومی عادی قبل از انحلال تعیین شده است./

ماده ۲۱۰ - انحلال شرکت مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است./

ماده ۲۱۱ - از تاریخ تعیین مدیران تصفیه اختیارات مدیران شرکت خاتمه یافته و تصفیه شرکت شروع می شود. مدیران تصفیه باید کلیه اموال و دفاتر و اوراق و اسناد مربوط به شرکت را تحویل گرفته بلافاصله امر تصفیه شرکت را عهده دار شوند./

ماده ۲۱۲ - مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم را جهت امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوی و ارجاع به داوری و حق سازش دارا می باشند و می توانند برای طرح دعوی و دفاع از دعاوی وکیل تعیین نمایند. محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و کان لم یکن است./

ماده ۲۱۳ - انتقال دارائی شرکت در حال تصفیه کلیابعضایه مدیران تصفیه و بابه اقارب آنها از طبقه اول و دوم تاجر چهارم ممنوع است. هر نقل و انتقال که برخلاف مفاد این ماده انجام گیرد باطل خواهد بود./

ماده ۲۱۴ - مدت مأموریت مدیران تصفیه نباید از دو سال تجاوز کند. اگر تا پایان مأموریت مدیران تصفیه امر تصفیه خاتمه نیافته باشد مدیران تصفیه باید ذکر علل و جهات خاتمه نیافتن تصفیه امور شرکت مهلت اضافی را که برای خاتمه دادن به امر تصفیه لازم می دانند و تدابیری را که جهت پایان دادن به امر تصفیه در نظر گرفته اند به اطلاع مجمع عمومی صاحبان سهام رسانیده تمدید مدت مأموریت خود را خواستار شوند./

ماده ۲۱۵ - هرگاه مدیران تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشند تمدید مدت مأموریت آنان با رعایت شرایط مندرج در ماده ۲۱۴ با دادگاه خواهد بود./

ماده ۲۱۶ - مدیران تصفیه توسط همان مرجعی که آنان را انتخاب کرده است قابل عزل می باشند./

ماده ۲۱۷ - مادام که امر تصفیه خاتمه نیافته است مدیران تصفیه باید همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در قانون و اساسنامه پیش بینی شده است دعوت کرده صورت دارائی منقول و غیر منقول و ترازنامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارشی حاکی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده اند به مجمع عمومی مذکور تسلیم کنند./

ماده ۲۱۸ - در صورتی که بموجب اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی صاحبان سهام برای دوره تصفیه یک یا چند ناظر معین شده باشند ناظر باید به عملیات مدیران تصفیه رسیدگی کرده گزارش خود را به مجمع عمومی عادی صاحبان سهام تسلیم کند./

ماده ۲۱۹ - در مدت تصفیه دعوت مجمع عمومی در کلیه موارد بعهده مدیران تصفیه است. هرگاه مدیران تصفیه به این تکلیف عمل نکنند ناظر مکلف به دعوت مجمع عمومی خواهد بود در صورتی که ناظر نیز به تکلیف خود عمل نکند یا ناظر پیش بینی یا معین نشده باشد دادگاه به تقاضای هر ذینفع حکم به تشکیل مجمع عمومی خواهد داد./

ماده ۲۲۰ - صاحبان سهام حق دارند نامند زمان قبل از انحلال شرکت از عملیات و حسابها در مدت تصفیه کسب اطلاع کنند./

ماده ۲۲۱ - در مدت تصفیه مقررات راجع به دعوت و تشکیل مجامع عمومی و شرایط حدنصاب و اکثریت مجامع مانند زمان قبل از انحلال باید رعایت شود و هرگونه دعوتنامه و اطلاعیه ای که مدیران تصفیه برای صاحبان سهام منتشر می کنند باید در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد منتشر شود./

ماده ۲۲۲ - در مواردی که بموجب این قانون مدیران تصفیه مکلف به دعوت مجامع عمومی و تسلیم گزارش کارهای خود می باشند هرگاه مجمع عمومی مورد نظر دومرتبه با رعایت تشریفات مقرر در این قانون دعوت شده ولی تشکیل نگردد و یا اینکه تشکیل شده و نتواند تصمیم بگیرد مدیران تصفیه باید گزارش خود و صورت حسابهای مقرر در ماده ۲۱۷ این قانون را در روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد برای اطلاع عموم سهامداران منتشر کنند./

ماده ۲۲۳ - آن قسمت از دارائی نقدی شرکت که در مدت تصفیه مورد احتیاج نیست بین صاحبان سهام به نسبت سهام تقسیم می شود به شرط آنکه حقوق بستانکاران ملحوظ و معادل دیونی که هنوز موعودتادیه آن نرسیده است موضوع شده باشد./

ماده ۲۲۴ - پس از ختم تصفیه و انجام تعهدات و تادیه کلیه دین دارانی شرکت بدوایه مصرف بازپرداخت مبلغ اسمی سهام به سهامداران خواهد رسید و مازاد به ترتیب مقرر در اساسنامه شرکت و در صورتی که اساسنامه ساکت باشد به نسبت سهام بین سهامداران تقسیم خواهد شد.

ماده ۲۲۵ - تقسیم دارائی شرکت بین صاحبان سهام خواه در مدت تصفیه و خواه پس از آن ممکن نیست مگر آنکه شروع به تصفیه و دعوت بستانکاران قبلاسه مرتبه و هر مرتبه به فاصله یک ماه در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالتنشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد آگهی شده و الاقل ششماه از تاریخ انتشار اولین آگهی گذشته باشد.

ماده ۲۲۶ - تخلف از ماده ۲۲۵ مدیران تصفیه را مسئول خسارت بستانکارانی قرار خواهد داد که طلب خود اداریافت نکرده اند.

ماده ۲۲۷ - مدیران تصفیه مکلفند ظرف یکماه پس از ختم تصفیه مراتب رابه مرجع ثبت شرکتها اعلام دارند تا به ثبت رسیده و در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالتنشاری که اطلاعیه ها و آگهی های مربوط به شرکت در آن درج می گردد آگهی شود و نام شرکت از دفتر ثبت شرکتها و دفتر ثبت تجاری حذف گردد.

ماده ۲۲۸ - پس از اعلام ختم تصفیه مدیران تصفیه باید وجوهی را که باقی مانده است در حساب مخصوصی نزدیکی از بانکهای ایران تودیع و صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفاء نکرده اند نیز به آن بانک تسلیم و مراتب را طی آگهی مذکور در همان ماده به اطلاع اشخاص ذینفع برسانند تا برای گرفتن طلب خود به بانک مراجعه کنند. پس از انقضای مهلت از تاریخ انتشار آگهی ختم تصفیه هر مبلغ از وجوه که در بانک باقی مانده باشد در حکم مال بلاصاحب بوده و از طرف بانک با اطلاع دادستان شهرستان محل به خزانه دولت منتقل خواهد شد.

ماده ۲۲۹ - دفاتر و سایر اسناد و مدارک شرکت تصفیه شده باید تا ده سال از تاریخ اعلام ختم تصفیه محفوظ بماند به این منظور مدیران تصفیه باید مقارن اعلام ختم تصفیه به مرجع ثبت شرکتها دفاتر و اسناد و مدارک مذکور را نیز به مرجع ثبت شرکتها تحویل دهند تا نگهداری و برای مراجعه اشخاص ذینفع آماده باشد.

ماده ۲۳۰ - در صورتی که مدیر تصفیه قصد استعفا از سمت خود داشته باشد باید مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت اعلام استعفا و خودتعیین جانشین دعوت نماید. در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند مدیر تصفیه جدیدی را انتخاب کند و نیز هرگاه مدیر تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر تصفیه مکلف است که قصد استعفا خود را به دادگاه اعلام کند و تعیین مدیر تصفیه جدید را از دادگاه بخواهد. در هر حال استعفا مدیر تصفیه تا هنگامی که جانشین او به ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشده و مراتب طبق ماده ۲۰۹ این قانون ثبت و آگهی نشده باشد کما لزم است.

ماده ۲۳۱ - در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه اگر مدیران تصفیه متعدد باشند و مدیر تصفیه متوفی یا مجبور یا ورشکسته توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد مدیران تصفیه باید مجمع عمومی عادی شرکت را جهت انتخاب جانشین مدیر تصفیه متوفی یا مجبور یا ورشکسته دعوت نمایند و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا مجبور یا ورشکسته را انتخاب کند یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا مجبور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیران تصفیه باید مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل دهند و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند جانشین مدیر تصفیه متوفی یا مجبور یا ورشکسته را از دادگاه بخواهند.

اگر امر تصفیه منحصر ابعهده یک نفر باشد در صورت فوت یا حجر یا ورشکستگی مدیر تصفیه در صورتی که مدیر تصفیه توسط مجمع عمومی شرکت انتخاب شده باشد در ذینفع می تواند از مرجع ثبت شرکتها بخواهد که مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید و در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نگردد یا نتواند جانشین مدیر تصفیه را انتخاب نماید یا در صورتی که مدیر تصفیه متوفی یا مجبور یا ورشکسته توسط دادگاه تعیین شده باشد در ذینفع می تواند تعیین جانشین را از دادگاه بخواهد.

بخش ۱۰

حسابهای شرکت

ماده ۲۳۲ - هیئت مدیره شرکت باید پس از انقضای سال مالی صورت دارائی و دیون شرکت را در پایان سال و همچنین ترازنامه و حساب عملکرد و حساب سود و زیان شرکت را به ضمیمه گزارشی درباره فعالیت و وضع عمومی شرکت طی سال مالی مزبور تنظیم کند. اسناد مذکور در این ماده باید اقلابست روز قبل از تاریخ مجمع عمومی عادی سالانه در اختیار بازرسان گذاشته شود.

ماده ۲۳۳ - در تنظیم حساب عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه شرکت باید همان شکل و روشهای ارزیابی که در سال مالی قبل از آن بکار رفته است رعایت شود، با وجود این در صورتی که تغییری در شکل و روشهای ارزیابی سال قبل از آن مورد نظر باشد باید اسناد مذکور به روش و هر دو روش ارزیابی تنظیم گردد تا مجمع عمومی با ملاحظه آنها و با توجه به گزارش هیئت مدیره و بازرسان نسبت به تغییرات پیشنهادی تصمیم بگیرد.

ماده ۲۳۴ - در ترازنامه باید استهلاک اموال و اندوخته های لازم در نظر گرفته شود و لو آنکه پس از وضع استهلاک و اندوخته ها سود قابل تقسیم باقی نماند یا کافی نباشد.

پائین آمدن ارزش دارائی ثابت خواه در نتیجه استعمال خواه بر اثر تغییرات فنی خواه بعزل دیگر باید در استهلاکات منظور گردد. برای جبران کاهش احتمالی ارزش سایر اقلام دارائی و زیانها و هزینه های احتمالی باید ذخیره لازم منظور گردد.

ماده ۲۳۵ - تعهداتی که شرکت آن را تضمین کرده است باید قبیل از مبلغ در ذیل ترازنامه آورده شود.

ماده ۲۳۶ - هزینه های تاسیس شرکت باید قبیل از تقسیم هرگونه سود مستهلک شود. هزینه های افزایش سرمایه باید حداکثر تا پنج سال از تاریخی که اینگونه هزینه ها بعمل آمد مستهلک شود. در صورتی که سهام جدیدی که در نتیجه افزایش سرمایه صادرمی شود به قیمتی بیش از مبلغ اسمی فروخته شده باشد هزینه های افزایش سرمایه رامی توان از محل این اضافه ارزش مستهلک نمود.

ماده ۲۳۷ - سود خالص شرکت در هر سال مالی عبارتست از درآمد حاصل در همان سال مالی منهای کلیه هزینه ها و استهلاکات و ذخیره ها.

ماده ۲۳۸ - از سود خالص شرکت پس از وضع زیانهای وارده در سالهای قبل باید معادل یک بیستم آن بر طبق ماده ۱۴۰ بعنوان اندوخته قانونی موضوع شود. هر تصمیم برخلاف این ماده باطل است.

ماده ۲۳۹ - سود قابل تقسیم عبارتست از سود خالص سال مالی شرکت منهای زیانهای سالهای مالی قبل و اندوخته قانونی مذکوره در ماده ۲۳۸ و سایر اندوخته های اختیاری و علاوه سود قابل تقسیم سالهای قبل که تقسیم نشده است.

ماده ۲۴۰ - مجمع عمومی پس از تصویب حسابهای سال مالی و احراز اینکه سود قابل تقسیم وجود دارد مبلغی از آن را که باید بین صاحبان تقسیم شود تعیین خواهد نمود. علاوه بر این مجمع عمومی می تواند تصمیم بگیرد که مبالغی از اندوخته هائی که شرکت در اختیار دارد بین صاحبان سهام تقسیم شود در این صورت در تصمیم مجمع عمومی باید صریحا قید شود که مبالغ مورد نظر از کدام یک از اندوخته ها باید برداشت و تقسیم گردد.

هر سودی که بدون رعایت مقررات این قانون تقسیم شود منافع موهوم تلقی خواهد شد. نحوه پرداخت سود قابل تقسیم توسط مجمع عمومی تعیین می شود و اگر مجمع عمومی در خصوص نحوه پرداخت تصمیمی نگرفته باشد هیئت مدیره نحوه پرداخت را تعیین خواهد نمود ولی در حال پرداخت سود به صاحبان سهام باید ظرف هشت ماه پس از تصمیم مجمع عمومی راجع به تقسیم سود انجام پذیرد. /

ماده ۲۴۱ - با رعایت شرایط مقرر در ماده ۱۳۴ نسبت معینی از سود خاص سال مالی شرکت که ممکن است جهت پاداش هیئت مدیره در نظر گرفته شود به هیچ وجه نباید در شرکت های سهامی عام از پنج درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می شود و در شرکت های سهامی خاص از ده درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می شود تجاوز کند. /

مقررات اساسنامه و هر گونه تصمیمی که مخالف با مفاد این ماده باشد باطل و بلا اثر است. /

ماده ۲۴۲ - در شرکت های سهامی عام هیئت مدیره مکلف است که به حساب های سود و زیان و ترازنامه شرکت گزارش حسابداران رسمی را ضمیمه کند. حسابداران رسمی باید علاوه بر اظهار نظر درباره حساب های شرکت گواهی نمایند کلیه دفاتر و اسناد و صورت حساب های شرکت و توضیحات مورد لزوم در اختیار آنها قرار داشته و حساب های سود و زیان و ترازنامه تنظیم شده از طرف هیئت مدیره وضع مالی شرکت را به وضوح و روشن نشان می دهد. /

تبصره - منظور از حسابداران رسمی مذکور در این ماده حسابداران موضوع فصل هفتم قانون مالیات های مستقیم مصوب اسفند سال ۱۳۴۵ می باشد و در صورتی که بموجب قانون شرایط و نحوه انتخاب حسابداران رسمی تغییر کند و یا عنوان دیگری برای آنان در نظر گرفته شود شامل حسابداران مذکور در این ماده نیز خواهد بود. /

بخش ۱۱ /

مقررات جزائی /

ماده ۲۴۳ - اشخاص زیر به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال یا به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد. /

۱ - هر کس که عالماً و برخلاف واقع پذیره نویسی سهام را تصدیق کند و یا برخلاف مقررات این قانون اعلامیه پذیره نویسی منتشر نماید و مدارک خلاف واقع حاکی از تشکیل شرکت به مرجع ثبت شرکت ها تسلیم کند و یا در تعیین ارزش آورده غیر نقدی تقلب اعمال کند. /

۲ - هر کس در وره سهم بانام یا گواهی نامه موقت سهم مبلغ پرداخت شده را بیش از آنچه که واقعاً پرداخت شده است قید کند. /

۳ - هر کس از اعلام مطالبی که طبق مقررات این قانون باید به مرجع ثبت شرکت ها اعلام کند بیخاسته یا کلاً خودداری نماید و یا مطالب خلاف واقع به مرجع مزبور اعلام دارد. /

۴ - هر کس سهام یا قطعات سهام را قبل از به رسیدن شرکت و یا در صورتی که ثبت شرکت مزورانه انجام گرفته باشد صادر کند. /

۵ - هر کس سهام یا قطعات سهام را بدون پذیره نویسی کلیه سرمایه و تادیه حداقل سی و پنج درصد آن و نیز تحویل کلیه سرمایه غیر نقدی صادر کند. /

۶ - هر کس قبل از پرداخت کلیه اسمی سهم سهام بی نام یا گواهی نامه موقت بی نام صادر کند. /

ماده ۲۴۴ - اشخاص زیر به حبس تادیبی از سه ماه تا یکسال یا به جزای نقدی از پنجاه هزار ریال تا پانصد هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد - /

۱ - هر کس عالماً سهام یا گواهی نامه موقت سهام بدون ذکر مبلغ اسمی صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد. /

۲ - هر کس سهام بی نام را قبل از آنکه تمام مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد بفروشد یا به معرض فروش گذارد. /

۳ - هر کس سهام بانام را قبل از آنکه اقلی و پنج درصد مبلغ اسمی آن پرداخت شده باشد صادر کند یا بفروشد یا به معرض فروش گذارد. /

ماده ۲۴۵ - هر کس عالماً هر یک از عملیات مذکور در ماده ۲۴۴ شرکت کند یا انجام آن عملیات را تسهیل نماید بر حسب مورد به مجازات شریک یا معاون محکوم خواهد شد. /

ماده ۲۴۶ - رئیس و اعضای هیئت مدیره هر شرکت سهامی در صورت ارتکاب هر یک از جرائم زیر به حبس تادیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از سی هزار تا سیصد هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد. /

۱ - در صورتی که طرف مهلت مقرر در این قانون قسمت پرداخت نشده مبلغ اسمی سهام شرکت را مطالبه نکنند و یا دو ماه قبل از پایان مهلت مذکور مجمع فوق العاده را جهت تقلیل سرمایه شرکت تأمینان مبلغ پرداخت شده دعوت نمایند. /

۲ - در صورتی که قبل از پرداخت کلیه سرمایه شرکت بصورت اوراق قرضه مبادرت کرده یا صدور آن را اجازه دهند. /

ماده ۲۴۷ - در مورد بندیک ماده ۲۴۶ در صورتی که هر یک از اعضای هیئت مدیره قبل از انقضای مهلت مقرر در جلسه هیئت مزبور سرچا اعلام کند که باید تکلیف قانونی برای سلب مسئولیت جزائی عمل شود به این اعلام از طرف سایر اعضای هیئت مدیره توجه نشود و جرم تحقق پیدا کند عضو هیئت مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مجرم شناخته نخواهد شد سلب مسئولیت جزائی از عضو هیئت مدیره منوط به این است که عضو هیئت مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیئت مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هر یک از اعضای هیئت مدیره اعلام نماید. در صورتی که جلسات هیئت مدیره بهر علت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسئولیت جزائی از عضو هیئت مدیره کافی است. /

ماده ۲۴۸ - هر کس اعلامیه پذیره نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه سهامی را بدون امضای مجاز و نام و نشانی موسسین یا مدیران شرکت منتشر کند به جزای نقدی از ده هزار تا سی هزار ریال محکوم خواهد شد. /

ماده ۲۴۹ - هر کس با سوئیت برای تشویق مردم به تعهد خرید اوراق بهادار شرکت سهامی به صدور اعلامیه پذیره نویسی سهام یا اطلاعیه انتشار اوراق قرضه که متضمن اطلاعات نادرست یا ناقص باشد مبادرت نماید و یا از روی سوئیت جهت تهیه اعلامیه یا اطلاعیه مزبور اطلاعات نادرست یا ناقص داده باشد به مجازات شروع به کلاهبرداری محکوم خواهد شد و هر گاه اثری بر این اقدامات مترتب شده باشد مرتکب در حکم کلاهبرداری بوده و به مجازات مقرر محکوم خواهد شد. /

ماده ۲۵۰ - رئیس و اعضای هیئت مدیره هر شرکت سهامی عام که قبل از تادیه کلیه سرمایه ثبت شده شرکت و قبل از انقضای دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت و تصویب دوترازنامه آن توسط مجمع عمومی مبادرت به صدور اوراق قرضه

نمایندبه جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد. /

ماده ۲۵۱ - رئیس و اعضای هیئت مدیره هر شرکت سهامی عام که بدون رعایت مقررات ماده ۵۶ این قانون مبادرت به صدور اوراق قرضه بنمایند به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال و جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد. /

ماده ۲۵۲ - رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی عمومی که نکات مندرج در ماده ۵۶ این قانون را در اوراق قرضه قید ننمایند به جزای نقدی بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد. /

ماده ۲۵۳ - اشخاص زیر به حبس تادیبی از سه ماه تا یکسال یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد. /

۱ - هر کس عامد امانع حضور دارنده سهم شرکت در جلسات مجامع عمومی صاحبان سهم بشود. /

۲ - هر کس با خدعه و نیرنگ خود را دارنده سهم یا قطعات سهم معرفی کند و به این طریق در اخذ رای در مجمع عمومی عمومی صاحبان سهم شرکت نماید اعم از آنکه اینکار اشخصای توسط دیگری انجام دهد. /

ماده ۲۵۴ - رئیس و اعضای هیئت مدیره هر شرکت سهامی که حداکثر تا ۶ ماه پس از پایان هر سال مالی مجمع عمومی عادی صاحبان سهم را دعوت نکند یا مدارک مقرر در ماده ۲۳۲ را بموقع تنظیم و تسلیم ننمایند به حبس از دو تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد. /

ماده ۲۵۵ - رئیس و اعضای هیئت مدیره هر شرکت سهامی که صورت حاضرین در مجمع را مطابق ماده ۹۹ تنظیم نکنند به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد. /

ماده ۲۵۶ - هیئت رئیسه هر مجمع عمومی که صورت جلسه مذکور در ماده ۱۰۵ را تنظیم نکند به مجازات مذکور در ماده قبل محکوم خواهد شد. /

ماده ۲۵۷ - رئیس و اعضای هیئت رئیسه هر مجمع عمومی که مقررات راجع به حق رای صاحبان سهم را رعایت نکرده باشند به مجازات مذکور در ماده ۲۵۵ محکوم خواهند شد. /

ماده ۲۵۸ - اشخاص زیر به حبس تادیبی از یکسال تا سه سال محکوم خواهند شد: /

۱ - رئیس و اعضا هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت که بدون صورت دارائی و ترازنامه یا به استناد صورت دارائی و ترازنامه مزور منافع موهومی را بین صاحبان سهم تقسیم کرده باشند. /

۲ - رئیس و اعضا هیات مدیره و مدیرعامل شرکت که ترازنامه غیر واقع به منظور پنهان داشتن وضعیت واقعی شرکت به صاحبان سهم ارائه یا منتشر کرده باشد. /

۳ - رئیس و اعضا هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت که اموال یا اعتبارات شرکت را برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا موسسه دیگری که خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع می باشند مورد استفاده قرار دهند. /

۴ - رئیس و اعضا هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت که با سونیت از اختیارات خود برخلاف منافع شرکت برای مقاصد شخصی یا بخاطر شرکت یا موسسه دیگری که خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع می باشند استفاده کنند. /

ماده ۲۵۹ - رئیس و اعضای هیئت مدیره هر شرکت که متعمدا مجمع عمومی صاحبان سهم را در هر موقع که انتخاب بازرسان شرکت باید انجام پذیرد به این منظور دعوت نمایند و یا بازرسان شرکت را به مجمع عمومی صاحبان سهم دعوت نکنند به حبس از دو تا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد. /

ماده ۲۶۰ - رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل که عامد امانع یا مخل انجام وظایف بازرسان شرکت بشوند یا استناد مدارکی را که برای انجام وظایف آنها لازم است در اختیار بازرسان قرار ندهند به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد. /

ماده ۲۶۱ - رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که قبل از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه یا در صورتی که ثبت افزایش سرمایه مزورانه یا بدون رعایت تشریفات لازم انجام گرفته باشد سهام یا قطعات سهام جدید صادر و منتشر کنند به جزای نقدی از سه هزار ریال تا یکصد هزار ریال محکوم خواهند شد. و در صورتی که قبل از پرداخت تمامی مبلغ اسمی سهام سابق مبادرت به صدور و انتشار سهام جدید یا قطعات سهام جدید بنمایند به حبس تادیبی از دو ماه تا شش ماه و به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد. /

ماده ۲۶۲ - رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر بشوند به جزای نقدی از بیست هزار تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد. /

۱ - در صورتی که در موقع افزایش سرمایه شرکت به استثنای مواردی که در این قانون پیش بینی شده است حق تقدم صاحبان سهام را نسبت به پذیره نویسی و خرید سهام جدید و رعایت نکنند و یا مهلتی را که جهت پذیره نویسی سهام جدید باید در نظر گرفته شود به صاحبان سهام ندهند. /

۲ - در صورتی که شرکت قبلا اوراق قرضه قابل تعویض با سهم منتشر کرده باشد حقوق دارندگان اینگونه اوراق قرضه را نسبت به تعویض اوراق آنها با سهام شرکت در نظر گرفته یا قبل از انقضای مدتی که طی آن این قبیل اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت است اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل به سهام منتشر کنند یا قبل از تبدیل یا تعویض اوراق قرضه یا بازپرداخت مبلغ آنها سرمایه شرکت را مستهلک سازند یا آن را از طریق باز خرید سهام کاهش دهند یا اقدام به تقسیم اندوخته کنند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهند. /

ماده ۲۶۳ - رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل هر شرکت سهامی که عالمبرای سلب حق تقدم از صاحبان سهام نسبت به پذیره نویسی سهام جدید به مجمع عمومی اطلاعات نادرست بدهند یا اطلاعات نادرست را تصدیق کنند به حبس از شش ماه تا سه سال یا به جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد. /

ماده ۲۶۴ - رئیس و اعضای هیئت مدیره هر شرکت سهامی که در مورد کاهش سرمایه عالمقررات زیر را رعایت نکنند به جزای نقدی از بیست هزار ریال تا دویست هزار ریال محکوم خواهند شد. /

۱ - در صورت عدم رعایت تساوی حقوق صاحبان سهام. /

۲ - در صورتی که پیشنهاد راجع به کاهش سرمایه حداقل چهل و پنج روز قبل از تشکیل مجمع عمومی فوق العاده به بازرسان شرکت تسلیم نشده باشد. /

۳ - در صورتی که تصمیم مجمع عمومی دائر بر تصویب کاهش سرمایه و مهلت و شرائط آن در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشاری که اعلانات مربوط به شرکت در آن نشر می گردد آگهی نشده باشد. /

ماده ۲۶۵ - رئیس و اعضای هیئت مدیره هر شرکت سهامی که در صورت از میان رفتن بیش از نصف سرمایه شرکت بر ارزشهای وارده حداکثر تا دو ماه مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت نمایند تا موضوع انحلال یا باقی ماندن شرکت مورد شور و رای واقع شود و حداکثر تا یک ماه نسبت به ثبت و آگهی تصمیم مجمع مذکور اقدام نمایند. بدیهه حبس از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از ده هزار ریال تا یکصد هزار ریال یا بهر دو مجازات محکوم خواهند شد.

ماده ۲۶۶ - هر کس با وجود منع قانونی عالماسمت بازرسی رادر شرکت سهامی بپذیرد به آن عمل کننده حبس تادیبی از دو ماه تا شش ماه یا جزای نقدی از بیست هزار تا یکصد هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۷ - هر کس در سمت بازرسی شرکت سهامی عالما راجع به اوضاع شرکت به مجمع عمومی در گزارشهای خود اطلاعات خلاف حقیقت بدهد و یا اینگونه اطلاعات را تصدیق کند به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

ماده ۲۶۸ - مدیر یا مدیران تصفیه هر شرکت سهامی که عالما مرتکب جرائم زیر بشوند به حبس تادیبی از دو ماه تا شش ماه یا به جزای نقدی از بیست هزار تا دو بیست هزار ریال یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد - /

۱ - در صورتی که ظرف یک ماه پس از انتخاب تصمیم راجع به انحلال شرکت و نام و نشانی خود را به مرجع ثبت شرکتها اعلام نکنند. /

۲ - در صورتی که تا شش ماه پس از شروع به امر تصفیه مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را دعوت نکرده وضعیت اموال و مطالبات و قروض شرکت و نحوه تصفیه امور شرکت و مدتی را که جهت پایان دادن به امر تصفیه لازم می دانند به اطلاع مجمع عمومی نرسانند. /

۳ - در صورتی که قبل از خاتمه امر تصفیه همه ساله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را با رعایت شرایط و تشریفات که در این قانون و اساسنامه شرکت پیش بینی شده است دعوت نکرده صورت دارائی منقول و غیر منقول و تراژ نامه و حساب سود و زیان عملیات خود را به ضمیمه گزارش حاکمی از اعمالی که تا آن موقع انجام داده اند به مجمع مذکور تسلیم نکنند. /

۴ - در صورتی که در خاتمه دوره تصدی خود بدون آنکه تمدید مدت ماموریت خود را خواستار شوند به عملیات خود ادامه دهند. /

۵ - در صورتی که ظرف یک ماه پس از ختم تصفیه مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام نمایند. /

۶ - در صورتی که پس از اعلام ختم به تصفیه وجوهی را که باقیمانده است در حساب مخصوصی در یکی از بانکهای ایرانی تودیع ننمایند در صورت اسامی بستانکاران و صاحبان سهامی را که حقوق خود را استیفانکرده اند به آن بانک تسلیم نکرده مراتب را طی آگهی ختم تصفیه به اطلاع اشخاص ذینفع نرسانند. /

ماده ۲۶۹ - مدیر تصفیه یا مدیران هر شرکت سهامی که مرتکب جرائم زیر شوند به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال محکوم خواهند شد - /

۱ - در صورتی که اموال یا اعتبارات شرکت در حال تصفیه را برخلاف منافع شرکت یا برای مقاصد شخصی یا برای شرکت یا موسسه دیگری که خود بطور مستقیم یا غیر مستقیم در آن ذینفع می باشند مورد استفاده قرار دهند. /

۲ - در صورتی که برخلاف ماده ۱۳۲ به انتقال دارائی شرکت مبادرت کنند یا بدون رعایت حقوق بستانکاران و موضوع کردن قروضی که هنوز موعد تادیه آن نرسیده دارائی شرکت را بین صاحبان سهام تقسیم نمایند. /

بخش ۱۲ /

مقررات مختلف مربوط به شرکتها سهامی /

ماده ۲۷۰ - هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می گردد رعایت نشود بر حسب مورد بنا برخواست هر ذینفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلان خواهد شد لیکن موسسین و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمی توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند. /

ماده ۲۷۱ - در صورتی که قبل از صدور حکم بطلان شرکت یا بطلان عملیات یا تصمیمات آن در مرحله بدوی موجبات بطلان مرتفع شده باشد دادگاه قرار سقوط دعوی بطلان را صادر خواهد کرد. /

ماده ۲۷۲ - دادگاهی که دعوی بطلان نزد آن اقامه شده است می تواند بنا به درخواست مهلتی که از شش ماه بیشتر نباشد برای رفع موجبات بطلان تعیین نماید. ابتدای مهلت مذکور تاریخ وصول پرونده از دفتر به دادگاه است. در صورتی که ظرف مهلت مقرر موجبات بطلان برطرف نشده باشد دادگاه حکم مقتضی صادر خواهد کرد. /

ماده ۲۷۴ - دادگاهی که حکم بطلان شرکت را صادر می نماید باید ضمن حکم خود یک یا چند نفر را بعنوان مدیر تصفیه تعیین کند تا بر طبق مقررات این قانون انجام وظیفه نمایند. /

ماده ۲۷۵ - در هر مورد که بر اثر انحلال یا بطلان شرکت مدیر تصفیه باید از طرف دادگاه تعیین شود مدیر یا مدیران تصفیه ای که توسط دادگاه تعیین حاضر به قبول سمت مدیریت تصفیه نباشند دادگاه امر تصفیه را به اداره تصفیه امور ورشکستگی حوزه خود راجع می نماید. /

تبصره - تعیین حق الزحمه مدیر یا مدیران تصفیه ای که توسط دادگاه تعیین می شود بعهده دادگاه است. /

ماده ۲۷۶ - شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت باشد می توانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل بنام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه رئیس یا تمام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل اقامه دعوی نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه کنند. /

در صورت محکومیت رئیس یا هر یک از اعضای هیئت مدیره یا مدیرعامل به جبران خسارات شرکت و پرداخت هزینه دادرسی حکم بنفع شرکت اجرا و هزینه ای که از طرف اقامه کننده دعوی پرداخت شده از مبلغ محکوم به وی مسترد خواهد شد. /

ماده ۲۷۷ - مقررات اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی نباید بنحوی از انحاق صاحبان سهام رادر مورد اقامه دعوی مسئولیت علیه مدیران شرکت محدود نماید. /

ماده ۲۷۸ - شرکت سهامی خاص در صورتی می تواند به سهامی عام تبدیل شود که اولاً موضوع به تصویب مجمع عمومی فوق العاده شرکت سهامی خاص رسیده باشد ثانیاً سرمایه آن حداقل به میزان باشد که برای شرکتها سهامی عام مقرر شده است و یا شرکت سرمایه خود را به میزان مذکور افزایش دهد. ثالثاً دو سال تمام از تاریخ تاسیس و ثبت شرکت گذشته و دو تر از نامه آن به تصویب مجمع عمومی صاحبان سهام رسیده باشد. رابعاً اساسنامه آن با رعایت مقررات این قانون در مورد شرکتها سهامی عام تنظیم یا اصلاح شده باشد. /

ماده ۲۷۹ - شرکت سهامی خاص باید ظرف یکماه از تاریخی که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام تبدیل شرکت را تصویب کرده است صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده رابه ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکتها تسلیم کند./

۱ - اساسنامه که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده و به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده است./

۲ - دوترازنامه و حساب سود و زیان مذکور در ماده ۲۷۸ که به تائید حسابدار رسمی رسیده باشد./

۳ - صورت دارائی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکتها که متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول شرکت بوده و به تائید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد./

۴ - اعلامیه تبدیل شرکت که باید به امضای امضا دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد -

الف - نام و شماره ثبت شرکت./

ب - موضوع شرکت و نوع فعالیت های آن./

ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن/

د - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضای مدت آن./

ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن./

و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن./

ز - هویت کامل رئیس و اعضا هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت./

ح - شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجمع عمومی./

ط - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته./

ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است./

ک - ذکر نام روزنامه کثیرالتنشاری که اطلاعیه ها و آگهی های شرکت در آن درج می گردد./

ماده ۲۸۰ - مرجع ثبت شرکتها پس از وصول مدارک مذکور در ماده ۲۷۹ و تطبیق مندرجات آنها با این قانون تبدیل شرکت را ثبت و مراتب رابه هزینه شرکت آگهی خواهد نمود./

ماده ۲۸۱ - در آگهی تبدیل شرکت باید کلیه مندرجات اعلامیه تبدیل شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و دوترازنامه و حساب سود و زیان آن مربوط به دو سال قبل از اتخاذ تصمیم نسبت به تبدیل شرکت و همچنین صورت دارائی شرکت و اموال منقول و غیر منقول آن در مرجع ثبت شرکتها و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده می باشد. آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالتنشاری که آگهی های شرکت در آن درج می گردد اقل در یک روزنامه کثیرالتنشاری دیگر نیز آگهی شود./

ماده ۲۸۲ - شرکت سهامی خاص که بخواهد با افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شود باید سهام جدید خود را که در نتیجه افزایش سرمایه بوجود می آید با رعایت مواد ۱۷۳ لغایت ۱۸۲ و ماده ۱۸۴ این قانون برای پذیرش نویسی عمومی عرضه نماید. مرجع ثبت شرکتها در این مورد پس از وصول تقاضا و مدارک مربوط به تبدیل شرکت سهامی خاص به شرکت سهامی عام و تطبیق آنها با مقررات قانون در صورتی که شرکت بتواند با افزایش سرمایه از طریق پذیرش - نویسی عمومی به شرکت سهامی عام تبدیل شود اجازه انتشار اعلامیه نویسی سهام را صادر خواهد نمود. در اعلامیه پذیرش نویسی باید شماره و تاریخ اجازه نامه مزبور قید گردد./

ماده ۲۸۳ - در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب مذکور در ماده قبل عرضه شده است تماماتادیه نشود شرکت نمی تواند به شرکت سهامی تبدیل گردد./

ماده ۲۸۴ - شرکت های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون باید ظرف سه سال از تاریخ اجرای این قانون بصورت شرکت سهامی خاص یا شرکت سهامی عام در آیند و وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهند. این نوع شرکت های تجاری مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ تبدیل شوند و الامتحد محسوب خواهند شد و از لحاظ مقررات انحلال مشمول قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ خواهند بود./

تا هنگامیکه شرکت های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون ظرف سه سال وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق نداده اند تابع مقررات مربوط به شرکت های سهامی مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ و مقررات اساسنامه خود خواهند بود./

تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون وقتی محقق می شود که مرجع ثبت شرکتها پس از احراز صحت تطبیق مراتب راثبت و به هزینه شرکت آگهی کرده باشد. به استثنای هزینه آگهی اجرای این ماده در صورت عدم افزایش سرمایه شرکت مستلزم پرداخت هیچگونه هزینه دیگری نیست و در صورت افزایش سرمایه هزینه های مربوط فقط شامل میزان افزایش سرمایه می شود./

ماده ۲۵۸ - تغییر اساسنامه هر یک از شرکت های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون به منظور تطبیق وضع آنها با مقررات این قانون استثنائا ممکن است بموجب تصمیم مجمع عمومی عادی صاحبان سهام صورت گیرد مگر در مورد افزایش سرمایه که باید به تصویب مجمع عمومی فوق العاده برسد. ترتیب دعوت تشکیل و حد تصاب و اکثریت لازم برای مجامع عادی و فوق العاده به منظور تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون تابع مقررات تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ در مورد شرکت های سهامی و همچنین اساسنامه معتبر شرکت های موجود در تاریخ تصویب این قانون می باشد./

ماده ۲۸۶ - برای آنکه شرکت های سهامی مورد تاریخ تصویب این قانون بتوانند بصورت شرکت سهامی خاص در آیند باید اولاً سرمایه آنها اقل به میزانی باشد که برای شرکت های سهامی خاص مقرر شده است یا سرمایه خود را با رعایت مقررات این قانون در مورد افزایش سرمایه شرکت سهامی خاص به آن میزان افزایش دهند. ثانیاً تا آنجا که اساسنامه خود را به منظور تطبیق با مقررات این قانون اصلاح کرده مراتب رابه مرجع ثبت شرکتها اعلام نمایند. مرجع ثبت شرکتها پس از احراز صحت تطبیق وضع شرکت با مقررات این قانون مراتب را ثبت و به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود./

ماده ۲۸۷ - برای آنکه شرکت های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بتوانند بصورت شرکت سهامی عام در آیند باید اولاً سرمایه آنها به میزانی باشد که برای شرکت های سهامی عام مقرر شده است یا سرمایه خود را با رعایت مقررات این قانون در مورد افزایش سرمایه شرکت سهامی عام به آن میزان افزایش دهند. ثانیاً در تاریخ تبدیل شرکت به شرکت سهامی عام یکسال از ثبت شرکت گذشته و یک ترازنامه آن به تصویب مجمع عمومی عادی رسیده باشد. ثالثاً اساسنامه خود را با مقررات این قانون وفق دهند./

ماده ۲۸۸ - در صورتی که شرکت های سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون بخواهند برای تطبیق وضع خود با مقررات این

قانون به افزایش سرمایه مبادرت کنند در صورتی که تمامی مبلغ اسمی سهام قبلی آنها تادیه نشده باشد نسبت مبلغ پرداخت شده قبلی نسبت به هر سهم در مورد سهام جدید نیز لازم رعایه است و در هر حال این نسبت نمی تواند از سی و پنج درصد مبلغ اسمی سهام کمتر باشد. در موارد مذکور در این ماده رعایت ماده ۱۶۵ این قانون در مورد تادیه تمامی سرمایه قبلی شرکت الزامی نیست.

ماده ۲۸۹ - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که بخواهند از طریق افزایش سرمایه به شرکت سهامی عام تبدیل شوند باید سهام جدید خود را در نتیجه افزایش سرمایه بوجهی آید با رعایت مقررات این قانون برای پذیره نویسی عمومی عرضه نمایند.

در صورتی که سهام جدیدی که به ترتیب فوق عرضه شده است تمام تعهد نشود و مبلغی که باید بر طبق مقررات این قانون تادیه گردند تادیه نشود شرکت نمی تواند به شرکت سهامی عام تبدیل گردد.

ماده ۲۹۰ - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که بخواهند به شرکت سهامی عام تبدیل شوند و به این منظور به افزایش سرمایه مبادرت کنند باید مدارک زیر را به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم نمایند.

۱ - اساسنامه ای که برای شرکت سهامی عام به تصویب مجمع عمومی عادی یا فوق العاده رسیده است.

۲ - صورت جلسه مجمع عمومی فوق العاده که افزایش سرمایه را مورد تصویب قرار داده است.

۳ - صورت دارائی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکتهای صورت مزبور باید متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول شرکت بوده به تأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.

۴ - طرح اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید که باید به ترتیب مقرر در ماده ۱۷۴ این قانون تنظیم شده باشد.

۵ - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید به تصویب مجمع عمومی و تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد.

ماده ۲۹۱ - مرجع ثبت شرکتهایس از وصول مدارک مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود.

ماده ۲۹۲ - کلیه مقررات مذکور در مواد ۱۷۷ لغایت ۱۸۱ این قانون برای تحقق افزایش سرمایه و تبدیل شرکت سهامی به شرکت سهام عام لازم رعایه است ، در آگهی مربوط ضمن ذکر افزایش سرمایه موضوع تبدیل نیز قید خواهد شد.

ماده ۲۹۳ - در صورت عدم تحقق افزایش سرمایه بر طبق ماده ۱۸۲ این قانون عمل خواهد شد. در هر صورت شرکت باید در مهلت مذکور در ماده ۲۸۴ وضع خود را با مقررات این قانون تطبیق دهد.

ماده ۲۹۴ - شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون که سرمایه آنها حداقل به میزان سرمایه شرکتهای سهامی عام مذکور در این قانون باشد و بخواهند به شرکت سهامی عام تبدیل شوند باید مدارک زیر را به مرجع ثبت شرکتهای تسلیم کنند.

۱ - اساسنامه ای که برای شرکت سهامی عام به تصویب مجمع عمومی عادی یا فوق العاده رسیده است.

۲ - صورت دارائی شرکت در موقع تسلیم مدارک به مرجع ثبت شرکتهای باید متضمن تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول شرکت بوده و به تأیید کارشناس رسمی وزارت دادگستری رسیده باشد.

۴ - اعلامیه تبدیل شرکت سهامی به شرکت سهامی عام که باید به امضا دارندگان امضا مجاز شرکت رسیده و مشتمل بر نکات زیر باشد -

۵ - آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت که باید به تصویب مجمع عمومی و تأیید حسابدار رسمی رسیده باشد.

ماده ۲۹۱ - مرجع ثبت شرکتهایس از وصول مدارک مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با قانون اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی سهام جدید را صادر خواهد نمود.

الف - نام و شماره ثبت شرکت.

ب - موضوع شرکت و نوع فعالیتهای آن.

ج - مرکز اصلی شرکت و در صورتی که شرکت شعبی داشته باشد نشانی شعب آن.

د - در صورتی که شرکت برای مدت محدود تشکیل شده باشد تاریخ انقضای مدت آن.

ه - سرمایه شرکت و مبلغ پرداخت شده آن.

و - اگر سهام ممتاز منتشر شده باشد تعداد و امتیازات آن.

ز - هویت کامل رئیس و اعضا هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت.

ح - شرایط حضور و حق رای صاحبان سهام در مجمع عمومی.

ط - مقررات اساسنامه راجع به تقسیم سود و تشکیل اندوخته.

ی - مبلغ دیون شرکت و همچنین مبلغ دیون اشخاص ثالث که توسط شرکت تضمین شده است.

ک - ذکر نام روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه ها و آگهی های شرکت در آن درج می گردد.

ماده ۲۹۵ - مرجع ثبت شرکتهایس از وصول مدارک مذکور در ماده قبل و تطبیق مندرجات آنها با مقررات این قانون تبدیل شرکت سهامی را به شرکت سهامی عام ثبت و مراتب را به هزینه شرکت آگهی خواهد نمود.

ماده ۲۹۶ - در آگهی تبدیل شرکتهای سهامی موجود در تاریخ تصویب این قانون ب شرکت سهامی عام باید کلیه مندرجات اعلامیه شرکت ذکر گردد و قید شود که اساسنامه شرکت و صورت دارائی شرکت و اموال منقول و غیر منقول و آخرین ترازنامه و حساب سود و زیان آن در مرجع ثبت شرکتهای و در مرکز شرکت برای مراجعه علاقمندان آماده می باشد. آگهی تبدیل شرکت باید علاوه بر روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی های شرکت در آن درج می گردد اقلادریک روزنامه کثیرالانتشار دیگر نیز آگهی شود.

ماده ۲۹۷ - در مواردی که برای تطبیق وضع یک شرکت سهامی با مقررات این قانون یا تبدیل آن به نوع دیگری از انواع شرکتهای تجاری مذکور در قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ دعوت مجمع عمومی عادی یا فوق العاده صاحبان سهام شرکت یا تسلیم اسناد و مدارک خاصی به مرجع ثبت شرکتهای لازم باشد و رئیس و اعضا هیئت مدیره توجه نشود عضو هیئت

مدیره که تکلیف قانونی را اعلام کرده است مسئولیت جزائی ومدنی نخواهد داشت. سلب مسئولیت جزائی ومدنی از عضو هیئت مدیره منوط به اینست که عضو هیئت مدیره علاوه بر اعلام تکلیف قانونی در جلسه هیئت مدیره مزبور مراتب را از طریق ارسال اظهارنامه رسمی به هریک از اعضا هیئت مدیره اعلام نماید. در صورتی که جلسات هیئت مدیره بهره‌رعت تشکیل نگردد اعلام از طریق ارسال اظهارنامه رسمی برای سلب مسئولیت جزائی ومدنی از عضو هیئت مدیره کافی است. /

ماده ۲۹۹ - آن قسمت از مقررات قانون تجارت مصوب اردیبهشت ۱۳۱۱ مربوط به شرکتهای سهامی که ناظر بر سایر انواع شرکتهای تجارتی می باشد نسبت به آن شرکتهای قوت خود باقی است. /

ماده ۳۰۰ - شرکتهای دولتی تابع قوانین تاسیس و اساسنامه خود می باشند فقط نسبت به موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه های آنها ذکر نشده تابع مقررات این قانون می شوند. /

لایحه قانونی فوق مشتمل بر سیصد ماده و ۲۸ تبصره در تاریخ روز شنبه بیست و چهارم اسفندماه یکهزار و سیصد و چهل و هفت به استناد قانون اجازه اجرای موقت لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۳/۹/۱۹ به تصویب کمیسیون خاص مشترک مجلسین رسیده است. /

/

رئیس مجلس شورای ملی رئیس مجلس سنا /

عبدالله ریاضی جعفر شریف امامی /

/

/

/

مبحث دوم - شرکت بامسئولیت محدود /

ماده ۹۴ - شرکت بامسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجارتی تشکیل شده و هریک از شرکاب بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تامیزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است. /

ماده ۹۵ - در اسم شرکت باید عبارت (بامسئولیت محدود) قید شود و الا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث شرکت تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود. /

اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچیک از شرکاب باشد و الا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت. /

ماده ۹۶ - شرکت بامسئولیت محدود وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقدیم و تسلیم شده باشد. /

ماده ۹۷ - در شرکت نامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم الشرکه های غیر نقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است. /

ماده ۹۸ - شرکان نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم الشرکه های غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند. /

ماده ۹۹ - هر روز زمان دعاوی ناشی از مقررات فوق ده سال از تاریخ تشکیل شرکت است. /

ماده ۱۰۰ - هر شرکت بامسئولیت محدود که برخلاف مواد ۹۶ و ۹۷ تشکیل شده باشد باطل و از درجه اعتبار ساقط است لیکن شرکاد مقابل اشخاص ثالث حق استناد به این بطلان ندارند. /

ماده ۱۰۱ - اگر حکم بطلان شرکت به استناد ماده قبل صادر شود شرکانی که بطلان مستند بعمل آنهاست و هیئت نظار و مدیرهانی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن به سرکار بوده و انجام وظیفه نکرده اند در مقابل شرکا دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشیه از این بطلان متضامن مسئول خواهند بود مدت مرور زمان ده سال از تاریخ حدوث موجب خواهند بود. /

ماده ۱۰۲ - سهم الشرکه که شرکان می توانند به شکل اوراق تجارتی قابل انتقال اعم از با اسم و بی اسم و غیره در آید سهم الشرکه رانمی توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده از شرکا که الاقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند. /

ماده ۱۰۳ - انتقال سهم الشرکه بعمل نخواهد آمد مگر بموجب سند رسمی. /

ماده ۱۰۴ - شرکت بامسئولیت محدود بوسیله یک یا چند نفر مدیر موظف یا غیر موظف که از بین شرکایا از خارج برای مدت محدود یا نامحدودی معین می شوند اداره می گردد. /

ماده ۱۰۵ - مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد هر قراردادی راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است. /

ماده ۱۰۶ - تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت الاقل نصف سرمایه اتخاذ شود ، اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکا مجدداً دعوت شوند در این صورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکا اتخاذ می شود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد ، اساسنامه شرکت می تواند ترتیبی برخلاف مراتب فوق مقرر دارد. /

ماده ۱۰۷ - هریک از شرکابه نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رای خواهد بود مگر اینکه اساسنامه ترتیب دیگری مقرر داشته باشد. /

ماده ۱۰۸ - روابط بین شرکات تابع اساسنامه است اگر در اساسنامه راجع به تقسیم نفع و ضرر مقررات خاصی نباشد تقسیم مزبور به نسبت سرمایه شرکا بعمل خواهد آمد. /

ماده ۱۰۹ - هر شرکت بامسئولیت محدود که عده شرکا آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیئت نظار بوده و هیئت مزبور الاقل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکا را تشکیل دهد. هیئت نظار باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده و اطمینان حاصل کند که دستور مواد ۹۶ و ۹۷ رعایت شده است. /

هیئت نظار می تواند شرکارا برای انعقاد مجمع عمومی فوق العاده دعوت نماید. /

مقررات مواد ۱۶۵ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۷۰ در مورد شرکت های بامسئولیت محدود نیز رعایت خواهد شد.

ماده ۱۱۰ - شرکانمی توانند تبعیت شرکت را تغییر دهند مگر به اتفاق آرا.

ماده ۱۱۱ - هر تغییر دیگری راجع به اساسنامه باید با اکثریت عددی شرکا که لااقل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند بعمل آید مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۱۱۲ - در هیچ مورد اکثریت شرکانمی تواند شریکی را مجبور به ازدیاد سهم شرکت کند.

ماده ۱۱۳ - مفاد ماده ۱۷۸ این قانون راجع به تشکیل سرمایه احتیاطی در شرکت های بامسئولیت محدود نیز لازم الرعایه است.

ماده ۱۱۴ - شرکت بامسئولیت محدود در موارد ذیل منحل می شود -

الف - در مورد فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۹۳ /

ب - در صورت تصمیم عده از شرکا که سهم شرکت آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد.

ج - در صورتی که بواسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکا تقاضای انحلال کرده و محکمه دلائل او را موجه دیده و سایر شرکا حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند.

د - در مورد فوت یکی از شرکا اگر بموجب اساسنامه پیش بینی شده باشد ماده ۱۱۵ - اشخاص ذیل کلاهبردار محسوب می شوند -

الف - موسسین و مدیرانی که برخلاف واقع پرداخت تمام سهم شرکت نقدی و تقویم و تسلیم سهم شرکت غیر نقدی را در اوراق و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند.

ب - کسانی که به وسایل متقلبانه سهم شرکت غیر نقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند.

ج - مدیرانی که بانبودن صورت دارائی یاب استناد صورت دارائی مزور منافع موهومی را بین شرکا تقسیم کنند.

مبحث سوم - شرکت تضامنی /

ماده ۱۱۶ - شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوص برای امور تجاری بین دو یا چند نفر بامسئولیت تضامنی تشکیل می شود - اگر دارائی شرکت برای تادیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکا مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است.

قراری که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص کان لم یکن خواهد بود.

ماده ۱۱۷ - در اسم شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت تضامنی) و لااقل اسم یک نفر از شرکا ذکر شود. در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسمی تمام شرکا نباشد باید بعد از اسم شریک یا شرکانی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکا) یا (و برادران) قید شود.

ماده ۱۱۸ - شرکت تضامنی وقتی تشکیل می شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم شرکت غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده ۱۱۹ - در شرکت تضامنی منافع به نسبت سهم شرکت بین شرکا تقسیم می شود مگر آنکه شرکت نامه غیر از این ترتیب را مقرر داشته باشد.

ماده ۱۲۰ - در شرکت تضامنی شرکا باید لااقل یک نفر از میان خود یا از خارج بسمت مدیری معین نمایند.

ماده ۱۲۱ - حدود مسئولیت مدیر یا مدیران شرکت تضامنی همان است که در ماده ۵۱ مقرر شده.

ماده ۱۲۲ - در شرکتهای تضامنی اگر سهم شرکت غیر نقدی باشد باید سهم شرکت مزبور قبل از تراضی تمام شرکا تقویم شود.

ماده ۱۲۳ - در شرکت تضامنی هیچیک از شرکانمی تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکا.

ماده ۱۲۴ - مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت می توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکا که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند ، در هر حال هیچیک از شرکانمی توانند استناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می نماید تادیه قروض شرکت امتناع ورزد. فقط در روابط بین شرکا مسئولیت هر یک از آنها در تادیه قروض شرکت به نسبت سرمایه خواهد بود که در شرکت گذاشته است آنچه در صورتی که در شرکت - نامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد.

ماده ۱۲۵ - هر کس بعنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامنا با سایر شرکا مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده یا نشده باشد. هر قراری که بین شرکا برخلاف این ترتیب داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود.

ماده ۱۲۶ - هرگاه شرکت تضامنی منحل شود مادام که قروض شرکت از دارائی آن تادیه نشده هیچیک از طلبکاران شخصی شرکاحق در آن دارائی نخواهد داشت. اگر دارائی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند طلبکاران شرکت حق دار ندقیه طلب خود را از تمام یا فرد فرد شرکا ضامن مطالبه کنند ولی در این مورد طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصی شرکاحق تقدم نخواهند داشت.

ماده ۱۲۷ - به ورشکستگی شرکت تضامنی بعد از انحلال نیز می توان حکم داد مشروط به اینکه دارائی شرکت تقسیم نشده باشد.

ماده ۱۲۸ - ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکا و ورشکستگی بعضی از شرکا ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.

ماده ۱۲۹ - طلبکاران شخصی شرکاحق ندارند طلب خود را از دارائی شرکت تامین یا وصول کنند ولی می توانند نسبت به سهمیه مدیون خود از منافع شرکت سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد در اقدام قانونی که مقتضی باشد بعمل آورند.

طلبکاران شخصی شرکا در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارائی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون

از منافع شرکت کافی برای تادیه طلب آنها ناشی می‌تواند انحلال شرکت را تقاضا نمایند (اعم از اینکه شرکت برای مدت محدود یا غیرمحدود تشکیل شده باشد) مشروط بر اینکه لااقل ششماه قبل قصد خود را به وسیله اظهارنامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند در این صورت شرکت یا بعضی از شرکای آن می‌توانند مادام که حکم نهائی انحلال صادر نشده باتادیه طلب دائین مزبور تا حد دارائی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت آنان بطریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.

ماده ۱۳۰ - نه مدیون شرکت می‌تواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکا داشته باشد استناد به تهاثر کندنه خود شریک می‌تواند در مقابل قرضی طلبکار او به شرکت داشته باشد به تهاثر استناد نماید. معذک کسی که طلبکار شرکت و مدیون به یکی از شرکا بوده و پس از انحلال شرکت طلب او را وصول مانده در مقابل آن شریک حق استناد به تهاثر نخواهد داشت.

ماده ۱۳۱ - در صورت ورشکستگی یکی از شرکا و همچنین در صورتی که یکی از طلبکاران شخصی یکی از شرکا بموجب ماده ۱۲۹ انحلال شرکت را تقاضا کرد سایر شرکای آن می‌توانند سهمی آن شریک را از دارائی شرکت نقدتادیه کرده و او را از شرکت خارج کنند.

ماده ۱۳۲ - اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم شرکت سهامی شرکت شود مادام که این کمبود جبران نشده تادیه هر نوع منفعت به شرکت ممنوع است.

ماده ۱۳۳ - جز در مورد فوق هیچیک از شرکا را شرکت نمی‌تواند به تکمیل سرمایه که بعلت ضررهای وارده کم شده است ملزم کرده و یا او را مجبور نماید بیش از آنچه که در شرکت نامه مقرر شده است به شریک سرمایه دهد.

ماده ۱۳۴ - هیچ شریکی نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکا (حساب شخص خود یا حساب شخص ثالث) تجارتی از نوع تجارت شرکت نموده و بعنوان شریک ضامن یا شریک بامسئولیت محدود در شرکت دیگری که نظیر آن تجارت را دارد داخل شود.

ماده ۱۳۵ - هر شرکت تضامنی می‌تواند با تصویب تمام شرکا به شرکت سهامی مبدل گردد در این صورت رعایت تمام مقررات راجعه به شرکت سهامی حتمی است.

ماده ۱۳۶ - شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می‌شود -

الف - در مورد فقرات ۱ و ۲ و ۳ ماده ۹۳.

ب - در صورت تراضی تمام شرکا

ج در صورتی که یکی از شرکا به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلایل را موجه دانسته حکم به انحلال بدهد.

د - در صورت فسخ یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۷.

ه - در صورت ورشکستگی یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۸.

و - در صورت فوت یا مجوریت یکی از شرکا مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰.

تبصره - در مورد بندج هرگاه دلایل انحلال منحصر امر بوط به شریک یا شرکامعین باشد محکمه می‌تواند به تقاضای سایر شرکا بجای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد.

ماده ۱۳۷ - فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکا سلب نشده و ناشی از قصد اضرائی باشد تقاضای فسخ باید ششماه قبل از فسخ کتبا به شرکا اعلام شود.

اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه بعمل می‌آید.

ماده ۱۳۸ - در مورد ورشکستگی یکی از شرکا انحلال وقتی صورت می‌گیرد که مدیر تصفیه کتبا تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد.

ماده ۱۳۹ - در صورت فوت یکی از شرکا بقا شرکت موقوف به رضایت سایر شرکا و قائم مقام متوفی خواهد بود.

اگر سایر شرکا بقا شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را ارجع به بقا شرکت کتبا اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهم نخواهد بود.

سکوت تا انقضای یکماه در حکم اعلام رضایت است.

ماده ۱۴۰ - در مورد مجوریت یکی از شرکا مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد.

مبحث چهارم

در شرکت مختلط غیر سهامی

ماده ۱۴۱ - شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود. شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارائی شرکت پیدا شود شریک بامسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه ایست که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لااقل اسم یکی از شرکا ضامن قید شود.

ماده ۱۴۲ - روابط بین شرکا با رعایت مقررات ذیل تابع شرکت نام خواهد بود.

ماده ۱۴۳ - هر یک از شرکا بامسئولیت محدود که اسم شرکت باشد در مقابل طلبکاران شرکت شریک ضامن محسوب خواهد شد. هر قرار که برخلاف این ترتیب بین شرکا داده شده باشد در مقابل اشخاص ثالث بی اثر است.

ماده ۱۴۴ - اداره شرکت مختلط غیر سهامی بعهد شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکت تضامنی مقرر است.

ماده ۱۴۵ - شریک بامسئولیت محدود نه بعنوان شریک حق اداره کردن شرکت را دارنده اداره امور شرکت از وظایف او است.

ماده ۱۴۶ - اگر شریک بامسئولیت محدود معامله ای برای شرکت کند در مورد تعهدات ناشیه از آن معامله در مقابل طرف معامله حکم شریک ضامن را خواهد داشت مگر اینکه تصریح کرده باشد معامله را به سمت و کالت از طرف شرکت انجام می

ماده ۱۴۷ - هر شریک بامسئولیت محدود حق نظارت در امور شرکت داشته و می تواند از روی دفاتر و اسناد شرکت برای اطلاع شخص خود راجع به وضعیت مالی شرکت صورت خلاصه ترتیب دهد. هر قرارداد دادی که بین شرکابر خلاف این ترتیب داده شود از درجه اعتبار ساقط است./

ماده ۱۴۸ - هیچ شریک بامسئولیت محدود نمی تواند بدون رضایت سایر شرکاشخص ثالثی را با انتقال تمام یا قسمتی از سهم الشرکه خود به او داخل در شرکت کند./

ماده ۱۴۹ - اگر یک یا چند نفر از شرکابامسئولیت محدود حق خود را در شریک بدون اجازه سایرین کلیایبعضابه شخص ثالثی واگذار نمایند شخص مزبور نه حق دخالت در اداره شرکت و نه حق تفتیش در امور شرکت را خواهد داشت./

ماده ۱۵۰ - در مورد تعهداتی که شرکت مختلط غیرسهامی ممکن است قبل از ثبت شرکت کرده باشد شریک بامسئولیت محدود در مقابل اشخاص ثالث در حکم شریک ضامن خواهد بود مگر ثابت نماید که اشخاص مزبور از محدود بودن مسئولیت او اطلاع داشته اند./

ماده ۱۵۱ - شریک ضامن را وقتی می توان شخصابرای قروض شرکت تعقیب نمود که شرکت منحل شده باشد./

ماده ۱۵۲ - هرگاه شرکت بطریقی غیر از ورشکستگی منحل شود و شریک با مسئولیت محدود هنوز تمام یا قسمتی از سهم الشرکه خود را نپیرداخته و یا پس از تادیه مسترد داشته است طلبکاران شرکت حق دارند معادل آنچه که از بابت سهم الشرکه باقی مانده است مستقیماً بر علیه شریک بامسئولیت محدود اقدام دعوی نمایند./

اگر شرکت ورشکست شود حق مزبور را مدیر تصفیه خواهد داشت./

ماده ۱۵۳ - اگر در نتیجه قرارداد با شرکاضامن و یا در اثر برداشت قبلی از سرمایه شرکت بامسئولیت محدود از سهم الشرکه خود که به ثبت رسیده است بگادین تقلیل مادام که به ثبت نرسیده و بر طبق مقررات راجعه به نشر شرکتها منتشر نشده است در مقابل طلبکاران شرکت معتبر نبوده و طلبکاران مزبور می توانند برای تعهداتی که از طرف شرکت قبل از ثبت و انتشار تقلیل سرمایه بعمل آمده است تادیه همان سرمایه اولیه شریک بامسئولیت محدود را مطالبه نمایند./

ماده ۱۵۴ - به شریک بامسئولیت محدود فرع نمی توان داد مگر در صورتی موجب کسر سرمایه او در شرکت نشود اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم الشرکه شریک بامسئولیت محدود کسر شده مادام که این کمبود جبران نشده تادیه هر ریح یا منفعتی به او ممنوع است./

هرگاه وجهی برخلاف حکم فوق تادیه گردید شریک بامسئولیت محدود تا معادل وجه دریافتی مسئول تعهدات شرکت است مگر در موردی که با حسن نیت و به اعتبار بیلبان مرتبی وجهی گرفته باشد./

ماده ۱۵۵ - هر کس بعنوان شریک بامسئولیت محدود در شرکت مختلط غیرسهامی موجودی داخل شود تا معادل سهم الشرکه خود مسئول قروضی خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته خواه اسم شرکت عوض شده یا نشده باشد. هر شرطی که برخلاف این ترتیب باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود./

ماده ۱۵۶ - اگر شرکت مختلط غیرسهامی ورشکست شود دارائی شرکت بین طلبکاران خود شرکت تقسیم شده و طلبکاران شخصی شرکاداران حق ندارند ، سهم الشرکه شرکابامسئولیت محدود نیز جزو دارائی شرکت نیز محسوب است./

ماده ۱۵۷ - اگر دارائی شرکت برای تادیه تمام قروض آن کافی نباشد طلبکاران آن حق دارند بقیه طلب خود را از دارائی شخصی تمام یا هر یک از شرکا ضامن وصول کنند در این صورت بین طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکا ضامن تفاوتی نخواهد بود./

ماده ۱۵۸ - در صورت ورشکستگی یکی از شرکابامسئولیت محدود خود شرکت یا طلبکاران آن با طلبکاران شخصی شریک مزبور متساوی الحوق خواهند بود./

ماده ۱۵۹ - مقررات مواد ۱۲۹ و ۱۳۰ در شرکتهای مختلط غیرسهامی نیز لازم الرعایه است./

ماده ۱۶۰ - اگر شریک ضامن بیش از یک نفر باشد مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات راجع به شرکتهای تضامنی است./

ماده ۱۶۱ - مقررات مواد ۱۳۶ ، ۱۳۷ ، ۱۳۸ ، ۱۳۹ ، ۱۴۰ در مورد شرکتهای مختلط غیرسهامی نیز جاری است./

مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکابامسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمی شود./

مبحث پنجم/

شرکت مختلط سهامی/

ماده ۱۶۲ - شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوصی بین یک عدد شرکاسهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می شود./

شرکاسهامی کسانی هستند که سرمایه آنها بصورت سهام یا قطعات سهام متساوی القیمه در آمده و مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه است که در شرکت دارند./

شریک ضامن کسی است که سرمایه او بصورت سهام در نیامده و مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارائی شرکت پیدا شود در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود./

ماده ۱۶۳ - در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لا اقل اسم یکی از شرکاضامن قید شود./

ماده ۱۶۴ - مدیریت شرکت مختلط سهامی مخصوص به شریک یا شرکا ضامن است./

ماده ۱۶۵ - در هر یک از شرکتهای مختلط سهامی هیئت لاقل مرکب از سه نفر از شرکابر قرار می شود و این هیئت را مجمع عمومی شرکا بلافاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و قبل از هر اقدامی در امور شرکت معین می کند ، انتخاب هیئت بر حسب شرایط مقرر در اساسنامه شرکت تجدید می شود و در هر صورت اولین هیئت نظار برای یکسال انتخاب خواهد شد./

ماده ۱۶۶ - اولین هیئت نظار باید بعد از انتخاب شدن بلافاصله تحقیق و اطمینان حاصل کند که تمام مقررات مواد ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۸ ، ۴۱ ، ۵۰ این قانون رعایت شده است./

ماده ۱۶۷ - اعضا هیئت نظار از جهت اعمال اداری و نتایج حاصله از آن هیچ مسئولیتی ندارند لیکن هر یک از آنها در انجام ماموریت خود بر طبق قوانین معموله مملکتی مسئول اعمال و تصمیمات خود می باشند./

ماده ۱۶۸ - اعضا هیئت نظاردفاتر و صندوق و کلیه اسناد شرکت را تحت تدقیق در آورده همه ساله راپرتی به مجمع عمومی می دهند و هرگاه در تنظیم صورت دارائی بی ترتیبی و خطائی مشاهده نمایند در راپرت مذکور ذکر نموده و اگر مخالفتی با پیش نهاد مدیر شرکت در تقسیم منافع داشته باشند دلائل خود را بیان می کنند.

ماده ۱۶۹ - هیئت نظار می تواند شرکت را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت نماید و با موافقت رای مجمع مزبور بر طبق فقره (ب) ماده ۱۸۱ شرکت را منحل کند.

ماده ۱۷۰ - تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهمی می تواند (خود یا نماینده او) در مرکز اصلی شرکت حاضر شده از صورت بیان و صورت دارائی و راپورت هیئت نظار اطلاع حاصل کند.

ماده ۱۷۱ - ورشکستگی هیچیک از شرکاضمان موجب انحلال شرکت نخواهد شد مگر در مورد ماده ۱۳۸.

ماده ۱۷۲ - حکم مواد ۱۲۴ و ۱۳۴ در مورد شرکت مختلط سهامی و شرکاضمان آن جاری است.

ماده ۱۷۳ - هرگاه شرکت مختلط سهامی و ورشکست شود شرکاسهامی تمام قیمت سهام خود را نپرداخته باشند مدیر تصفیه آنچه را که بر عهده آنها باقی است وصول می کند.

ماده ۱۷۴ - اگر شرکت بطریقی غیر از ورشکستگی منحل شده هر یک از طلبکاران شرکت می تواند بهر یک از شرکاسهامی که از بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت است رجوع کرده در حدود بدهی آن شریک طلب خود را مطالبه نمایند مادام که شرکت منحل نشده طلبکاران برای وصول طلب خود حق رجوع به هیچیک از شرکاسهامی ندارند.

ماده ۱۷۵ - اگر شرکت مختلط و ورشکست شد تا قروض شرکت از دارائی آن تادیه نشده طلبکاران شخصی شرکاضمان حق به دارائی شرکت ندارند.

ماده ۱۷۶ - مفاد مواد ۲۸، ۲۹، ۳۸، ۳۹، ۴۱، ۵۰ شامل شرکت مختلط سهامی است.

ماده ۱۷۷ - هر شرکت مختلط سهامی که برخلاف مواد ۲۸، ۲۹، ۳۹، ۵۰ تشکیل شود باطل است لیکن شرکانمی توانند در مقابل اشخاص خارج به این بطلان استناد نمایند.

ماده ۱۷۸ - هرگاه شرکت بر حسب ماده قبل محکوم به بطلان شود مطابق ماده ۱۰۱ رفتار خواهد شد.

ماده ۱۷۹ - مفاد مواد ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷ این قانون در شرکت های مختلط نیز باید رعایت شود.

ماده ۱۸۰ - مفاد مواد ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲ و این قانون در مورد شرکت مختلط نیز لازم الرعایه است.

ماده ۱۸۱ - شرکت مختلط در موارد ذیل منحل می شود -

(الف) در مورد فقرات ۱، ۲، ۳ ماده ۹۳ (ب) بر حسب تصمیم مجمع عمومی در صورتی که در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد (ج) بر حسب تصمیم مجمع عمومی و رضایت شرکاضمان (د) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاضمان مشروط بر این که انحلال شرکت در این مورد در اساسنامه تصریح شده باشد.

در مورد فقرات (ب) و (ج) حکم ماده ۷۲ جاری است.

ماده ۱۸۲ - هرگاه در اساسنامه برای مجمع عمومی حق تصمیم به انحلال معین نشده و بین مجمع عمومی و شرکاضمان راجع به انحلال موافقت حاصل نشود و محکمه دلائل طرفداران انحلال را موجه ببیند حکم به انحلال خواهد داد. همین حکم در موردی نیز جاری است که یکی از شرکاضمان به دلائل انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نموده و محکمه آن دلائل را موجه به بیند.

مبحث ششم

شرکت نسبی

ماده ۱۸۳ - شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوص بین دو یا چند نفر تشکیل و مسئولیت هر یک از شرکابه نسبت سرمایه ای است که در شرکت گذاشته.

ماده ۱۸۴ - در اسم شرکت نسبی عبارت (شرکت نسبی) و لاقول اسم یک نفر از شرکاب باید ذکر شود در صورتی که اسم شرکت مشتمل بر اسمی تمام شرکاب باشد بعد از اسم شریک یا شرکانی که ذکر شده عبارتی از قبیل شرکا و برادران ضروری است.

ماده ۱۸۵ - دستور ماده ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳ در مورد شرکت نسبی برای تادیه تمام قروض شرکت کافی نباشد هر یک از شرکابه نسبت سرمایه که در شرکت داشته مسئول تادیه قروض شرکت است.

ماده ۱۸۷ - مادام که شرکت نسبی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت بعمل آید فقط پس از انحلال طلبکاران می توانند بر رعایت ماده فوق به فرد در شرکت مراجعه کنند.

ماده ۱۸۸ - هر کس بعنوان شریک ضامن در شرکت نسبی موجودی داخل شود به نسبت سرمایه که در شرکت می گذارد مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده باشد یا نشده باشد قرار شرکابه خلاف این ترتیب نسبت به اشخاص ثالث اثر ندارد.

ماده ۱۸۹ - مفاد ماده ۱۲۶ (جز مسئولیت شرکاکه به نسبت سرمایه آنها است) و مواد ۱۲۷ و ۱۳۶ در شرکت های نسبی نیز جاری است.

مبحث هفتم

شرکتهای تعاونی تولید و مصرف

ماده ۱۹۰ - شرکت تعاونی تولید شرکتی است که بین عده از ارباب حرف تشکیل می شود و شرکامشاغل خود را برای تولید و فروش اشیای اجناس بکار می برند.

ماده ۱۹۱ - اگر در شرکت تولیدی عدد از شرکاد خدمت دائمی شرکت نبوده یا از اهل حرفه که موضوع عملیات شرکت است نباشند لاقول دوثلث اعضا اداره کننده شرکت باید از شرکانی انتخاب شوند که حرفه آنها موضوع عملیات شرکت است.

ماده ۱۹۲ - شرکت تعاونی مصرف شرکتی است که برای مقاصد ذیل تشکیل می شود -

۱ - فروش اجناس لازمه برای مصارف زندگانی اعم از اینکه اجناس مزبوره را شرکای ایجاد کرده یا خریده باشند.

۲ - تقسیم نفع و ضرر بین شرکابه نسبت خریدهریک از آنها/

ماده ۱۹۳ - شرکت تعاونی اعم از تولیدی یا مصرفی ممکن است مطابق اصول شرکت سهامی یا برطبق مقررات مخصوصی که بانراضی شرکاترتیب داده شده باشدتشکیل بشودولی درهرحال مفاد مواد ۳۳۳و۳۳۲ لازم الرعایه است./

ماده ۱۹۴ - در صورتی که شرکت تعاونی تولیدی یا مصرفی مطابق اصول شرکت سهامی تشکیل شود حداقل سهام یاقطعات سهام ده ریال خواهد بود و هیچیک از شرکانمی تواننددر مجمع عمومی بیش از یک رای داشته باشد./

فصل دوم/

در مقررات راجعه به ثبت شرکتهای و نشر شرکتهای نامده ها/

ماده ۱۹۵ - ثبت کلیه شرکتهای مذکور در این قانون الزامی و تابع جمیع مقررات قانون ثبت شرکتهای است./

ماده ۱۹۶ - اسناد و نوشتجاتی که برای به ثبت رسانیدن شرکت لازم است در نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود./

ماده ۱۹۷ - در ظرف ماه اول تشکیل هر شرکت خلاصه شرکت نامه و منضمات آن طبق نظامنامه وزارت عدلیه اعلان خواهد شد./

ماده ۱۹۸ - اگر به علت عدم رعایت دستور و ماده فوق بطلان عملیات شرکت اعلام شده هیچیک از شرکانمی توانند این بطلان را در مقابل اشخاص ثالثی که با آنها معامله کرده اند عذر قرار دهند./

ماده ۱۹۹ - هرگاه شرکت در چندین حوزه شعبه داشته باشد مقررات مواد ۱۹۵ ، ۱۹۷ باید به قسمی که در نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود در هر حوزه جداگانه انجام گردد./

ماده ۲۰۰ - در هر موقع که تصمیماتی برای تغییر اساسنامه شرکت یا تمدید مدت شرکت زائد بر مدت مقرری انحلال شرکت (حتی در مواردی که انحلال به واسطه انقضای مدت شرکت صورت می گیرد) و تعیین کیفیت تفریح حساب یا تبدیل شرکای خروج بعضی از آنها از شرکت یا تغییر اسم شرکت اتخاذ شود مقررات مواد ۱۹۵ و ۱۹۷ لازم الرعایه است./

همین ترتیب در موقع هر تصمیمی که نسبت به مورد معین در ماده ۱۷۹ این قانون اتخاذ می شود رعایت خواهد شد./

ماده ۲۰۱ - در هر گونه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات و غیره که بطور خطی یا چاپی از طرف شرکت های مذکور در این قانون به استثنای شرکتهای تعاونی صادر می شود سرمایه شرکت صریحاً باید ذکر گردد و اگر تمام سرمایه پرداخته نشده قسمتی که پرداخته شده نیز باید صریحاً معین شود شرکت متخلف به جزای نقدی از دو بیست تا سه هزار ریال محکوم خواهد شد./

تبصره - شرکتهای خارجی نیز که بوسیله شعبه یا نماینده در ایران اشتغال به تجارت دارند در مورد اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خود در ایران مشمول مقررات این ماده خواهند بود./

فصل سوم/

در تصفیه امور شرکتهای/

ماده ۲۰۲ - تصفیه امور شرکتهای پس از انحلال موافق مواد ذیل خواهد بود مگر در مورد ورشکستگی که تابع مقررات مربوطه به ورشکستگی است./

ماده ۲۰۳ - در شرکتهای تضامنی و نسبی و مختلط سهامی و غیر سهامی امر تصفیه با مدیران شرکت است مگر آنکه شرکاضمان اشخاص دیگری را از خارج یا از بین خود برای تصفیه معین نمایند./

ماده ۲۰۴ - اگر از طرف یک یا چند شریک ضامن تعیین اشخاص مخصوص برای تصفیه تقاضا شد و سایر شرکاضمان آن تقاضا را نپذیرفتند محکمه بدایت اشخاصی را برای تصفیه معین خواهد کرد./

ماده ۲۰۵ - در هر مورد که اشخاصی غیر از مدیران شرکت برای تصفیه معین شوند اسامی آنها باید در اداره ثبت اسناد ثبت و اعلان گردد./

ماده ۲۰۶ - در شرکتهای مختلط (سهامی و غیر سهامی) شرکای غیر ضامن حق دارند یک یا چند نفر برای نظارت در امور تصفیه معین نمایند./

ماده ۲۰۷ - وظیفه متصدیان تصفیه خاتمه دادن بکارهای جاری و اجرای تعهدات و وصول مطالبات و تقسیم دارائی شرکت است به ترتیب مقرر در مواد ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۱ - ۲۱۲ ./

ماده ۲۰۸ - اگر برای اجرای تعهدات شرکت معاملات جدیدی لازم شود متصدیان تصفیه انجام خواهند داد./

ماده ۲۰۹ - متصدیان تصفیه حق دارند شخصاً یا به توسط وکیل از طرف شرکت محاکمه کنند./

ماده ۲۱۰ - متصدی تصفیه وقتی حق اصلاح و تعیین حکم دارد که شرکاضمان به او اجازه داده باشند ، مواردی که به حکم قانون حکمیت اجباری است از این قانون مستثنی است./

ماده ۲۱۱ - آن قسمت از دارائی شرکت که در مدت تصفیه محل احتیاج نیست بطور موقت بین شرکات تقسیم می شود ولی متصدیان تصفیه باید معادل قروضی که هنوز موعد تادیه آن نرسیده است و همچنین معادل مبلغی که در حساب بین شرکا مورد اختلاف است موضوع نمایند./

ماده ۲۱۲ - متصدیان تصفیه حساب شرکات نسبت به هم و سهم هر یک از شرکات از نفع و ضرر معین می کنند ، رفع اختلاف در تقسیم به محکمه بدایت رجوع می شود./

ماده ۲۱۳ - در شرکتهای سهامی و شرکتهای با مسئولیت محدود و شرکتهای تعاونی امر تصفیه بعهد مدیران شرکت است مگر آنکه اساسنامه یا اکثریت مجمع عمومی شرکت به ترتیب دیگری مقرر داشته باشد./

ماده ۲۱۴ - وظیفه و اختیارات متصدیان تصفیه در شرکت سهامی و شرکتهای با مسئولیت محدود و تعاونی به ترتیبی است که در ماده ۲۰۷ مقرر شده باین تفاوت که حق اصلاح و تعیین حکم برای متصدیان تصفیه این شرکتهای (به استثنای مورد حکمیت اجباری) فقط وقتی خواهد بود که اساسنامه یا مجمع عمومی این حق را به آنها داده باشد./

ماده ۲۱۵ - تقسیم دارائی شرکتهای مذکور در ماده فوق بین شرکات خواه در ضمن مدت تصفیه خواه پس از ختم آن ممکن نیست مگر آنکه قبلاً سه مرتبه در مجله رسمی و یکی از جراید اعلان و یکسال از تاریخ انتشار اولین اعلان در مجله گذشته باشد./

ماده ۲۱۶ - تخلف از ماده قبل متصدیان تصفیه رامسنول خسارت طلبکارانی قرار خواهد داد که به طلب خود نرسیده اند.

ماده ۲۱۷ - دفاتر هر شرکتی که منحل شده بانظر مدیر ثبت اسناد در محل معینی از تاریخ ختم تصفیه تاده سال محفوظ خواهد ماند.

ماده ۲۱۸ - هر شرکتی مجاز است در اساسنامه خود برای تصفیه ترتیب دیگری مقرر در دولی در هر حال آن مقررات نباید مخالف مواد ۲۰۷ - ۲۰۸ - ۲۰۹ - ۲۱۰ - ۲۱۵ - ۲۱۶ - ۲۱۷ و قسمت اخیر ماده ۲۱۱ باشد.

فصل چهارم /

مقررات مختلفه /

ماده ۲۱۹ - مدت مرور زمان در دعاوی اشخاص ثالث بر علیه شرکایا وراث آنها راجع به معاملات شرکت (در مواردی که قانون شرکایا وراث آنها رامسنول قرار داده) پنج سال است.

مدامرور زمان روزی است که انحلال شرکت یاکناره گیری شریک یا اخراج اواز شرکت در اداره ثبت به ثبت رسیده و در مجله رسمی اعلان شده باشد.

در صورتی که طلب پس از ثبت و اعلان قابل مطالبه شده باشد مرور زمان از روزی شروع می شود که طلبکار حق مطالبه پیدا کرده.

تصره - دعوائی که سنخاتبع مرور زمان کوتاهتری بوده یا بموجب این قانون مرور زمان طولانی تری برای آن معین شده از مقررات این ماده مستثنی است.

ماده ۲۲۰ - هر شرکت ایرانی که فعلا وجود داشته یا در آتیه تشکیل شود یا اشتغال به امور تجاری خود را بصورت یکی از شرکتهای مذکور در این قانون در نیاورده و مطابق مقررات مربوط به آن شرکت عمل ننماید شرکت تضامنی محسوب شده و احکام راجع به شرکتهای تضامنی در مورد آن اجرامی گردد هر شرکت تجاری ایرانی مذکور در این قانون و هر شرکت خارجی که بر طبق قانون ثبت شرکتهای مصوب خردادماه ۱۳۱۰ مکلف به ثبت است باید کلیه اسناد و صورت حسابها و اعلانات و نشریات خطی و چاپی خود در ایران تصریح نماید که در تحت چه نمره در ایران به ثبت رسیده و الا محکوم به جزای نقدی از دو بیست تا دوهزار ریال خواهد شد ، این مجازات علاوه بر مجازاتی است که در قانون ثبت شرکتهای برای عدم ثبت مقرر شده.

ماده ۲۲۱ - اگر شرکت سهام یا اوراق استقراضی داشته باشد که مطابق اساسنامه شرکت یا تصمیم مجمع عمومی قیمت آنها بطریق فرعه باید تادیه شود و قبل از تادیه قیمت آن سهام یا اوراق منافی که به آنها تعلق گرفته پرداخته شده باشد شرکت در موقع تادیه اصل قیمت نمی تواند منافع تادیه شده را استرداد نماید.

ماده ۲۲۲ - هر شرکت تجاری می تواند در اساسنامه خود قید کند که سرمایه اولیه خود را به وسیله تادیه اقساط بعدی از طرف شرکایا قبول شریک جدید زیاد کرده و یا به واسطه برداشت از سرمایه آن را تقلیل دهد در اساسنامه حداقلی که تا آن میزان می توان سرمایه اولیه را تقلیل داد صراحتا معین می شود. کمتر از عشر سرمایه اولیه شرکت را حداقل قرار دادن ممنوع است.

(باب چهارم)

برات - فته طلب - چک /

فصل اول - برات /

مبحث اول صورت برات /

ماده ۲۲۳ - برات علاوه بر امضای مهربرات دهنده باید دارای شرایط ذیل باشد - /

۱ - قید کلمه (برات) در روی ورقه.

۲ - تاریخ تحریر (روز و ماه و سال) /

۳ - اسم شخصی که باید برات را تادیه کند.

۴ - تعیین مبلغ برات.

۵ - تاریخ تادیه وجه برات.

۶ - مکان تادیه وجه برات اعم از اینکه محل اقامت محل علیه باشد یا محل دیگر.

۷ - اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخته می شود.

۸ - تصریح به اینکه نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است.

ماده ۲۲۴ - برات ممکن است بحواله کرد شخص دیگر باشد یا بحواله کرد خود برات دهنده.

ماده ۲۲۵ - تاریخ تحریر و مبلغ برات با تمام حروف نوشته می شود. اگر مبلغ بیش از یکدفعه به تمام حروف نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ کمتر منط اعتبار است اگر مبلغ با حروف و رقم هر دو نوشته شده و بین آنها اختلاف باشد مبلغ با حروف معتبر است.

ماده ۲۲۶ - در صورتی که برات متضمن یکی از شرایط اساسی مقرر در فقرات ۲ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶ - ۷ - ۸ ماده ۲۲۳ نباشد مشمول مقررات راجعه به بروات تجاری نخواهد بود.

ماده ۲۲۷ - برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود.

مبحث دوم /

در قبول و نکول /

ماده ۲۲۸ - قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده امضای مهر می شود.

در صورتی که برات به وعده از رویت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد.

اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شد تاریخ برات تاریخ رویت حساب می شود. /

ماده ۲۲۹ - هر عبارتی که محال علیه در برات نوشته امضا یا مهر کند قبولی محسوب است مگر اینکه صریحاً عبارت مشعر بر عدم قبول باشد. /

اگر عبارت فقط مشعر بر عدم قبول یک جز از برات باشد بقیه وجه برات قبول شده محسوب است. در صورتی که محال علیه بدون تحریر هیچ عبارتی برات را امضا یا مهر نماید برات قبول شده محسوب می شود. /

ماده ۲۳۰ - قبول کننده برات ملزم است وجه آن را سر وعده تادیه نماید. /

ماده ۲۳۱ - قبول کننده حق نکول ندارد. /

ماده ۲۳۲ - ممکن است قبولی منحصر به یک قسمت از وجه برات باشد در این صورت دارنده برات باید برای بقیه اعتراض نماید. /

ماده ۲۳۳ - اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شد برات نکول شده محسوب می شود ولی معهداً قبول کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته مسئول پرداخت وجه برات است. /

ماده ۲۳۴ - در قبولی براتی که وجه آن در خارج از محل اقامت قبول کننده باید تادیه شود تصریح به مکان تادیه ضروری است. /

ماده ۲۳۵ - برات باید به محض ارائه یا متهی در ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ ارائه قبول یا نکول شود. /

ماده ۲۳۶ - نکول برات باید بموجب تصدیق نامه که رسماً تنظیم می شود محقق گردد تصدیق نامه مزبور موسوم است به اعتراض (پروتست) نکول. /

ماده ۲۳۷ - پس از اعتراض نکول ظهر نویسها و برات دهنده به تقاضای دارنده برات باید ضامنی برای تادیه وجه آن در سر وعده بدهند و وجه برات را به انضمام مخارج اعتراض نامه و مخارج برات رجوعی (اگر باشد) فوراً تادیه نمایند. /

ماده ۲۳۸ - اگر بر علیه کسی که براتی را قبول کرده ولی وجه آن را نپرداخته اعتراض عدم تادیه شود دارنده براتی نیز که همان شخص قبول کرده ولی هنوز موعد پرداخت آن نرسیده است می تواند از قبول کننده تقاضا نماید که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آن را به خود دیگری تضمین کند. /

مبحث سوم /

در قبولی شخص ثالث /

ماده ۲۳۹ - هرگاه براتی نکول شد و اعتراض بعمل آمد شخص ثالثی می تواند آنرا بنام برات دهنده یا یکی از ظهر نویس ها قبول کند قبولی شخص ثالث باید در اعتراض نامه قید شده و به امضا او برسد. /

ماده ۲۴۰ - بعد از قبولی شخص ثالث نیز تا برات تادیه نشده کلیه حقوقی که برای دارنده برات از نکول آن در مقابل برات دهنده و ظهر نویسها حاصل می شود محفوظ خواهد بود. /

مبحث چهارم /

در وعده برات /

ماده ۲۴۱ - برات ممکن است به رویت باشد یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رویت برات ، یا به وعده یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از تاریخ برات ممکن است پرداخت به روز معینی موکول شده باشد. /

ماده ۲۴۲ - هرگاه برات بی وعده قبول شد باید فوراً پرداخته شود. /

ماده ۲۴۳ - موعد پرداخت براتی که یک یا چند روز یا یک یا چند ماه از رویت وعده دارد به وسیله تاریخ قبولی یا تاریخ اعتراض نامه نکول معین می شود. /

ماده ۲۴۴ - اگر موعد پرداخت برات با تعطیل رسمی تصادف کرد باید روز بعد از تعطیل تادیه شود. /

تبصره - همین قاعده در مورد سایر اوراق تجارتي نیز رعایت خواهد شد. /

مبحث پنجم /

ظهر نویسی /

ماده ۲۴۵ - انتقال برات به وسیله ظهر نویسی بعمل می آید. /

ماده ۲۴۶ - ظهر نویسی باید به امضا و ظهر نویس برسد ممکن است در ظهر نویسی تاریخ واسم کسی که برات به او انتقال داده می شود قید گردد. /

ماده ۲۴۷ - ظهر نویسی حاکی از انتقال برات است مگر اینکه ظهر نویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده برات حق وصول ولدی الاقتضای اعتراض واقامه دعوی برای وصول خواهد داشت جز در مواردی که خلاف این در برات تصریح شده باشد. /

ماده ۲۴۸ - هرگاه ظهر نویس در ظهر نویسی تاریخ مقدمی قید کند مزبور شناخته می شود. /

مبحث ششم /

مسئولیت /

ماده ۲۴۹ - برات دهنده کسی که برات را قبول کرده و ظهر نویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند. /

دارنده برات در صورت عدم تادیه و اعتراض می تواند بهر کدام از آنها که بخواهد منفر دایا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمعاً رجوع نماید. /

همین حق را هر یک از ظهر نویسها نسبت به برات دهنده و ظهر نویسهای ماقبل خود دارد. /

اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولین برات نیست ، اقامه کننده دعوی ملزم

نیست ترتیب ظهر نویسی را از حیث تاریخ رعایت کند ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهر نویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است. /

ماده ۲۵۰ - هر یک از مسئولین تادیه برات می تواند پرداخت را به تسلیم برات و اعتراضنامه و صورت حساب متفرعات و مخارج قانونی که باید بپردازد موکول کند. /

ماده ۲۵۱ - هرگاه چند نفر از مسئولین برات ورشکست شوند دارندنده برات می تواند در هر یک از غرما یا در تمام غرما برای وصول تمام طلب خود (وجه برات و متفرعات و مخارج قانونی) داخل شود تا اینکه طلب خود را کاملاً وصول نماید مدیر تصفیه هیچیک از ورشکستگان نمی تواند برای وجهی که به صاحب چنین طلب پرداخته می شود به مدیر تصفیه ورشکسته دیگر رجوع نماید مگر در صورتی که مجموع وجهی که از دارائی تمام ورشکستگان به صاحب طلب تخصیص می یابد بیش از میزان طلب او باشد در این صورت مازاد باید به ترتیب تاریخ تعهدتامیزان وجهی که هر کدام پرداخته اند جز دارائی ورشکستگان محسوب گردد که به سایر ورشکسته هاجق رجوع دارند. /

تبصره - مفاد این ماده در مورد ورشکستگی هر چند نفری نیز که برای پرداخت یک دین مسئولیت تضامنی داشته باشند مرعی خواهد بود. /

مبحث هفتم /

در پرداخت /

ماده ۲۵۲ - پرداخت برات بانوع پولی که در آن معین شده بعمل می آید. /

ماده ۲۵۳ - اگر دارندنده برات به برات دهنده یا کسی که برات به او منتقل کرده است پولی غیر از آن نوع که در برات تعیین شده است بدهد آن برات در نتیجه نکول یا امتناع از قبول و یا عدم تادیه اعتراض شود دارندنده برات می تواند از دهنده برات یا انتقال دهنده نوع پولی را که داده یا نوع پولی که در برات معین شده مطالبه کند ولی از سایر مسئولین وجه برات جز نوع پولی که در برات معین شده قابل مطالبه نیست. /

ماده ۲۵۴ - برات به وعده باید روز آخر وعده پرداخته شود. /

ماده ۲۵۵ - روز رویت در برواتی که به وعده از رویت است و روز صدور برات در برواتی که به وعده از تاریخ صدور است حساب نخواهد شد. /

ماده ۲۵۶ - شخصی که وجه برات را قبل از موعد تادیه نموده در مقابل اشخاصی که نسبت به وجه برات حقی دارندنده مسئول است. /

ماده ۲۵۷ - اگر دارندنده برات به کسی که قبول نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به ظهر نویسی های ماقبل خود برات دهنده که به مهلت مزبور رضایت نداده اند حق رجوع نخواهد داشت. /

ماده ۲۵۸ - شخصی که در سر وعده وجه برات را می پردازد بری الذمه محسوب می شود مگر آنکه وجه برات قانوناً نردا و توقیف شده باشد. /

ماده ۲۵۹ - پرداخت وجه برات ممکن است به موجب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ ، به عمل آید در صورتی که در روی آن نسخه قید شده باشد که پس از پرداخت وجه بموجب این نسخه نسخ دیگر از اعتبار ساقط است. /

ماده ۲۶۰ - شخصی که وجه برات را بر حسب نسخه بپردازد که در روی آن قبولی نوشته نشده در مقابل شخصی که نسخه قبولی شده را در دستنول پرداخت وجه آن است. /

ماده ۲۶۱ - در صورت گم شدن براتی که هنوز قبول نشده است صاحب آن می تواند وصول وجه آن را بر حسب نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ تقاضا کند. /

ماده ۲۶۲ - اگر نسخه مفقود نسخه باشد که قبولی در روی آن نوشته شده تقاضای پرداخت از روی نسخه های دیگر فقط بموجب امر محکمه پس از دادن ضمانت بعمل می آید. /

ماده ۲۶۳ - اگر شخصی که برات را گم کرده اعم از این که قبولی نوشته شده یا نشده باشد می تواند نسخه ثانی یا ثالث یا رابع الخ را تحصیل نماید پس از اثبات اینکه برات متعلق به او است می تواند با دادن ضمانت تادیه وجه آن را بموجب امر محکمه مطالبه کند. /

ماده ۲۶۴ - اگر با وجود تقاضائی که در مورد مواد ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ بعمل آمده است از تادیه وجه برات امتناع شود صاحب برات مفقود می تواند تمام حقوق خود را به موجب اعتراضنامه محفوظ بدارد. /

ماده ۲۶۵ - اعتراضنامه مذکور در ماده فوق باید در ظرف بیست و چهار ساعت از تاریخ وعده برات تنظیم شده و در موعد و ترتیبی که در این قانون برای ابلاغ اعتراضنامه معین شده است به برات دهنده و ظهر نویسیها ابلاغ گردد. /

ماده ۲۶۶ - صاحب برات مفقود برای تحصیل نسخه ثانی باید به ظهر نویسی که بلافاصله قبل از او بوده است رجوع نماید. /

ظهر نویسی مزبور ملزم است به صاحب برات اختیار مراجعه به ظهر نویسی ماقبل خود داده و راهنمایی کند و همچنین هر ظهر نویسی باید اختیار رجوع به ظهر نویسی ماقبل خود بدهد تا به برات دهنده برسد ، مخارج این اقدامات بر عهده برات مفقود خواهد بود. /

ظهر نویسی در صورت امتناع از دادن اختیار مسئول تادیه وجه برات و خساراتی است که بر صاحب برات مفقود وارد شده است. /

ماده ۲۶۷ - در صورتی که ضامن برات مفقود (رجوع به مواد ۲۶۲ و ۲۶۳) مدتی برای ضمانت خود معین نکرده باشد مدت ضمانت سه سال است و هرگاه در ظرف این سه سال رسماً مطالبه یا اقامه دعوی نشده باشد دیگر از این حیث دعوی بر علیه او در محکمه مسموع نخواهد بود. /

ماده ۲۶۸ - اگر مبلغی از وجه برات پرداخته شود به همان اندازه برات - دهنده و ظهر نویسیها بری می شوند و دارندنده برات فقط نسبت به بقیه می تواند اعتراض کند. /

ماده ۲۶۹ - محاکم نمی تواند بدون رضایت صاحب برات برای تادیه وجه برات مهلتی بدهند. /

مبحث هشتم /

تادیه وجه برات به واسطه شخص ثالث /

ماده ۲۷۰ - هر شخص ثالثی می تواند از طرف برات دهنده یا یکی از ظهر نویسیها وجه برات اعتراض شده را کارسازی

نماید دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراضنامه یاد رد ذیل آن قید شود.

ماده ۲۷۱ - شخص ثالثی که وجه برات را پرداخته دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات است.

ماده ۲۷۲ - اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف برات دهند پرداخت تمام ظهر نویسهای الزمه می شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهر نویسها بعمل آید ظهر نویس های بعد از او بری الزمه اند.

ماده ۲۷۳ - اگر دو شخص متفقاً هر یک از جانب یکی از مسئولین برات برای پرداخت وجه حاضر شوند پیش نهاد آن کسی پذیرفته است که تادیه وجه از طرف او عده زیادتری از مسئولین را بری الزمه می کند اگر خود محال علیه پس از اعتراض برای تادیه وجه حاضر شود بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد.

مبحث نهم/

حقوق و وظایف دارنده برات/

ماده ۲۷۴ - نسبت به برواتی که وجه آن باید در ایران به رویت یاب و عده از رویت تادیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارج دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یکسال از تاریخ برات مطالبه نماید و الا حق رجوع به ظهر نویسها و همچنین به برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت.

ماده ۲۷۵ - اگر در برات اعم از اینکه در ایران صادر شده باشد یا در خارج برای تقاضای قبولی مدت بیشتری یا کمتری مقرر شده باشد حق دارنده برات باید در همان مدت قبولی برات را تقاضا نماید و الا حق رجوع به ظهر نویسها و برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت.

ماده ۲۷۶ - اگر ظهر نویسی برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد دارنده برات باید در مدت مزبور تقاضای قبولی نماید و الا در مقابل آن ظهر نویس نمی تواند از مقررات مربوطه به برات استفاده کند.

ماده ۲۷۷ - هرگاه دارنده برات به رویت یاب و عده که در یکی از شهرهای ایران صادر و باید در ممالک خارج تادیه شود در مواعد مقرر در مواد فوق قبولی نوشتن یا پرداخت وجه را مطالبه نکرده باشد مطابق مقررات همان مواد حق اوساقت خواهد شد.

ماده ۲۷۸ - مقررات فوق مانع نخواهد بود که بین دارنده برات و برات - دهنده و ظهر نویسها قرارداد دیگری مقرر گردد.

ماده ۲۷۹ - دارنده برات باید در وعده وجه برات را مطالبه کند.

ماده ۲۸۰ - امتناع از تادیه وجه برات باید در ظرف ده روز از تاریخ وعده به وسیله نوشته ای که اعتراض عدم تادیه نامیده می شود معلوم گردد.

ماده ۲۸۱ - اگر روز دهم تعطیل باشد اعتراض روز بعد آن بعمل خواهد آمد.

ماده ۲۸۲ - نه فوت محال علیه و نه ورشکستگی او نه اعتراض نکولی دارنده برات را از اعتراض عدم تادیه مستغنی نخواهد کرد.

ماده ۲۸۳ - در صورتی که قبول کننده برات قبل از وعده ورشکست شود حق اعتراض برای دارنده برات باقی است.

ماده ۲۸۴ - دارنده براتی که به علت عدم تادیه اعتراض شده است باید در ظرف ده روز از تاریخ اعتراض عدم تادیه رابه وسیله اظهارنامه رسمی یا مراسله سفارشی دوقبضه به کسی که برات را به او اگذار نموده اطلاع دهد.

ماده ۲۸۵ - هر یک از ظهر نویسها نیز باید در ظرف ده روز از تاریخ دریافت اطلاع نامه فوق آن رابه همان وسیله به ظهر نویس سابق خود اطلاع دهد.

ماده ۲۸۶ - اگر دارنده براتی که بایستی در ایران تادیه شود و بعلمت عدم پرداخت اعتراض شده بخواد از حق که ماده ۲۴۹ برای او مقرر داشته استفاده کند باید در ظرف یکسال از تاریخ اعتراض اقامه دعوی نماید. (اصلاحی ۵۸/۱۰/۲۶).

تبصره - هرگاه محل اقامت مدعی علیه خارج از محلی باشد که وجه برات باید در آنجا پرداخت شود برای هر شش فرسخ یک روز اضافه خواهد شد.

ماده ۲۸۷ - در مورد برواتی که باید در خارج تادیه شود اقامه دعوی بر علیه برات دهنده و یا ظهر نویسهای مقیم ایران در ظرف دو سال از تاریخ اعتراض باید بعمل آید. (۵۸/۱۰/۲۶).

ماده ۲۸۸ - هر یک از ظهر نویسها بخواد از حق که در ماده ۲۴۹ به او داده شده استفاده نماید باید مواعیدی که به موجب مواد ۲۸۶ و ۲۸۷ مقرر است اقامه دعوی کند و نسبت به او مواعد از فردای ابلاغ احضاریه محکمه محسوب است و اگر وجه برات را بدون اینکه بر علیه او اقامه دعوی شده باشد تادیه نماید از فردای روز تادیه محسوب خواهد شد.

ماده ۲۸۹ - پس از انقضای مواعد مقرر در مواد فوق دعوی دارنده برات بر ظهر نویسها و همچنین دعوی هر یک از ظهر نویسها برید سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد.

ماده ۲۹۰ - پس از انقضای مواعد فوق دعوی دارنده و ظهر نویسهای برات بر علیه برات دهنده نیز پذیرفته نمی شود مشروط بر اینکه برات دهنده ثابت نماید در سر وعده وجه برات را به محال علیه رسانیده و در این صورت دارنده برات فقط حق مراجعه به محال علیه خواهد داشت.

ماده ۲۹۱ - اگر پس از انقضای موعدی که برای اعتراض و ابلاغ اعتراض - نامه یا برای اقامه دعوی مقرر است برات دهنده یا هر یک از ظهر نویسها به طریق محاسبه یا بعنوان دیگری وجهی را که برای تادیه برات به محال علیه رسانیده بود مسترد در دارنده برات برخلاف مقررات دو ماده قبل حق خواهد داشت که بر علیه دریافت کننده وجه اقامه دعوی نماید.

مبحث دهم/

در اعتراض (پروتست)/

ماده ۲۹۳ - اعتراض در موارد ذیل بعمل می آید - /

۱ - در مورد نکول/

۲ - در مورد امتناع از قبول یا نکول/

۳ - در مورد عدم تادیه/

اعتراض نامه باید در یک نسخه تنظیم و بموجب امر محکمه بدایت به توسط مامور اجرا به محل اقامت اشخاص ذیل ابلاغ شود /-

۱ - محال علیه./

۲ - اشخاصی که در برات برای تادیه وجد عند الاقتضای معین شده اند./

۳ - شخص ثالثی که برات را قبول کرده است./

اگر در محلی که اعتراض بعمل می آید محکمه بدایت نباشد وظایف اوبا رعایت ترتیب بعهده امین صلح یار رئیس ثبت اسنادی احکام محل خواهد بود./

ماده ۲۹۴ - اعتراضنامه باید مراتب ذیل را دارا باشد -/

۱ - سواد کامل برات با کلیه محتویات آن اعم از قبولی و ظهر نویسی و غیره./

۲ - امر به تادیه وجه برات./

مامور اجرا باید حضور باغیاب شخصی که باید وجه برات را بدهد و علل امتناع از تادیه یا از قبول و همچنین علل عدم امکان امضا یا امتناع از امضا را در ذیل اعتراضنامه قید و امضا کند./

ماده ۲۹۵ - هیچ نوشته ای نمی تواند از طرف دارنده برات جای گیر اعتراضنامه شود مگر در مواد مندرجه در مواد ۲۶۱ - ۲۶۲ - ۲۶۳ راجع به مفقود شدن برات./

ماده ۲۹۶ - مامور اجرا باید سواد صحیح اعتراضنامه را به محل اقامت اشخاص مذکور در ماده ۲۹۳ بدهد./

ماده ۲۹۷ - دفتر محکمه یا دفتر مقاماتی که وظیفه محکمه را انجام می دهند باید مفاد اعتراضنامه را روز به روز به ترتیب تاریخ و نمره در دفتر مخصوصی که صفحات آن به توسط رئیس محکمه یا قائم مقام اونمره و امضا شده است ثبت نمایند در صورتی که محل اقامت برات دهنده یا ظهر نویس اولی در روی برات قید شده باشد دفتر محکمه باید آنهارا توسط کاغذ سفارشی از علل امتناع از تادیه مستحضر سازد./

مبحث یازدهم/

برات رجوعی/

ماده ۲۹۸ - برات رجوعی براتی است که دارنده برات اصلی پس از اعتراض برای دریافت وجه آن و مخارج صدور اعتراضنامه و تفاوت نرخ بعهده برات دهنده یا یکی از ظهر نویسها صادر می کند./

ماده ۲۹۹ - اگر برات رجوعی بعهده برات دهنده اصلی صادر شود تفاوت بین نرخ مکان تادیه برات اصلی و نرخ مکان صدور آن بعهده او خواهد بود و اگر برات رجوعی به عهده یکی از ظهر نویسها صادر شود مشارالیه باید از عهده تفاوت نرخ مکانی که برات اصلی را در آن جامعه معامله یا تسلیم کرده است و نرخ مکانی که برات رجوعی در آنجا صادر شده است بر آید./

ماده ۳۰۰ - به برات رجوعی باید صورت حسابی (حساب بازگشت) ضمیمه شود ، در صورت حساب مزبور مراتب ذیل قید می گردد -/

۱ - اسم شخصی که برات رجوعی بعهده او صادر شده است./

۲ - مبلغ اصلی برات اعتراض شده./

۳ - مخارج اعتراضنامه و سایر مخارج معموله از قبیل حق العمل صراف و دلال و وجه تمبر و مخارج پست و غیره./

۴ - مبلغ تفاوت نرخهای مذکور در ماده (۲۹۹)/

ماده ۳۰۱ - صورت حساب مذکور در ماده قبل باید توسط دو نفر تاجر تصدیق شود و علاوه لازم است برات اعتراض شده و سواد مصدقی از اعتراض نامه به صورت حساب مزبور ضمیمه گردد./

ماده ۳۰۲ - هرگاه برات رجوعی بعهده یکی از ظهر نویسها صادر شود علاوه بر مراتب مذکور در مواد ۳۰۰ و ۳۰۱ باید تصدیق نامه که تفاوت بین نرخ مکان تادیه برات اصلی و مکان صدور آن را معین نماید ضمیمه شود./

ماده ۳۰۳ - نسبت به یک برات صورت حساب بازگشت متعددی می تواند ترتیب داد و اگر برات رجوعی بعهده یکی از ظهر نویسها صادر شده باشد حساب بازگشت متوالی به توسط ظهر نویسها پرداخته می شود تا به برات دهنده اولی برسد./

تحمیلات براتهای رجوعی را نمی توان تماما بر یک نفر و ارسا ساخت هر یک از ظهر نویسها و برات دهنده اولی فقط عهده دار یک خرج است./

ماده ۳۰۴ - خسارت تاخیر تادیه مبلغ اصلی برات که بواسطه عدم تادیه اعتراض شده است از روز اعتراض و خسارت تاخیر تادیه مخارج اعتراض و مخارج برات رجوعی فقط از روز اقامه دعوی محسوب می شود./

مبحث دوازدهم/

قوانین خارجی/

ماده ۳۰۵ - در مورد برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین مملکت صدور است./

هر قسمت از سایر تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهر نویسی ضمانت قبولی و غیره) نیز که در خارج بوجود آمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آن جا وجود پیدا کرده است معذالک اگر شرایط اساسی برات مطابق قانون ایران موجود و یا تعهدات براتی موافق قانون ایران صحیح باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده اند حق استناد به این ندارند که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مقدم بر تعهدات آنها مطابق با قوانین خارجی نیست./

ماده ۳۰۶ - اعتراض و بطور کلی هر اقدامی که برای حفظ حقوق ناشیه از برات و استفاده از آن در خارج باید بعمل آید تابع قوانین مملکتی خواهد بود که آن اقدام باید در آنجا بشود./

فصل دوم/

در فته طلب/

ماده ۳۰۷ - فته طلب سندی است که بموجب آن امضاکننده تعهد می کند مبلغی در موعده معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید. /

ماده ۳۰۸ - فته طلب علاوه بر امضای ماهر باید دارای تاریخ و متضمن مراتب ذیل باشد - /

۱ - مبلغی که باید تادیه شود با تمام حروف. /

۲ - گیرنده وجه. /

۳ - تاریخ پرداخت. /

ماده ۳۰۹ - تمام مقررات راجع به بروات تجاری (از مبحث چهارم الی آخر فصل اول این باب) در مورد فته طلب نیز لازم الرعایه است. /

فصل سوم /

چک /

ماده ۳۱۰ - چک نوشته ای است که بموجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال علیه دارد کلیاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می نماید. /

ماده ۳۱۱ - در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادرکننده برسد ، پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد. /

ماده ۳۱۲ - چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد ممکن است به صرف امضای ظهر به دیگری منتقل شود. /

ماده ۳۱۳ - وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود. /

ماده ۳۱۴ - صدور چک ولو اینکه از محلی به محل دیگر باشد ذاتاً عمل تجاری محسوب نیست لیکن مقررات این قانون از ضمانت صادرکننده و ظهر نویسها و اعتراض و اقامه دعوی و ضمان و مفقود شدن راجع به بروات شامل چک نیز خواهد بود. /

ماده ۳۱۵ - اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تادیه گردد دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود. /

اگر دارنده چک در ظرف موعده مذکوره در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگری دعوی او بر علیه ظهر نویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود دعوی دارنده چک بر علیه صادر کننده نیز در محکم مسموع نیست. /

ماده ۳۱۶ - کسی که وجه چک را دریافت می کند باید ظهر آن را امضای ماهر نماید اگر چه چک در وجه حامل باشد. /

ماده ۳۱۷ - مقررات راجع به چک هائی که در ایران صادر شده است در مورد چک هائی که از خارج صادر شده و باید در ایران پرداخته شود نیز رعایت خواهد شد لیکن مهلتی که در ظرف آن دارنده چک می تواند وجه چک را مطالبه کند چهار ماه از تاریخ صدور است. /

فصل چهارم /

در مرور زمان /

ماده ۳۱۸ - دعوی راجع به برات و فته طلب و چک که از طرف تجاری برای امور تجاری صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراضنامه و یا آخرین تعقیب قضائی در محاکم مسموع نخواهد بود مگر اینکه در ظرف این مدت رسماً اقرار بدین واقع شده باشد که در این صورت مباد مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است. /

در صورت عدم اعتراض مدت مرور زمان از تاریخ انقضای مهلت اعتراض شروع می شود. /

تبصره - مفاد این ماده در مورد بروات و چک و فته طلب هائی که قبل از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین ۱۳۰۴ صادر شده است قابل اجرا نبوده و این استاندارد حیث مرور زمان تابع مقررات مربوطه مرور زمان راجع به اموال منقوله است. /

ماده ۳۱۹ - اگر وجه برات یافته طلب یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج سال مطالبه کرد دارنده برات یافته طلب یا چک می تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده است مطالبه نماید. /

تبصره - حکم فوق در موردی نیز جاری است که برات یافته طلب یا چک یکی از شرایط اساسی مقرر در این قانون را فاقد باشد. /

باب پنجم /

استاد در وجه حامل /

ماده ۳۲۰ - دارنده هر سند در وجه حامل ویرای مطالبه وجه آن محق محسوب می شود مگر در صورت ثبوت خلاف معذک اگر مقامات صلاحیت دار قضائی یا پلیس تادیه وجه آن سند را منع کند تادیه وجه به حامل مدیون را نسبت به شخص ثالثی که ممکنست سند متعلق به او باشد بری نخواهد کرد. /

ماده ۳۲۱ - جز در موردی که حکم بطلان سند صادر شده مدیون سند در وجه حامل مکلف به تادیه نیست مگر در مقابل اخذ سند. /

ماده ۳۲۲ - در صورت گم شدن سند در وجه حامل که دارای ورقه های کوپن یا دارای ضمیمه ای برای تجدید اوراق کوپن باشد و همچنین در صورت گم شدن سند در وجه حامل که خود سنده دارنده آن حق میدهد ریح یا منفعتی را مبر تبادریافت کند برای اصدار حکم بطلان مطابق مقررات ذیل عمل خواهد شد. /

ماده ۳۲۳ - مدعی باید در محکم محل اقامت مدیون معلوم نماید سند در تصرف او بوده و فعلاً گم شده است اگر مدعی فقط اوراق کوپن یا ضمیمه مربوط به سند خود را گم کرده باشد ابراز خود سند کافیهست. /

ماده ۳۲۴ - اگر محکم ادعای مدعی را بنابر اوضاع و احوال قابل اعتماد دانست باید بوسیله اعلان در جرایده دارنده مجهول

سند اخطار کند ، هرگاه از تاریخ انتشار اولین اعلان تا سه سال سندر ابراز نمود حکم بطلان آن صادر خواهد شد محکمه می تواند دلی الاقتضامدتی بیش از سه سال تعیین کند./

ماده ۳۲۵ - به تقاضای مدعی محکمه می تواند به مدیون قدغن کند که وجه سند را به کسی نپردازد مگر پس از گرفتن ضامن یا تامینی که محکمه تصویب نماید./

ماده ۳۲۶ - در مورد گم شدن اوراق کوپن هائی که در ضمن جریان دعوی لازم التادیه می شود به ترتیب مقرر در مواد ۳۳۳ و ۳۳۳ عمل خواهد شد./

ماده ۳۲۷ - اخطار مذکور در ماده ۳۲۴ باید سه دفعه در مجله رسمی منتشر شود. محکمه می تواند بعلاوه اعلان در جراید دیگر را نیز مقرر دارد./

ماده ۳۲۸ - اگر پس از اعلان فوق سند مفقود ابراز شود محکمه به مدعی مهلت متناسبی داده و اخطار خواهد کرد که هرگاه تا انقضای مهلت دعوی خود را تعقیب و دلائل خود را اظهار نکند محکوم شده و سند به ابراز کننده آن مسترد خواهد گردید./

ماده ۳۲۹ - اگر در ظرف مدتی که مطابق ماده ۳۲۴ مقرر و اعلان سند ابراز نگردد محکمه حکم بطلان آن را صادر خواهد نمود./

ماده ۳۳۰ - ابطال سند فوراً به وسیله درج در مجله رسمی و هر وسیله دیگری که محکمه مقتضی بداند به اطلاع عموم خواهد رسید./

ماده ۳۳۱ - پس از صدور حکم ابطال مدعی حق دارد تقاضا کند بخرج اوسند جدیدی الاقتضا و اوراق کوپن تازه به او بدهد اگر سند حال شده باشد مدعی حق تقاضای تادیه خواهد داشت./

ماده ۳۳۲ - هرگاه سند گم شده از اسناد مذکور در ماده ۳۲۲ نباشد به ترتیب ذیل رفتار خواهد شد - /

محکمه در صورتی که ادعای مدعی سبق تصرف و گم کردن سند را قابل اعتماد دید حکم می دهد مدیون وجه سند را فوراً در صورتی که حال باشد و سپس از انقضای اجل در صورت موجب بودن ، به صندوق عدلیه بسپارد./

ماده ۳۳۳ - اگر قبل از انقضای مدت مرور زمانی که وجه سند مفقود پس از آن مدت قابل مطالبه نیست سند ابراز شد مطابق ماده ۳۲۸ رفتار و الواجبی که در صندوق عدلیه امانت گذاشته شده به مدعی داده می شود./

ماده ۳۳۴ - مقررات این باب شامل اسکناس نیست./

باب ششم/

دلالی/

فصل اول - کلیات/

ماده ۳۳۵ - دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که میخواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدامی کند. اصولاً قرارداد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است./

ماده ۳۳۶ - دلال می تواند در رشته های مختلف دلالی نموده و شخصانیز تجارت کند./

ماده ۳۳۷ - دلال باید در نهایت صحت و او روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معاملات مطلع سازد و لواینکه دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکند دلال در مقابل هر یک از طرفین مسئول تقلب و تقصیرات خود می باشد ماده ۳۳۸ - دلال نمی تواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تادیه دین نماید و یا آنکه تعهدات آنها را بموقع اجرا گذارد مگر اینکه اجازه نامه مخصوصی داشته باشد./

ماده ۳۳۹ - دلال مسئول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات به او داده شده مگر اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبور مربوط به شخص او نبوده است./

ماده ۳۴۰ - در موردی که فروش از روی نمونه باشد دلال باید نمونه مال التجاره را تا موقع ختم معامله نگاه بدارد مگر اینکه طرفین معامله او را از این قید معاف دارند./

ماده ۳۴۱ - دلال می تواند در زمان واحد برای چند امر در یک رشته یا رشته های مختلف دلالی کند ولی در این صورت باید آمین را از این ترتیب و امور دیگری که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود مطلع نماید./

ماده ۳۴۲ - هرگاه معامله به توسط دلال واقع و نوشتجات و اسنادی راجع به آن معامله بین طرفین به توسط او رد و بدل شود در صورتی که امضاهار راجع به اشخاصی باشد که به توسط او معامله را کرده اند دلال ضامن صحت و اعتبار امضاهای نوشتجات و اسناد مزبور است./

ماده ۳۴۳ - دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می کند و ضامن اجرای معاملاتی که به توسط او می شود نیست./

ماده ۳۴۴ - دلال در خصوص ارزش یا جنس مال التجاره ای که مورد معامله بوده مسئول نیست مگر اینکه ثابت شود تقصیر از جانب او بوده./

ماده ۳۴۵ - هرگاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله نمود دلال ضامن معامله است./

ماده ۳۴۶ - در صورتی که دلال در نفس معامله منتفع یا سهیم باشد باید به طرفی که این نکته را نمی داند اطلاع دهد و الا مسئول خسارات وارده بوده و بعلاوه به پانصد تا سه هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد./

ماده ۳۴۷ - در صورتی که دلال در معامله سهیم باشد یا امر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد خواهد بود./

فصل دوم/

اجرت دلال و مخارج/

ماده ۳۴۸ - دلال نمی تواند حق دلالی را مطالبه کند مگر در صورتی که معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد./

ماده ۳۴۹ - اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او ماموریت داده بتفیع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا برخلاف عرف تجاری محل از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی را قبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود. بعلاوه محکوم به مجازات مقرر برای خیانت در امانت خواهد شد./

ماده ۳۵۰ - هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد دلال پس از حصول شرط مستحق اجرت خواهد بود./

ماده ۳۵۱ - اگر شرط شده باشد مخارجی که دلال می کند به او داده شود دلال مستحق اخذ مخارج خواهد بود ولو آنکه معامله سرنگیرد. /

همین ترتیب در موردی نیز جاری است که عرف تجارته محل به پرداخت مخارجی که دلال کرده حکم کند. /

ماده ۳۵۲ - در صورتی که معامله به رضایت طرفین بابه واسطه یکی از اختیارات قانونی فسخ بشود حق مطالبه دلالی از دلال سلب نمی شود مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد. /

ماده ۳۵۳ - دلالی معاملات ممنوعه اجرت ندارد. /

مواد ۳۵۴ و ۳۵۵ - باتوجه به ماده ۱۳ قانون دلالان مصوب سال /

۱۳۱۷ و آئین نامه دلالان معاملات ملکی مصوب سال ۱۳۱۹ با /

اصلاحیه های بعدی ، نسخ گردید /

فصل سوم - دفتر /

ماده ۳۵۶ - هر دلال باید دفتری داشته و کلیه معاملاتی را که به دلالی او انجام گرفته به ترتیب ذیل در آن ثبت نماید - /

۱ - اسم متعاملین /

۲ - مالی که موضوع معامله است. /

۳ - نوع معامله. /

۴ - شرایط معامله باتشخیص به اینکه تسلیم موضوع معامله فوری است بابه وعده است. /

۵ - عوض مالی که باید پرداخته شود و تشخیص اینکه فوری است بابه وعده است وجه نقد است یا مال التجاره یا برات در صورتی که برات باشد به رویت است بابه وعده. /

۶ - امضا طرفین معامله مطابق مقررات نظام نامه وزارت عدلیه. /

دفتر دلالی تابع کلیه مقررات راجع به دفاتر تجارته است. /

باب هفتم /

حق العمل کاری (کمیسیون) /

ماده ۳۵۷ - حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت می دارد. /

ماده ۳۵۸ - جزدر مواردی که بموجب مواد ذیل استثنایه مقررات راجعه به وکالت در حق العمل کاری نیز رعایت خواهد شد. /

ماده ۳۵۹ - حق العمل کار باید آمر را از جریان اقدامات خود مستحضر داشته و مخصوصاً در صورت انجام ماموریت این نکته را به فوریت به او اطلاع دهد. /

ماده ۳۶۰ - حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله است نیست مگر اینکه آمر دستور داده باشد. /

ماده ۳۶۱ - اگر مال التجاره ای که برای فروش نزد حق العمل کار ارسال شده دارای عیوب ظاهری باشد حق العمل کار باید برای محفوظ داشتن حق رجوع بر علیه متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارت بحری (آواری) به وسائل مقتضیه و محافظت مال التجاره اقدامات لازم بعمل آورده و آمر را از اقدامات خود مستحضر کند و الا مسئول خسارات ناشیه از این غفلت خواهد بود. /

ماده ۳۶۳ - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از حداقل قیمتی که آمر معین کرده بفروش رساند مسئول تفاوت خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه آمر در موقع مقدور نبوده است. /

ماده ۳۶۴ - اگر حق العمل کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید. /

ماده ۳۶۵ - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین بخرد بابه بیشتر از قیمتی که آمر تعیین نموده به فروش برساند حق استفاده از تفاوت نداشته و باید آن را در حساب آمر محسوب دارد. /

ماده ۳۶۶ - اگر حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به نسیه بفروشد یا پیش قسطی دهد ضررهای ناشیه از آن متوجه خود او خواهد بود معذک اگر فروش نسیه داخل در عرف تجارته محل باشد حق العمل کار ماذون به آن محسوب می شود مگر در صورت دستور مخالف آمر. /

ماده ۳۶۷ - حق العمل کار در مقابل آمر مسئول پرداخت وجوه و یا انجام سایر تعهدات طرف معامله نیست مگر اینکه مجاز در معامله به اعتبار نبوده و یا شخصاً ضمانت طرف معامله را کرده و یا عرف تجارته بلد او را مسئول قرار دهد. /

ماده ۳۶۸ - مخارجی که حق العمل کار کرده و برای انجام معامله و نفع آمر لازم بوده و همچنین هر مساعده که به نفع آمر داده باشد باید اصلاً و متفعه به حق العمل کار مسترد شود. /

حق العمل کاری تواند مخارج انبارداری و حمل و نقل را نیز به حساب آمر گذارد. /

ماده ۳۶۹ - وقتی حق العمل کار مستحق حق العمل می شود که معامله اجرا شده و یا عدم اجرای آن مستند به فعل آمر باشد نسبت به اموری که در نتیجه علل دیگری انجام پذیر نشده حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت محل معین می نماید. /

ماده ۳۷۰ - اگر حق العمل کار نادرستی کرده و مخصوصاً موردی که به حساب آمر قیمتی علاوه بر قیمت خرید و یا کمتر از قیمت فروش محسوب در مستحق حق العمل نخواهد بود علاوه در صورت اخیر آمر می تواند خود حق العمل کار را خریداری یا فروشنده محسوب کند. /

تبصره - دستور فوق مانع از اجرای مجازاتی که برای خیانت در امانت مقرر است نیست. /

ماده ۳۷۱ - حق العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او نسبت به اموالی که موضوع معامله بوده و یا نسبت به

قیمتی که اخذ کرده حق حبس خواهد داشت./

ماده ۳۷۲ - اگر فروش مال ممکن نشده و یا آماز اجازه فروش رجوع کرده و مال التجاره را بیش از حد متعارف نزد حق العمل کاریگذار حق العمل کار می تواند آنرا بانظارت مدعی العموم بدایت محل یا نماینده او بطریق مزایده به فروش برساند. اگر آمر در محل نبوده و در آنجا نماینده نیز نداشته باشد فروش بدون حضور او یا نماینده او بعمل خواهد آمد ولی در هر حال قبل بایده او اخطاریه رسمی ارسال گردد مگر اینکه اموال از جمله اموال سریع الفساد باشد./

ماده ۳۷۳ - اگر حق العمل کار مأمور به خرید یا فروش مال التجاره یا اسناد تجارته یا سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بورسی یا بازاری دارد می تواند چیزی را که مأمور به خرید آن بوده خود شخصاً به عنوان فروشنده تسلیم بکند و یا چیزی را که مأمور به فروش آن بوده شخصاً بعنوان خریدار نگاهدارد مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد./

ماده ۳۷۴ - در مورد ماده فوق حق العمل کار باید قیمت را بر طبق مظنه بورسی یا نرخ بازار در روزی که وکالت خود را انجام می دهد منظور در ادو حق خواهد داشت که هم حق العمل و هم مخارج عادیه حق العمل کاری را برداشت کند./

ماده ۳۷۵ - در هر موردی که حق العمل کار شخصاً می تواند خریداری یا فروشنده واقع شود اگر انجام معامله را به آمر بدون تعیین طرف معامله اطلاع دهد خود طرف معامله محسوب خواهد شد./

ماده ۳۷۶ - اگر آمر از امر خود رجوع کرده و حق العمل کار قبل از ارسال خبر معامله از این رجوع مستحضر گردد دیگر نمی تواند شخصاً خریداری یا فروشنده واقع شود./

باب هشتم/

قرارداد حمل و نقل/

ماده ۳۷۷ - متصدی حمل و نقل کسی است که در مقابل اجرت حمل اشیا را به عهده می گیرد./

ماده ۳۷۸ - قرارداد حمل و نقل تابع مقررات وکالت خواهد بود مگر در مواردی که ذیلاً استثنا شده باشد/

ماده ۳۷۹ - ارسال کننده باید نکات ذیل را به اطلاع متصدی حمل و نقل برساند - آدرس صحیح مرسل الیه ، محل تسلیم مال ، عده عدل ، پابسته و طرز عدل بندی ، وزن و محتوی عدلها ، مدتی که مال باید در آن مدت تسلیم شود راهی را که حمل باید از آن راجع آید ، قیمت اشیا که گرانهاست خسارات ناشیه از عدم تعیین نکات فوق و یا از تعیین آنها به غلط متوجه ارسال کننده خواهد بود./

ماده ۳۸۰ - ارسال کننده باید مواظبت نماید که مال التجاره طرز مناسبی عدل بندی شود. خسارات بحری (آواری) ناشی از عیوب عدل بندی بعهد ارسال کننده است./

ماده ۳۸۱ - اگر عدل بندی عیب ظاهری داشته و متصدی حمل و نقل مال را بدون قید عدم مسئولیت قبول کرده باشد مسئول آواری خواهد بود./

ماده ۳۸۲ - ارسال کننده می تواند مادم که مال التجاره درید متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجی که متصدی حمل و نقل کرده و خسارات او پس بگیرد./

ماده ۳۸۳ - در موارد ذیل ارسال کننده نمی تواند از حق استرداد مذکور در ماده ۳۸۲ استفاده کند :/

۱ - در صورتی که بارنامه ای توسط ارسال کننده تهیه و به وسیله متصدی حمل و نقل به مرسل الیه تسلیم شده باشد./

۲ - در صورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده و ارسال - کننده نتواند آن را پس دهد./

۳ - در صورتی که متصدی حمل و نقل به مرسل الیه اعلام کرده باشد که مال التجاره به مقصد رسیده و باید آنرا تحویل گیرد./

۴ - در صورتی که پس از وصول مال التجاره به مقصد مرسل الیه تسلیم آن را تقاضا کرده باشد./

در این موارد متصدی حمل و نقل باید مطابق دستور مرسل الیه عمل کند. معذالک اگر متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده مادم که مال التجاره به مقصد ترسیده مکلف به رعایت دستور مرسل الیه نخواهد بود مگر اینکه رسید به مرسل الیه تسلیم شده باشد./

ماده ۳۸۴ - اگر مرسل الیه مال التجاره را قبول نکند و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره تادیه نشود و یا به مرسل الیه دسترسی نباشد متصدی حمل و نقل باید مراتب را به اطلاع ارسال کننده رسانیده و مال التجاره را موقتاً نزد خود بطور امانت نگاه داشته و یا نزد هر تالی امانت گذارد و در هر دو صورت مخارج و هرنقص و عیب بعهد ارسال کننده خواهد بود. اگر ارسال کننده و یا مرسل الیه در مدت مناسبی تکلیف مال التجاره را معین نکند متصدی حمل و نقل می تواند مطابق ماده ۳۶۲ آن را بفروش برساند./

حتی المقدور ارسال کننده و مرسل الیه را باید از اینکه مال التجاره بفروش خواهد رسید مسبق نمود./

ماده ۳۸۶ - اگر مال التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده یا مرسل الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده اند و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی توانست از آن جلوگیری نماید. قرارداد طرفین می تواند برای میزان خسارت مبلغی کمتری یا بیشتر از قیمت کامل مال التجاره معین نماید./

ماده ۳۸۷ - در مورد خسارات ناشیه از تاخیر تسلیم یا نقص یا خسارات بحری (آواری) مال التجاره نیز متصدی حمل و نقل در حدود ماده فوق مسئول خواهد بود./

خسارات مزبور نمی تواند خساراتی که ممکن بود در صورت تلف شدن تمام مال التجاره حکم به آن شود تجاوز نماید مگر اینکه قرارداد طرفین خلاف این ترتیب را مقرر داشته باشد./

ماده ۳۸۸ - متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده دیگری را مأمور کرده باشد./

بدیهی است که در صورت اخیر حق رجوع او به متصدی حمل و نقلی که از جانب او مأمور شده محفوظ است./

ماده ۳۸۹ - متصدی حمل و نقل باید به محض وصول مال التجاره مرسل الیه را مستحضر نماید./

ماده ۳۹۰ - اگر مرسل الیه میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره مطالبه می نماید قبول نکند حق تقاضای تسلیم مال التجاره را نخواهد داشت مگر اینکه مبلغ متنازع فیه را تا ختم اختلاف در صندوق عدلیه امانت گذارد./

ماده ۳۹۱ - اگر مال التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تادیه شود دیگر بر علیه متصدی حمل و نقل دعوی پذیرفته نخواهد شد مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده بعلاوه متصدی حمل و نقل مسئول آواری غیر ظاهر نیز خواهد بود در صورتی که مرسل الیه آن آواری را در مدتی که مطابق اوضاع و احوال رسیدگی مال التجاره ممکن بود بعمل آید و بایستی بعمل آمده باشد مشاهده کرده و فوراً پس از مشاهده به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد. در هر حال این اطلاع بایست متنها تا هشت روز بعد از تحویل گرفتن مال التجاره داده شود.

ماده ۳۹۲ - در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و مرسل الیه اختلاف باشد محکمه صلاحیت دار محل می تواند به تقاضای یکی از طرفین امر دهد مال التجاره نزد ثالثی امانت گذارده شده و یا لدی الاقتضا فروخته شود. در صورت اخیر فروش بایست پس از تنظیم صورت مجلسی حاکی از آنکه مال التجاره در چه حال بوده بعمل آید.

بوسیله پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بابت مال التجاره ادعای شود و بایست در آن به صندوق عدلیه از فروش مال التجاره می توان جلوگیری کرد.

ماده ۳۹۳ - نسبت به دعوی خسارت بر علیه متصدی حمل و نقل مدت مرور زمان یک سال است. میدا این مدت در صورت تلف یا گم شدن مال التجاره و یا تاخیر در تسلیم روزی است که تسلیم بایستی در آن روز بعمل آمده باشد و در صورت خسارات بحری (آواری) روزی که مال به مرسل الیه تسلیم شده.

ماده ۳۹۴ - حمل و نقل بوسیله پست تابع مقررات این باب نیست.

باب نهم/

قائم مقام تجارتي وسایر نمایندگان تجارتي/

ماده ۳۹۵ - قائم مقام تجارتي کسی است که رئیس تجارتخانه او برای انجام کلیه امور مربوطه به تجارت خانه بایستی از شعب آن نایب خود قرار داده و امضای او برای تجارتخانه الزام آور است. سمت مزبور ممکن است کتبا داده شود یا عملاً.

ماده ۳۹۶ - تجدید اختیارات قائم مقام تجارتي در مقابل اشخاصی که از آن اطلاع نداشته اند معتبر نیست.

ماده ۳۹۷ - قائم مقامی تجارتي ممکن است به چند نفر مجتمعا داده شود یا قید اینک که تا تمام امضا نکنند تجارتخانه ملزم نخواهد شد ولی در مقابل اشخاص ثالثی که از این قید اطلاع نداشته اند فقط در صورتی می توان از آن استفاده کرد که این قید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شده باشد.

ماده ۳۹۸ - قائم مقام تجارتي بدون اذن رئیس تجارتخانه نمی تواند کسی را در کلیه کارهای تجارت خانه نایب خود قرار دهد.

ماده ۳۹۹ - عزل قائم مقام تجارتي که وکالت او به ثبت رسیده و اعلان شده باید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شود و الا در مقابل ثالثی که از عزل مطلع نبوده وکالت باقی محسوب می شود.

ماده ۴۰۰ - بافوت یا حجر رئیس تجارتخانه قائم مقام تجارتي منعزل نیست با انحلال شرکت قائم مقام تجارتي منعزل است.

ماده ۴۰۱ - وکالت سایر کسانی که در قسمتی از امور تجارت خانه یا شعبه تجارتخانه سمت نمایندگی دارند تابع مقررات عمومی راجع به وکالت است.

باب دهم/

ضمانت/

ماده ۴۰۲ - ضامن وقتی حق دارد از مضمون له تقاضا نماید که بدو بده مدیون اصلی رجوع کرده و در صورت عدم وصول طلب به او رجوع نماید که بین طرفین (خواه ضمن قرارداد مخصوص خواه در خود ضمانت نامه) این ترتیب مقرر شده باشد.

ماده ۴۰۳ - در کلیه مواردی که بموجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمانت تضامنی باشد طلبکار می تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعا رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید.

ماده ۴۰۴ - حکم فوق در موردی نیز جاری است که چند نفر به موجب قرارداد یا قانون متضامنا مسئول انجام تعهدی باشند.

ماده ۴۰۵ - قبل از رسیدن اجل دین اصلی ضامن ملزم به تادیه نیست و لو این که بواسطه ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین موجب احوال شده باشد.

ماده ۴۰۶ - ضامن حال از قاعده فوق مستثنی است.

ماده ۴۰۷ - اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط به اخطار قبلی است این اخطار نسبت به ضامن نیز باید بعمل آید.

ماده ۴۰۸ - همین که دین اصلی به نحوی از انحنا ساقط شد ضامن نیز بری می شود.

ماده ۴۰۹ - همین که دین حال شد ضامن می تواند مضمون له را به دریافت طلب یا انصراف از ضامن ملزم کند و لو ضامن موجب باشد.

ماده ۴۱۰ - استنکاف مضمون له از دریافت طلب یا امتناع از تسلیم وثیقه اگر دین با وثیقه بوده ضامن را فوراً و بخودی خود بری خواهد ساخت.

ماده ۴۱۱ - پس از آنکه ضامن دین اصلی را پرداخت مضمون له باید تمام اسناد و مدارکی را که برای رجوع ضامن به مضمون عنه لازم و مفید است به او داده و اگر دین اصلی با وثیقه باشد آن را به ضامن تسلیم نماید ، اگر دین اصلی وثیقه غیر منقول داشته مضمون عنه مکلف به انجام تشریفات است که برای انتقال وثیقه به ضامن لازم است.

باب یازدهم - در ورشکستگی/

فصل اول در کلیات/

به قانون تصفیه امور ورشکستگی که بعداً تصویب شده مراجعه شود/

ماده ۴۱۲ - ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتي در نتیجه توقف از تادیه وجوهی که بر عهده او است حاصل می شود. حکم ورشکستگی تاجر یا شرکت تجارتي را که حین الفوت در حال توقف بوده تا یک سال بعد از مرگ او نیز می توان صادر نمود.

فصل دوم/

در اعلان ورشکستگی و اثرات آن /

ماده ۱۳ - ۴ - تاجر باید در ظرف ۳ روز از تاریخ وقفه که در تادیه قروض یا سایر تعهدات نقدی احواصل شده است توقف خود را به دفتر محکمه بدایت محل اقامت خود اظهار نموده صورت حساب دارائی و کلیه دفاتر تجاری خود را به دفتر محکمه مزبور تسلیم نماید. /

ماده ۱۴ - ۴ - صورت حساب مذکور در ماده فوق باید مورخ بوده و به امضا تاجر رسیده و متضمن مراتب ذیل باشد - /

۱ - تعداد و تقویم کلیه اموال منقول و غیر منقول تاجر متوقف بطور مشروح. /

۲ - صورت کلیه قروض و مطالبات. /

۳ - صورت نفع و ضرر و صورت مخارج شخصی. /

در صورت توقف شرکتهای تضامنی ، مختلط یا نسبی اسامی و محل اقامت کلیه شرکازمان نیز باید ضمیمه شود. /

ماده ۱۵ - ۴ - ورشکستگی تاجر بحکم محکمه بدایت در موارد ذیل اعلام می شود - /

الف - بر حسب اظهار خود تاجر. /

ب - بموجب نقضای یک یا چند نفر از طلبکارها. /

ج - بر حسب تقاضای مدعی العموم. /

ماده ۱۶ - ۴ - محکمه باید در حکم خود تاریخ توقف تاجر را معین نماید و اگر در حکم معین نشد تاریخ توقف محسوب است. /

ماده ۱۷ - ۴ - حکم ورشکستگی بطور موقت اجرامی شود. /

ماده ۱۸ - ۴ - تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن موثر در تادیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دار بجای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کند. /

ماده ۱۹ - ۴ - از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس نسبت به تاجر ورشکسته دعوائی از منقول یا غیر منقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا بفریت او تعقیب کند ، کلیه اقدامات اجرائی نیز مشمول همین دستور خواهد بود. /

ماده ۲۰ - ۴ - محکمه هر وقت صلاح بداند می تواند در تاجر ورشکسته رابه عنوان شخص ثالث در دعوی مطروحه اجازه دهد. /

ماده ۲۱ - ۴ - همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض موجب تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت قروض حال مبدل می شود. /

ماده ۲۲ - ۴ - هرگاه تاجر ورشکسته فته طلبی داده یا براتی صادر کرده که قبول نشده یا براتی را قبولی نوشته سایر اشخاصی که مسئول تادیه وجه فته طلب یا برات می باشند باید باری عایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت وجه آن را تقدیر از نیت تادیه آن را در سر وعده تامین نمایند. /

ماده ۲۳ - ۴ - هرگاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلا اثر خواهد بود - /

۱ - هر صلح محاباتی یا هبه و بطور کلی هر نقل و انتقال بلا عوض اعم از این که راجع به منقول یا غیر منقول باشد. /

۲ - تادیه هر قرض اعم از حال یا موجدل به وسیله که بعمل آمده باشد. /

۳ - هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مقید نماید و بضرر طلبکاران تمام شود. /

ماده ۲۴ - ۴ - هرگاه در نتیجه اقامه دعوی از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری بر اشخاصی که با تاجر طرف معامله بوده یا بر قائم مقام قانونی آنها ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار به طلبکارها معامله نموده که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله بوده است آن معامله قابل فسخ است مگر اینکه طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را بپردازد دعوی فسخ در ظرف دو سال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته می شود. /

ماده ۲۵ - ۴ - هرگاه محکمه بموجب ماده قبل حکم فسخ معامله را صادر نماید محکوم علیه باید پس از قطعی شدن حکم مالی را که موضوع معامله بوده است عینا به مدیر تصفیه تسلیم و قیمت حین معامله آن را قبل از آنکه دارائی تاجر به غرامت تقسیم شود دریافت دارد و اگر عین مال مزبور در تصرف او نباشد تفاوت قیمت را خواهد داد. /

ماده ۲۶ - ۴ - اگر در محکمه ثابت شود که معامله بطور صوری یا مسیوق به تبانی بوده است آن معامله خود بخود باطل و عین و متافع مالی که موضوع معامله بوده مسترد و طرف معامله اگر طلبکار شود جز و غیر ماحصه خواهد بود. /

فصل سوم /

در تعیین عضو ناظر /

ماده ۲۷ - ۴ - در حکمی که بموجب آن ورشکستگی تاجر اعلام می شود محکمه یک نفر را به سمت عضو ناظر معین خواهد کرد. /

ماده ۲۸ - ۴ - عضو ناظر مکلف به نظارت در اداره امور راجعه به ورشکستگی و سرعت جریان آنست. /

ماده ۲۹ - ۴ - تمام منازعات ناشیه از ورشکستگی راکه حل آن از صلاحیت محکمه است عضو ناظر به محکمه راپورت خواهد داد. /

ماده ۳۰ - ۴ - شکایت از تصمیمات عضو ناظر فقط در مواردی ممکن است که این قانون معین نموده. /

ماده ۳۱ - ۴ - مرجع شکایت محکمه است که عضو ناظر است را معین کرده. /

ماده ۳۲ - ۴ - محکمه همیشه می تواند عضو ناظر را تبدیل و دیگری را بجای او بگمارد. /

فصل چهارم /

در اقدام بمرموم و سایر اقدامات اولیه نسبت بورشکسته /

ماده ۴۳۳ - محکمه در حکم ورشکستگی امریه مهر و موم را نیز می‌دهد. /

ماده ۴۳۴ - مهر و موم باید فوراً به توسط عضو ناظر بعمل آید مگر در صورتی که بعقیده عضو مزبور برداشتن صورت دارائی تاجر در یک روز ممکن باشد در این صورت باید فوراً شروع به برداشتن صورت شود. /

ماده ۴۳۵ - اگر تاجر ورشکسته به مفاد ماده ۱۳ و ۱۴ عمل نکرده باشد محکمه در حکم ورشکستگی قرار توقیف تاجر را خواهد داد. /

ماده ۴۳۶ - قرار توقیف ورشکسته در مواقعی نیز داده خواهد شد که معلوم گردد بواسطه اقدامات خود از اداره و تسویه شدن عمل ورشکستگی می خواهد جلوگیری کند. /

ماده ۴۳۷ - در صورتی که تاجر مقروض قرار کرده یا تمام یا قسمتی از دارائی خود را مخفی نموده باشد امین صلح می تواند بر حسب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران فوراً اقدام به مهر و موم نماید و باید بلافاصله این اقدام خود را به مدعی العموم اطلاع دهد. /

ماده ۴۳۸ - انبار ها و حجره ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتجات و اسباب و اثاثیه تاجر تا خانه و منزل تاجر باید مهر و موم شود. /

ماده ۴۳۹ - در صورت ورشکستگی شرکت های تضامنی مختلط یا نسبی اموال شخصی شرکا ضامن مهر و موم نخواهد شد مگر اینکه حکم ورشکستگی آنها نیز در ضمن حکم ورشکستگی شرکت یا بموجب حکم جداگانه صادر شده باشد. /

تبصره - در مورد این ماده و ماده فوق مستثنیات دین از مهر و موم معاف است. /

فصل پنجم /

در مدیریت تصفیه /

ماده ۴۴۰ - محکمه در ضمن حکم ورشکستگی یا متعهد ظرف پنج روز پس از صدور حکم یک نفر را به سمت مدیریت تصفیه معین می کند. /

ماده ۴۴۱ - اقدامات مدیریت تصفیه برای تهیه صورت طلبکاران و اخطار به آنها و مدتی که در آن مدت طلبکاران باید خود را معرفی نمایند و بطور کلی وظایف مدیریت تصفیه علاوه بر آن قسمتی که بموجب این قانون معین شده بر طبق نظامنامه ای که طرف وزارت عدلیه تنظیم می شود معین خواهد شد. /

ماده ۴۴۲ - میزان حق الزحمه مدیریت تصفیه را محکمه در حدود مقررات وزارت عدلیه معین خواهد کرد. /

فصل ششم در وظایف مدیریت تصفیه /

مبحث اول در کلیات /

ماده ۴۴۳ - اگر مهر و موم قبل از تعیین مدیریت تصفیه بعمل نیامده باشد مدیر مزبور تقاضای انجام آن را خواهد نمود. /

ماده ۴۴۴ - عضو ناظر به تقاضای مدیریت تصفیه به او اجازه می دهد که اشیا ذیل را از مهر و موم مستثنی کرده و اگر مهر و موم شده است از توقیف خارج نماید. /

۱ - البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوائج ضروری تاجر ورشکسته و خانواده او لازم است. /

۲ - اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شود یا کسر قیمت حاصل نماید. /

۳ - اشیائی که برای بکار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته و استفاده از آن لازم است در صورتی که توقیف آنها موجب خسارت ارباب طلب باشد. اشیا مذکور در فقره ثانیه و ثالثه باید فوراً تقویم و صورت آن برداشته شود. /

ماده ۴۴۵ - فروش اشیائی که ممکن است قریباً ضایع شده یا کسر قیمت حاصل کند و اشیائی که نگاهداشتن آنها مفید نیست و همچنین بکار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته با اجازه عضو ناظر به توسط مدیریت تصفیه بعمل می آید. /

ماده ۴۴۶ - دفتر دار محکمه دفاتر تاجر ورشکسته را به اتفاق عضو ناظر یا امین صلحی که آنها را مهر و موم نموده است از توقیف خارج کرده پس از آنکه ذیل دفاتر را بست آنها را به مدیریت تصفیه تسلیم می نماید. /

دفتر دار باید در صورت مجلس کیفیت دفاتر را بطور خلاصه قید کند ، اوراق هم که وعده آنها نزدیک است یا باید قبولی آنها نوشته شود و یا نسبت به آنها باید اقدامات تأمینیه بعمل آید از توقیف خارج شده در صورت مجلس ذکر و به مدیریت تصفیه تحویل می شود تا وجه آن را وصول نماید و فهرستی که از مدیریت تصفیه گرفته می شود به عضو ناظر تسلیم می گردد ، سایر مطالبات را مدیریت تصفیه در مقابل قبضی که می دهد وصول می نماید مگر اسلانی که به اسم تاجر ورشکسته می رسد به مدیریت تصفیه تسلیم و به توسط او باز می شود و اگر خود ورشکسته حاضر باشد در باز کردن مراسلات می تواند شرکت کند. /

ماده ۴۴۷ - تاجر ورشکسته در صورتی که وسیله دیگری برای اعاشه نداشته باشد می تواند نفقه خود و خانواده اش را از دارائی خود درخواست کند. در این صورت عضو ناظر نفقه و مقدار آن را با تصویب محکمه معین می نماید. /

ماده ۴۴۸ - مدیریت تصفیه تاجر ورشکسته را برای بستن دفاتر احضار می نماید برای حضور او و متتهاچهل و هشت ساعت مهلت داده می شود در صورتی که تاجر حاضر نشد یا حضور عضو ناظر اقدام بعمل خواهد آمد ، تاجر ورشکسته می تواند در موقع کلیه عملیات تأمینیه حاضر باشد. /

ماده ۴۴۹ - در صورتی که تاجر ورشکسته صورت دارائی خود را تسلیم نموده باشد مدیریت تصفیه آن را فوراً بوسیله دفاتر و اسناد شمار الیه و سایر اطلاعاتی که تحصیل می نماید تنظیم می کند. /

ماده ۴۵۰ - عضو ناظر مجاز است که راجع به تنظیم صورت دارائی و نسبت به اوضاع و احوال ورشکستگی از تاجر ورشکسته و شاگرد ها و مستخدمین او و همچنین از اشخاص دیگر توضیحات بخواهد و باید از تحقیقات مذکوره صورت مجلس ترتیب دهد. /

مبحث دوم /

در رفع توقیف و ترتیب صورت دارائی /

ماده ۴۵۱ - مدیریت تصفیه پس از تقاضای رفع توقیف شروع به تنظیم صورت دارائی و تاجر ورشکسته را هم در این موقع احضار می کند ولی عدم حضور او مانع از عمل نیست. /

ماده ۴۵۲ - مدیریت تصفیه به تدریجی که رفع توقیف می شود صورت دارائی را در دو نسخه تهیه می نماید. /

یکی از نسخه ها به دفتر محکمه تسلیم شده و دیگری در نزد او می ماند. /

ماده ۴۵۳ - مدیر تصفیه می تواند برای تهیه صورت دارائی و تقویم اموال از اشخاصی که لازم بدانداستمداد کند صورت اشبائاتی که موافق ماده ۴۴۴ در تحت توقیف نیامده ولی قبلاً تقویم شده است ضمیمه صورت دارائی خواهد شد.

ماده ۴۵۴ - مدیر تصفیه باید در ظرف پانزده روز از تاریخ ماموریت خود صورت خلاصه از وضعیت ورشکستگی و همچنین از علل و اوضاعی که موجب آن شده و نوع ورشکستگی که ظاهر بنظر می آید ترتیب داده بعضو ناظر بدهد ، عضو ناظر صورت مزبور را فوراً به مدعی العموم ابتدائی محل تسلیم می نماید.

ماده ۴۵۵ - صاحب منصبان پارکه می توانند فقط بعنوان نظارت بمنزل تاجر ورشکسته رفته و در حین برداشتن صورت دارائی حضور بهم رسانند مامورین پارکه در هر موقع حق دارند بدفاتر و اسناد و نوشتجات مربوط به ورشکستگی مراجعه کنند این مراجعه نباید باعث تعطیل جریان امر باشد.

مبحث سوم /

در فروش اموال و وصول مطالبات /

ماده ۴۵۶ - پس از تهیه شدن صورت دارائی تمام مال التجاره و وجه نقد و اسناد طلب و دفاتر و نوشتجات و اثاثیه (بغیر از مستثنیات دین) و اشیا تاجر ورشکسته به مدیر تصفیه تسلیم میشود.

ماده ۴۵۷ - مدیر تصفیه بانظارت عضو ناظر به وصول مطالبات مداومت می نماید و همچنین می تواند با اجازه مدعی العموم و نظارت عضو ناظر به فروش اثاث البیت و مال التجاره تاجر مباشرت نماید لیکن قبلاً باید اظهارات تاجر ورشکسته را استماع یا اقل مشار الیه را برای دادن توضیحات احضار کند ترتیب فروش بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد.

ماده ۴۵۸ - نسبت به تمام دعاوی که هیئت طلبکار هادر آن ذینفع می باشند مدیر تصفیه با اجازه عضو ناظر می تواند دعوی رابه صلح خاتمه دهد اگر چه دعاوی مزبوره راجع به اموال غیر منقول باشد و در این مورد تاجر ورشکسته باید احضار شده باشد.

ماده ۴۵۹ - اگر موضوع صلح قابل تقویم نبوده یا بیش از پنج هزار ریال باشد صلح لازم الاجرا نخواهد بود مگر اینکه محکمه آن صلح را تصدیق نماید در موقع تصدیق صلح نامه تاجر ورشکسته احضار می شود و در هر صورت مشار الیه حق دارد که به صلح اعتراض کند ، اعتراض ورشکسته در صورتی که صلح راجع به اموال غیر منقول باشد برای جلوگیری از صلح کافی خواهد بود تا محکمه تکلیف صلح را معین نماید.

ماده ۴۶۰ - وجوهی که به توسط مدیر تصفیه دریافت می شود باید فوراً به صندوق عدلیه محل تسلیم گردد. صندوق مزبور حساب مخصوصی برای عمل ورشکسته اعم از عایدات و مخارج بازمی کند و وجوه مزبور از صندوق مسترد نمی گردد مگر به حواله عضو ناظر و تصدیق مدیر تصفیه.

مبحث چهارم /

در اقدامات تامینیه /

ماده ۴۶۱ - مدیر تصفیه مکلف است از روز شروع به ماموریت اقدامات تامینیه برای حفظ حقوق تاجر ورشکسته نسبت به مدیونین او بعمل آورد.

مبحث پنجم /

در تشخیص مطالبات طلبکارها /

ماده ۴۶۲ - پس از صدور حکم ورشکستگی طلبکارها مکلفند در مدتی که به موجب اخطار مدیر تصفیه در حدود نظامنامه وزارت عدلیه معین شده ، اسناد طلب خود یا سواد مصدق آن رابه انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می نماید به دفتر دار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند.

ماده ۴۶۳ - تشخیص مطالبات طلبکارها در ظرف سه روز از تاریخ انقضای مهلت مذکور در ماده قبل شروع شده بدون وقفه در محل روز و ساعاتی که از طرف عضو ناظر معین می گردد به ترتیبی که در نظامنامه معین خواهد شد تعقیب می شود. ماده ۴۶۴ - هر طلبکاری که طلب او تشخیص یا جز صورت حساب دارائی منظور شده می تواند در حین تشخیص مطالبات سایر طلبکارها حضور بهم رسانیده و نسبت به طلبهایی که سابقاً تشخیص شده یا فعلاً در تحت رسیدگی است اعتراض نماید ، همین حق را خود تاجر ورشکسته هم خواهد داشت.

ماده ۴۶۵ - محل اقامت طلبکارها و وکلای آنها در صورت مجلس تشخیص مطالبات معین و بعلاوه توصیف مختصری از سند داده می شود و تعیین قلم خوردگی یا تراشیدگی یا الحاقات بین السطور نیز باید در صورت مجلس قید و این نکته مسلم شود که طلب مسلم یا متنازع فیه است.

ماده ۴۶۶ - عضو ناظر می تواند به نظر خود امر به ابراز دفاتر طلبکارها دهد یا از محکمه محل تقاضا نماید صورتی از دفاتر طلبکارها استخراج کرده و نزد او بفرستد.

ماده ۴۶۷ - اگر طلب مسلم و قبول شده مدیر تصفیه در روی سند عبارت ذیل را نوشته امضای نماید و عضو ناظر نیز آن را تصدیق می کند.

جز و قروض... مبلغ... قبول شده تاریخ... /

هر طلبکار باید در ظرف مدت و به ترتیبی که بموجب نظامنامه وزارت عدلیه معین می شود التزام بدهد طلبی را که اظهار کرده طلب حقیقی و بدون قصد استفاده نامشروع است.

ماده ۴۶۸ - اگر طلب متنازع فیه واقع شد عضو ناظر می تواند در حل قضیه رابه محکمه رجوع و محکمه باید فوراً از روی راپورت عضو ناظر رسیدگی نماید محکمه می تواند امر دهد که با حضور عضو ناظر تحقیق در امر بعمل آید و اشخاصی را که می توانند راجع به این طلب اطلاعاتی دهند عضو ناظر احضار یا از آنها کسب اطلاع کند.

ماده ۴۶۹ - در موقعی که اختلاف راجع به تشخیص طلبی به محکمه رجوع شده و قضیه طوری باشد که محکمه نتواند در ظرف پانزده روز حکم صادر کند باید بر حسب اوضاع امر دهده که انعقاد مجلس هیئت طلبکارها برای ترتیب قرارداد ارفاقی به تاخیر افتد و یا اینکه منتظر نتیجه رسیدگی نشده و مجلس مزبور منعقد شود. ماده ۴۷۰ - محکمه می تواند در صورت تصمیم به انعقاد مجلس قرارداد دهده که صاحب طلب متنازع فیه معادل مبلغی که محکمه در قرار مزبور معین می کند موقتاً طلبکار شناخته شده در مذاکرات هیئت طلبکارها برای مبلغ مذکور شرکت نماید.

ماده ۴۷۱ - در صورتی که طلبی مورد تعقیب جزائی واقع شده باشد محکمه می تواند قرار تاخیر مجلس را بدهد ولی اگر تصمیم به عدم تاخیر مجلس نمود نمی تواند صاحب آن طلب را موقتاً جز و طلبکاران قبول نماید و مادام که محاکم صالحه حکم خود را نداده اند طلبکار مزبور نمی تواند بهیچ وجه در عملیات راجعه به ورشکستگی شرکت کند.

ماده ۴۷۲ - پس از انقضای مهلت های معین در مواد ۴۶۷ و ۴۶۲ به ترتیب قراردادارفاقی و به سایر عملیات راجعه به ورشکستگی مداومت می شود.

ماده ۴۷۳ - طلبکارهائی که در مواعید معینه حاضر نشده و مطابق ماده ۴۶۲ عمل نکرده نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که راجع به تقسیم وجوه قبل از آمدن آنها بعمل آمده حق هیچگونه اعتراضی ندارند ولی در تقسیماتی که ممکن است بعد به عمل آید جز غیر محاسب می شود بدون اینکه حق داشته باشند حصه را که در تقسیمات سابق به آنها تعلق می گرفت از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه نمایند.

ماده ۴۷۴ - اگر اشخاصی نسبت به اموال متصرفی تاجر ورشکسته دعوی خیراتی دارند و صرف نظر از آن نمی کنند باید آن را در حین تصفیه عمل ورشکستگی ثابت نمود و بموقع اجرا گذارند.

ماده ۴۷۵ - حکم فوق درباره دعوی خیراتی نیز مجری خواهد بود که تاجر ورشکسته نسبت به اموال متصرفی خود یا دیگران دارم مشروط بر اینکه ضرر طلبکار هان باشد.

فصل هفتم

در قراردادارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته

مبحث اول

در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها

ماده ۴۷۶ - عضو ناظر در ظرف هشت روز از تاریخ موعدی که بموجب نظامنامه مذکور در ماده ۴۶۷ معین شده به توسط دفتر دارم محکمه کلیه طلبکارهائی را که طلب آنها تشخیص و تصدیق یا موقتاً قبول شده است برای مشاوره در انعقاد قراردادارفاقی دعوت می نماید ، موضوع دعوت مجمع طلبکارها در رقععه های دعوت و اعلانات مندرجه در جراید باید تصریح شود.

ماده ۴۷۷ - مجمع عمومی مزبور در محل و روز وساعتی که از طرف عضو ناظر معین شده است در تحت ریاست مشارالیه منعقد می شود. طلبکارهائی که طلب آنها موقتاً قبول گردیده یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر می شوند تاجر ورشکسته نیز به این مجمع احضار می شود مشارالیه باید شخصاً حاضر گردد و فقط وقتی می تواند اعزام وکیل نماید که عذر موجه داشته و صحت آن به تصدیق عضو ناظر رسیده باشد.

ماده ۴۷۸ - مدیر تصفیه به مجمع طلبکارها راپورتی از وضعیت ورشکستگی و اقداماتی که بعمل آمده و عملیاتی که با استحضار تاجر ورشکسته شده است می دهد راپورت مزبور به امضا مدیر تصفیه رسیده به عضو ناظر تقدیم می شود و عضو ناظر باید از کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع طلبکارها بصورت مجلس ترتیب دهد.

مبحث دوم در قراردادارفاقی

فقره اول در ترتیب قراردادارفاقی

ماده ۴۷۹ - قراردادارفاقی بین تاجر ورشکسته و طلبکارهای او منعقد نمی شود مگر پس از اجرای مراسمی که در فوق مقرر شده است.

ماده ۴۸۰ - قراردادارفاقی فقط وقتی منعقد می شود که لاقول نصف بعلاوه یک نفر از طلبکارها با داشتن لاقول سه ربع از کلیه مطالباتی که مطابق مبحث پنجم از فصل ششم تشخیص و تصدیق شده یا موقتاً قبول گشته است در آن قرارداد شرکت نموده باشند و الا بلا اثر خواهد بود.

ماده ۴۸۱ - هرگاه در مجلس قراردادارفاقی اکثریت طلبکارها عدا حاضر شوند ولی از حیث مبلغ دارای سه ربع از مطالبات نباشند یا آنکه دارای سه ربع از مطالبات باشند ولی اکثریت عددی را حائز نباشند نتیجه حاصله از آن مجلس معلق و قرار انعقاد مجلس ثانی برای یک هفته بعد داده می شود.

ماده ۴۸۲ - طلبکارهائی که در مجلس اول خود یا وکیل ثابت الوکاله آنها حاضر بوده و بصورت مجلس را امضا نموده اند مجبور نیستند در مجلس ثانی حاضر شوند مگر آنکه بخواهند در تصمیم خود تغییری دهند ولی اگر حاضر نشدند تصمیمات سابق آنها به اعتبار خود باقی است ، اگر در جلسه ثانی اکثریت عددی و مبلغی مطابق ماده ۴۸۰ تکمیل شود قراردادارفاقی قطعی خواهد بود.

ماده ۴۸۳ - اگر تاجر بعنوان ورشکسته به تقلب محکوم شده باشد قراردادارفاقی منعقد نمی شود در موقعی که تاجر بعنوان ورشکسته به تقلب تعقیب می شود لایزم است طلبکارها دعوت شوند و معلوم کنند که آیا با احتمال حصول برائت تاجر و انعقاد قراردادارفاقی تصمیم خود را در امر مشارالیه به زمان حصول نتیجه رسیدگی به تقلب موکول خواهند کرد یا تصمیم فوری خواهند گرفت اگر بخواهند تصمیم را موکول به زمان بعد نمایند باید طلبکارهای حاضر از حیث عده و مبلغ اکثریت معین در ماده ۴۸۰ را حائز باشند چنانچه در انقضای مدت و حصول نتیجه رسیدگی به تقلب بنای انعقاد قراردادارفاقی شود قواعدی که به موجب مواد قبل مقرر است در این موقع نیز باید معمول گردد.

ماده ۴۸۴ - اگر تاجر بعنوان ورشکستگی به تقصیر محکوم شود انعقاد قراردادارفاقی ممکن است لیکن در صورتی که تعقیب تاجر شروع شده باشد طلبکارهای او نتوانند حصول نتیجه تعقیب و بارعایت مقررات ماده قبل تصمیم در قراردادارابه تاخیر بیاورند.

ماده ۴۸۵ - کلیه طلبکارها که حق شرکت در انعقاد قراردادارفاقی داشته اند می توانند راجع به قرارداد اعتراض کنند ، اعتراض باید موجه بوده و در ظرف یک هفته از تاریخ قرارداد به مدیر تصفیه و خود تاجر ورشکسته ابلاغ شود و الا از درجه اعتبار ساقط خواهد بود مدیر تصفیه و تاجر ورشکسته به اولین جلسه محکمه که بعمل ورشکستگی رسیدگی می کند احضار می شوند.

ماده ۴۸۶ - قراردادارفاقی باید به تصدیق محکمه برسد و هر یک از طرفین قرارداد می توانند تصدیق آن را از محکمه تقاضا نمایند محکمه نمی تواند قبل از انقضای مدت یک هفته مذکور در ماده قبل تصمیمی راجع به تصدیق اتخاذ نماید هرگاه در ظرف این مدت از طرف طلبکارهائی که حق اعتراض دارند اعتراضاتی بعمل آمده باشد محکمه باید در موضوع اعتراضات و تصدیق قراردادارفاقی حکم واحد صادر کند اگر اعتراضات تصدیق شود نسبت به تمام اشخاص ذینفع بلا اثر می شود.

ماده ۴۸۷ - قبل از آنکه محکمه در باب تصدیق قرارداداری دهد عضو ناظر باید راپورتی که متضمن کیفیت ورشکستگی و امکان قبول قرارداد باشد به محکمه تقدیم نماید.

ماده ۴۸۸ - در صورت عدم رعایت قواعد مقرر محکمه از تصدیق قراردادارفاقی امتناع خواهد نمود.

فقره دوم

در اثرات قراردادارفاقی

ماده ۴۸۹ - همین که قرارداد ارفاقی تصدیق شد نسبت به طلبکارهایی که در اکثریت بوده اند یا در ظرف ده روز از تاریخ تصدیق آن را امضا نموده اند قطعی خواهد بود ولی طلبکارهایی که جزو اکثریت نبوده و قرارداد را هم امضا نکرده اند می توانند سهم خود را موافق آنچه از دارائی تاجر به طلب کارها می رسد دریافت نمایند لیکن حق ندارد در آتی از دارائی تاجر ورشکسته بقیه طلب خود را مطالبه کنند مگر پس از تادیه تمام طلب کسانی که در قرارداد ارفاقی شرکت داشته یا آن را در ظرف ده روز مزیور امضا نموده اند.

ماده ۴۹۰ - پس از تصدیق شدن قرارداد ارفاقی دعوی بطلان نسبت به آن قبول نمی شود مگر اینکه پس از تصدیق منکشف شود که در میزان دارائی یا مقدار قروض حيله بکار رفته و قدر حقیقی قلمداد نشده است.

ماده ۴۹۱ - همین که حکم محکمه راجع به تصدیق قرارداد قطعی شد مدیر تصفیه صورت حساب کاملی با حضور عضو ناظر به تاجر ورشکسته می دهد که در صورت عدم اختلاف بسته می شود.

مدیر تصفیه کلیه دفاتر و اسناد و نوشتجات و همچنین دارائی ورشکسته را به استثنای آنچه که باید به طلبکارانی که قرارداد ارفاقی را امضا نکرده اند داده شود به مشارالیه رد کرده رسید می گیرد پس از آنکه قرارداد تادیه سهم طلبکاران مذکور را ادا ماموریت مدیر تصفیه ختم می شود ، از تمام این مراتب عضو ناظر صورت مجلس تهیه می نماید و ماموریتش خاتمه می یابد.

در صورت تولید اختلاف محکمه رسیدگی کرده حکم مقتضی خواهد داد.

فقره سوم/

در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی/

ماده ۴۹۲ - در موارد ذیل قرارداد ارفاقی باطل است -

۱ - در مورد محکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب.

۲ - در مورد ماده ۴۹۰.

ماده ۴۹۳ - اگر محکمه حکم بطلان قرارداد ارفاقی را بدهد ضمانت ضامن یا ضامن ها (در صورتی که باشد) بخودی خود ملغی می شود.

ماده ۴۹۴ - اگر تاجر ورشکسته شرایط قرارداد ارفاقی را اجرا نکند. ممکن است برای فسخ قرارداد مزیور بر علیه او اقامه دعوی نمود.

ماده ۴۹۵ - در صورتی که اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را یک یا چند نفر ضمانت کرده باشند طلب کارها می توانند اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را که ضامن دارد از او بخواهند و در مورد اخیر آن قسمت از قرارداد که ضامن نداشته فسخ می شود ، در صورت تعدد ضامن مسئولیت آنها تضامنی است.

ماده ۴۹۶ - اگر تاجر ورشکسته پس از تصدیق قرارداد بعهوان ورشکستگی به تقلب تعقیب شده در تحت توقیف یا حبس در آید محکمه می تواند هر قسم وسائل تأمینیه را که مقتضی بداند اتخاذ کند ولی به محض صدور قرار منع تعقیب یا حکم تبرئه و وسائل مزبوره مرتفع می شود.

ماده ۴۹۷ - پس از صدور حکم ورشکستگی به تقلب یا حکم ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی محکمه یک عضو ناظر و یک مدیر تصفیه معین می کند.

ماده ۴۹۸ - مدیر تصفیه می تواند دارائی تاجر را توقیف و مهر و موم نماید مدیر تصفیه فوراً از روی صورت دارائی سابق اقدام به رسیدگی اسناد و نوشتجات نموده و اگر لازم باشد ممتمی برای صورت دارائی ترتیب می دهد ، مدیر تصفیه باید فوراً به وسیله اعلان در روزنامه طلبکارهای جدید را اگر باشند دعوت نماید که در ظرف یکماه اسناد مطالبات خود را برای رسیدگی ابراز کنند ، در اعلان مزیور مفاد قرارداد محکمه که بموجب آن مدیر تصفیه معین شده است باید درج شود.

ماده ۴۹۹ - بدون فوت وقت به اسنادی که مطابق ماده قبل ابراز شده رسیدگی می شود ، نسبت به مطالباتی که سابقاً تشخیص یا تصدیق شده است رسیدگی جدید بعمل نمی آید ، مطالباتی که تمام یا قسمتی از آنها بعد از تصدیق پرداخته شده است موضوع می شود.

ماده ۵۰۰ - معاملات که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ قرارداد مزیور نموده باطل نمی شود مگر در صورتی که معلوم شود به قصد اضرار بوده و به ضرر طلبکاران هم باشد.

ماده ۵۰۱ - در صورت فسخ یا ابطال قرارداد ارفاقی دارائی تاجر بین طلبکاران ارفاقی و اشخاصی که بعد از قرارداد ارفاقی طلبکار شده اند به غرماً تقسیم می شود.

ماده ۵۰۲ - اگر طلبکاران ارفاقی بعد از توقف تاجر تا زمان فسخ یا ابطال چیزی گرفته اند ماخوذی آنها از وجهی که به ترتیب غرماً به آنها می رسد کسر خواهد شد.

ماده ۵۰۳ - هرگاه تاجر ورشکست و امرش منتهی به قرارداد ارفاقی گردید و ثانیاً بدون اینکه قرارداد مزیور ابطال یا فسخ شود ورشکست شد مقررات دو ماده قبل در ورشکستگی ثانوی لازم الاجراست.

مبحث سوم/

در تفریغ حساب و ختم عمل ورشکستگی/

ماده ۵۰۴ - اگر قرارداد ارفاقی منعقد نشد مدیر تصفیه فوراً به عملیات تصفیه و تفریغ عمل ورشکستگی شروع خواهد کرد.

ماده ۵۰۵ - در صورتی که اکثریت مذکور در ماده ۴۸۰ موافقت نماید محکمه مبلغی را برای اعاشه ورشکسته در حدود مقررات ماده ۴۴۷ معین خواهد کرد.

ماده ۵۰۶ - اگر شرکت تضامنی ، مختلط یا نسبت ورشکست شود طلبکارها می توانند قرارداد ارفاقی را با شرکت یا منحصر با یک یا چند نفر از شرکا ضامن منعقد نمایند در صورت ثانی دارائی شرکت تابع مقررات این مبحث و به غرماً تقسیم می شود ولی دارائی شخصی شرکائی که با آنها قرارداد ارفاقی منعقد شده است به غرماً تقسیم نخواهد شد شریک یا شرکا ضامن که با آنها قرارداد خصوصی منعقد شده نمی تواند تعهد حصه نمایند مگر از اموال شخصی خودشان شریکی که با او قرارداد مخصوص منعقد شده از مسئولیت تضامنی مبرا است.

ماده ۵۰۷ - اگر طلبکارها بخواهند تجارت تاجر ورشکسته را ادامه دهند می توانند برای این امر وکیل یا عامل مخصوصی انتخاب نموده یا خود مدیر تصفیه این ماموریت را بدهند.

ماده ۵۰۸ - در ضمن تصمیمی که وکالت مذکور در ماده فوق مقرر می دارد باید مدت و حدود وکالت و همچنین میزان وجهی که

وکیل می تواند برای مخارج لازم پیش خودنگاهداری معین گردد ، تصمیم مذکور اتخاذ نمی شود مگر با حضور عضو ناظر و اکثریت سه ربع از طلبکارها عدد او مبلغ خود تاجر ورشکسته و همچنین طلبکارهای مخالف (بارعایت ماده ۴۷۳) می توانند نسبت به این تصمیم در محکمه اعتراض نمایند این اعتراض اجرای تصمیم رایبه تاخیر نمی اندازد./

ماده ۵۰۹ - اگر معاملات وکیل یا عاملی که تجارت ورشکسته را ادامه میدهد تعهداتی حاصل شود که بیش از حد دارایی تاجر ورشکسته است فقط طلبکارهایی که آن اجازه راداده اند شخصاعلاوه بر حصه که در دارایی مزبور دارند به نسبت طلبشان در حدود اختیاراتی که داده اند مسئول تعهدات مذکوره می باشند./

ماده ۵۱۰ - در صورتی که عمل تاجر ورشکسته منجر به تفریغ حساب شود مدیر تصفیه مکلف است تمام اموال منقول و غیر منقول تاجر ورشکسته رایبه فروش رسانیده مطالبات و دیون و حقوق او را منحل و مصالحه و وصول و تفریغ کند تمام این مراتب در تحت نظر عضو ناظر و با حضور تاجر ورشکسته بعمل می آید اگر تاجر ورشکسته از حضور استنکاف نمود استحضار مدعی العموم کافی است./

فروش اموال مطابق نظامنامه وزارت عدلیه بعمل خواهد آمد./

ماده ۵۱۱ - همین که تفریغ عمل تاجر به اتمام رسید عضو ناظر طلبکارها و تاجر ورشکسته را دعوت می نماید در این جلسه مدیر تصفیه حساب خود را خواهد داد./

ماده ۵۱۲ - هرگاه اموالی در اجازه تاجر ورشکسته باشد مدیر تصفیه در فسخ یا ابقا اجازه به نحوی که موافق منافع طلبکارها باشد اتخاذ تصمیم می کند اگر تصمیم بر فسخ اجازه شده صاحبان اموال مستاجر از بابت مال الاجاره که تا آن تاریخ مستحق شده اند جز غرام منظور می شوند ، اگر تصمیم بر ابقا اجازه بوده و تامیناتی هم سابقا بموجب اجازه نامه بموجود داده شده باشند تامینات ابقا خواهد شد و التامیناتی که پس از ورشکستگی داده می شود باید کافی باشد ، در صورتی که با تصمیم مدیر تصفیه بر فسخ اجازه موجر را ضعیف به فسخ نشود حق مطالبه تامین را نخواهد داشت./

ماده ۵۱۳ - مدیر تصفیه می تواند با اجازه عضو ناظر اجازه را برای بقیه مدت به دیگری تفویض نماید (مشروط بر اینکه بموجب قرارداد کتبی طرفین این حق منع نشده باشد) و در صورت تفویض به غیر باید وثیقه کافی که تامین پرداخت مال الاجاره را بنماید به مالک اموال مستاجر داده و کلیه شرایط و مقررات اجازه نامه را بموقع خود اجرا کند./

فصل هشتم/

در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هر یک از آنها/

مبحث اول/

در طلبکارهایی که رهینه منقول دارند/

ماده ۵۱۴ - طلبکارهایی که رهینه در دست دارند فقط در صورت غرام برای یادداشت قید می شوند./

ماده ۵۱۵ - مدیر تصفیه می تواند در هر موقع با اجازه عضو ناظر طلب طلبکارها را داده و شیئی مرهون را از رهن خارج و جز دارایی تاجر ورشکسته منظور دارد./

ماده ۵۱۶ - اگر وثیقه فک نشود مدیر تصفیه باید بناظر مدعی العموم آن را بفروش برساند و مرتبه نیز در آن موقع باید دعوت شود. اگر قیمت فروش وثیقه پس از وضع مخارج بیش از طلب طلبکارها باشد ما از بده مدیر تصفیه تسلیم می شود و اگر قیمت فروش کمتر شد مرتبه برای بقیه طلب خود در جز طلبکارهای عادی غرام منظور خواهد شد./

ماده ۵۱۷ - مدیر تصفیه صورت طلبکارهایی را که ادعای وثیقه می نمایند به عضو ناظر تقدیم می کند ، عضو مزبور در صورت لزوم اجازه می دهد طلب آنها از اولین وجوهی که تهیه می شود پرداخت گردد. در صورتی که نسبت به حق وثیقه طلبکارها اعتراضی داشته باشند به محکمه رجوع می شود./

مبحث دوم/

در طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حق تقدم دارند/

ماده ۵۱۸ - اگر تقسیم وجوهی که از فروش اموال غیر منقول حاصل شده قبل از تقسیم دارایی منقول یا در همان جین بعمل آمده باشد طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حقوقی دارند و حاصل فروش اموال مزبوره کفایت طلب آنها را ننموده است نسبت به بقیه طلب خود جز غرام معمولی منظور و از وجوهی که برای غرام مزبور مقرر است حصه می برند مشروط بر این که طلب آنها بطوری که قبلا مذکور شده است تصدیق شده باشد./

ماده ۵۱۹ - اگر قبل از تقسیم وجوهی که از فروش اموال غیر منقول حاصل شده وجوهی از بابت دارایی منقول تقسیم شود طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حقوقی دارند و طلب آنها تصدیق و اعتراف شده است به میزان کلیه طلب خود جز سایر غرامها و از وجوه حصه می برند ولی عندا لاقضامبلغ دریافتی در موقع تقسیم حاصل اموال غیر منقول از طلب آنها موضوع می شود./

ماده ۵۲۰ - در مورد طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حقوقی دارند ولی به واسطه مقدم بودن سایر طلبکارهایی توانند در جین تقسیم قیمت اموال غیر منقول طلب خود را تماما وصول کنند ترتیب ذیل مرعی خواهد بود./

اگر طلبکارهای مزبور قبل از تقسیم حاصل اموال غیر منقول از بابت طلب خود وجوهی دریافت داشته باشند این مبلغ از حصه که از بابت اموال غیر منقول به آنها تعلق می گیرد موضوع وبه حصه که باید بین طلبکارهای معمولی تقسیم شود اضافه می گردد و بقیه طلبکارهایی که در اموال غیر منقل ذیحق بوده اند برای بقیه طلب خود به نسبت آن بقیه جز غرام محسوب شده حصه می برند/

ماده ۵۲۱ - اگر بواسطه مقدم بودن طلبکارهای دیگر بعضی از طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حقوقی دارند وجوهی دریافت نکنند طلب آنها جز غرام محسوب و بدین سمت هر معامله که از بابت قرارداد ارفاقی و غیره با غرام می شود یا آنها نیز بعمل خواهد آمد./

فصل نهم/

در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول/

ماده ۵۲۲ - پس از وضع مخارج اداره امور ورشکستگی واعانه که ممکن است به تاجر ورشکسته داده شده باشد و وجوهی که باید به صاحبان مطالبات ممتازه تادیه گردد مجموع دارایی منقول بین طلبکارها به نسبت طلب آنها که قبلا تشخیص و تصدیق شده است تقسیم خواهد شد./

ماده ۵۲۳ - مدیر تصفیه برای اجرای مقصود مذکور در ماده فوق ما هی یک مرتبه صورت حساب عمل ورشکستگی را بتعیین وجوه موجوده به عضو ناظر می دهد. عضو مذکور در صورت لزوم امر به تقسیم وجوه مزبور بین طلبکارها داده مبلغ آن را معین و مواظبت می نماید که به تمام طلبکارها اطلاع داده شود./

ماده ۵۲۴ - در موقع تقسیم وجوه بین طلبکارها حصه طلبکارهای مقیم ممالک خارجه به نسبت طلب آنها که در صورت دارائی وقروض منظور شده است موضوع می گردد. چنانچه مطالبات مزبور صحیحاً در صورت دارائی وقروض منظور نشده باشد عضو ناظر می تواند حصه موضوعی را زیاد کند برای مطالباتی که هنوز در باب آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده است باید مبلغی موضوع گردد.

ماده ۵۲۵ - وجوهی که برای طلبکارهای مقیم خارجه موضوع شده است تا مدتی که قانون برای آنها معین کرده بطور امانت به صندوق عدلیه سپرده خواهد شد. اگر طلبکارهای مذکور مطابق این قانون مطالبات خود را به تصدیق نرسانند مبلغ مزبور بین طلبکارهایی که طلب آنها به تصدیق رسیده تقسیم می گردد و وجوهی که برای مطالبات تصدیق نشده موضوع گردیده در صورت عدم تصدیق آن مطالبات بین طلبکارهایی که طلب آنها تصدیق شده تقسیم می شود.

ماده ۵۲۶ - هیچ طلبی را مدیر تصفیه نمی پردازد مگر آنکه مدارک و اسناد آن را قبلاً ملاحظه کرده باشد مدیر تصفیه مبلغی را که پرداخته در روی سند قید می کند عضو ناظر در صورت عدم امکان ابراز سندی تواند اجازه دهد که بموجب صورت مجلسی که طلب در آن تصدیق شده وجهی پرداخته شود در هر حال باید طلبکارها رسیدوجه را در ذیل صورت تقسیم ذکر کنند.

ماده ۵۲۷ - ممکن است هیئت طلبکارها به استحضار تاجر ورشکسته از محکمه تحصیل اجازه نمایند که تمام یا قسمتی از حقوق و مطالبات تاجر ورشکسته را که هنوز وصول نشده بطوری که صرفه و صلاح تاجر ورشکسته هم منظور شود خودشان قبول و مورد معامله قرار دهند در این صورت مدیر تصفیه اقدامات مقتضیه را بعمل خواهد آورد در این خصوص هر طلبکاری تواند به عضو ناظر مراجعه کرده تقاضا نماید که طلبکارهای دیگر را دعوت نماید تا تصمیم خود را اتخاذ بنمایند.

فصل دهم /

در دعوی استرداد /

ماده ۵۲۸ - اگر قبل از ورشکستگی تاجر کسی اوراق تجاری به او داده باشد که وجه آن را وصول و به حساب صاحب سند نگاهدارد و یا به مصرف معینی برساند و وجه اوراق مزبور وصول یا تادیه نگشته و اسناد عینا در حین ورشکستگی در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد صاحبان آن می توانند عین اسناد را استرداد کنند.

ماده ۵۲۹ - مال التجاره هائی که در نزد تاجر ورشکسته امانت بوده یا به مشارالیه داده شده است که به حساب صاحب مال التجاره بفرش برسانند مادام که عین آنها کلیاً یا جز عان در تاجر ورشکسته موجود یا نزد شخص دیگری از طرف تاجر مزبور امانت یا برای فروش گذارده شده و موجود باشد قابل استرداد است.

ماده ۵۳۰ - مال التجاره هائی که تاجر ورشکسته به حساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است اگر قیمت آن پرداخته نشده باشد از طرف فروشنده و الا از طرف کسی که به حساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است.

ماده ۵۳۱ - هرگاه تمام یا قسمتی از مال التجاره که برای فروش به تاجر ورشکسته داده شده بود معامله شده و به هیچ نحوی بین خریدار و تاجر ورشکسته احتساب نشد باشد از طرف صاحب مال قابل استرداد است اعم از اینکه نزد تاجر ورشکسته یا خریدار باشد و بطور کلی عین هر مال متعلق به دیگری که در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد قابل استرداد است.

ماده ۵۳۲ - اگر مال التجاره که برای تاجر ورشکسته حمل شده قبل از وصول از ازروی صورت حساب یا بارنامه که دارای امضای سال کننده است به فروش رسیده و فروشی صورتی نباشد دعوی استرداد پذیرفته نمی شود و الا موافق ماده ۵۲۹ قابل استرداد است و استرداد کننده باید وجوهی را که بطور علی الحساب گرفته یا مساعدت از بابت کرایه حمل و حق کمیسیون و بیمه و غیره تادیه شده یا از این بابت هاباید تادیه بشود به طلبکارها بپردازد.

ماده ۵۳۳ - هرگاه کسی مال التجاره به تاجر ورشکسته فروخته ولیکن هنوز آن جنس نه بخود تاجر ورشکسته تسلیم شده و نه به کسی دیگری که به حساب او بیاورد آن کس می تواند به اندازه آن که وجه آن را نگرفته از تسلیم مال التجاره امتناع کند.

ماده ۵۳۴ - در مورد وجوهی که قبل از تصفیه می تواند با اجازه عضو ناظر تسلیم مال التجاره را تقاضا نماید ولی باید قیمتی را که بین فروشنده و تاجر ورشکسته مقرر شده است بپردازد.

ماده ۵۳۵ - مدیر تصفیه می تواند با تصویب عضو ناظر تقاضای استرداد را قبول نماید در صورت اختلاف محکمه پس از استماع عقیده ناظر حکم مقتضی را میدهد.

فصل یازدهم /

در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی /

ماده ۵۳۶ - حکم اعلان ورشکستگی و همچنین حکمی که بموجب آن تاریخ توقف تاجر در زمانی قبل از اعلان ورشکستگی تشخیص شود قابل اعتراض است.

ماده ۵۳۷ - اعتراض باید از طرف تاجر ورشکسته در ظرف ده روز از طرف اشخاص ذینفع که در ایران مقیمند در ظرف یکماه و از طرف آنها که در خارجه اقامت دارند در ظرف دوماه بعمل آید ابتدای مدتهای مزبور از تاریخی است که احکام مذکوره اعلان می شود.

ماده ۵۳۸ - پس از انقضای مهلتی که برای تشخیص و تصدیق مطالبات طلبکارها راجع به تعیین تاریخ توقف به غیر آن تاریخی که بموجب حکم ورشکستگی یا حکم دیگری که در این باب صادر شده قبول نخواهد شد، همین که مهلت های مزبور منقضی شد تاریخ توقف نسبت به طلبکارها قطعی و غیر قابل تغییر خواهد بود.

ماده ۵۳۹ - مهلت استیناف از حکم ورشکستگی ده روز از تاریخ ابلاغ است به این مدت برای کسانی که محل اقامت آنها از مقر محکمه بیش از شش فرسخ فاصله دارند از قرار هر شش فرسخ یک روز اضافه می شود.

ماده ۵۴۰ - قرارهائی ذیل قابل اعتراض و استیناف تمیز نیست.

۱ - قرارهای راجعه به تعیین یا تغییر عضو ناظر یا مدیر تصفیه.

۲ - قرارهای راجعه به تقاضای اعانه به جهت تاجر ورشکسته یا خانواده او.

۳ - قرارهای فروض اسباب یا مال التجاره که متعلق به ورشکسته است.

۴ - قرارهائی که قرار داد اوراقی را موقوف یا قبول موقتی مطالبات متنازع فیه را مقرر می دارد.

۵ - قرارهای صادره در خصوص شکایت از اوامری که عضو ناظر در حدود صلاحیت خود صادر کرده است.

باب دوازدهم /

در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب /

فصل اول/

در ورشکستگی به تقصیر/

ماده ۵۴۱ - تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلان می شود./

۱ - در صورتی که محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عایدی اوفوق العاده بوده است./

۲ - در صورتی که محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده صرف معاملاتی کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق محض است./

۳ - اگر به قصد تاخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی یا با تریا فروش یا نازل تراز منطه روز کرده باشد یا اگر به همان قصد وسائلی که دور از صرفه است بکار برده یا تاحصیل وجهی نماینداعم از اینکه از راه استقرار یا صدور برات یا بطریق دیگر باشد./

۴ - اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد./

ماده ۵۴۲ - در موارد ذیل هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود -/

۱ - اگر به حساب دیگری و بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظریه وضعیت مالی او در حین انجام آنها آن تعهدات فوق العاده باشد./

۲ - اگر عملیات تجاری او متوقف شده و مطابق ماده ۱۳ این قانون رفتار نکرده باشد./

۳ - اگر از تاریخ اجرای قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ و ۱۲ فروردین و ۱۲ خرداد ۱۳۰۴ دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی ترتیب بوده یا در صورت دارائی وضعیت حقیقی خود را اعم از قروض و مطالبات بطور صریح معین نکرده باشد (مشروط بر اینکه در این موارد مرتکب تقلبی نشده باشد)/

ماده ۵۴۳ - ورشکستگی به تقصیر جنحه محسوب و مجازات آن از ۶ ماه تا سه سال حبس تادیبی است./

ماده ۵۴۴ - رسیدگی به جرم فوق بر حسب تقاضای مدیر تصفیه یا هر یک از طلبکارها یا تعقیب مدعی العموم در محکمه جنحه بعمل می آید./

ماده ۵۴۵ - در صورتی که تعقیب تاجر ورشکسته به تقصیر از طرف مدعی العموم به عمل آمده باشد مخارج آن را به هیچوجه نمی توان به هیئت طلبکارها تحمیل نمود. در صورت انعقاد قرارداد ارفاقی مامورین اجرا نمی توانند اقدام به وصول این مخارج کنند مگر پس از انقضای مدت های معینه در قرارداد./

ماده ۵۴۶ - مخارج تعقیبی که از طرف مدیر تصفیه بنام طلبکارها می شود در صورت برائت تاجر به عهده هیئت طلبکارها و در صورتی که محکوم شده به عهده دولت است لیکن دولت حق دارد مطابق ماده قبل به تاجر ورشکسته مراجعه نماید./

ماده ۵۴۷ - مدیر تصفیه نمی تواند تاجر ورشکسته را بعنوان ورشکستگی به تقصیر تعقیب کند یا از طرف هیئت طلبکارها مدعی خصوصی واقع شود مگر پس از تصویب اکثریت طلبکارهای حاضر./

ماده ۵۴۸ - مخارج تعقیبی که از طرف یکی از طلبکارها بعمل می آید در صورت محکومیت تاجر ورشکسته به عهده دولت و در صورت برائت ذمه بعهد تعقیب کننده است./

فصل دوم/

در ورشکستگی به تقلب/

ماده ۵۴۹ - هر تاجر ورشکسته که دفاتر خود را مفقود نموده یا قسمتی از دارائی خود را مخفی کرده و یا بطریق مواضعه و معاملات صوری از میان برده و هم چنین هر تاجر ورشکسته که خود را به وسیله اسناد یا به وسیله صورت دارائی و قروض بطور تقلب به میزانی که در حقیقت مدیون نمی باشد مدیون قلمداد نموده است ورشکسته به تقلب اعلام و مطابق قانون جزا مجازات می شود./

ماده ۵۵۰ - راجع به تقاضای تعقیب و مخارج آن در موارد ماده قبل مفاد مواد ۵۴۵ تا ۵۴۸ لازم الرعایه است./

فصل سوم/

در جنحه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب می شوند/

ماده ۵۵۱ - در مورد ورشکستگی اشخاص ذیل مجرم محسوب و مطابق قانون جزا به مجازات ورشکسته به تقلب محکوم خواهند شد:/

۱ - اشخاصی که عالماً به نفع تاجر ورشکسته تمام یا قسمتی از دارائی منقول یا غیر منقول او را از میان ببرند یا پیش خود نگاهدارند یا مخفی نمایند./

۲ - اشخاصی که به قصد تقلب به اسم خود یا به اسم دیگری طلب غیر واقعی را قلمداد کرده و مطابق ماده ۱۴۶ التزام داده باشند./

ماده ۵۵۲ - اشخاصی که به اسم دیگری یا به اسم موهومی تجارت نموده و اعمال مندرجه در ماده ۵۴۹ را مرتکب شده اند به مجازاتی که برای ورشکسته به تقلب مقرر است محکوم می باشند./

ماده ۵۵۳ - اگر اقوام شخص ورشکسته بدون شرکت مشارالیه اموال او را از میان ببرند یا مخفی نمایند یا پیش خود نگاه دارند به مجازاتی که برای سرقت معین است محکوم خواهند شد./

ماده ۵۵۴ - در موارد معینه در مواد قبل محکمه که رسیدگی می کند باید در خصوص مسائل ذیل ولو اینکه متهم تبرئه شده باشد حکم بدهد -/

۱ - راجع به رد کلیه اموال و حقوقی که موضوع جرم بوده است به هیئت طلبکارها ، این حکم را محکمه در صورتی که مدعی خصوصی هم نباشد باید صادر کند./

۲ - راجع به ضرر و خساراتی که ادعا شده است./

ماده ۵۵۵ - اگر مدیر تصفیه در حین تصدی به امور تاجر ورشکسته وجهی را حیف و میل کرده باشد به مجازات خیانت در امانت محکوم خواهد شد.

ماده ۵۵۶ - هرگاه مدیر تصفیه اعم از این که طلبکار باشد یا نباشد در مذاکرات راجعه به ورشکستگی باشخص ورشکسته یا بادیگری تبانی نماید یا قرار داد خصوصی منعقد کند که آن تبانی یا قرار داد بِنفع مرتکب و به ضرر طلبکارها یا بعضی از آنها باشد در محکمه جنحه به حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال محکوم می شود.

ماده ۵۵۷ - کلیه قرارهایی که پس از تاریخ توقف تاجر منعقد شده باشد نسبت به هر کس حتی خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است. طرف قرارداد مجبور است که وجوه یا اموالی را که بموجب قرارداد باطل شده دریافت کرده است به اشخاص ذیعق مسترد دارد.

ماده ۵۵۸ - هر حکم محکومیتی که بموجب این فصل یابه موجب فصول سابق صادر شود باید به خرج محکوم علیه اعلان گردد.

فصل چهارم

در اداره کردن امور تاجر ورشکسته در صورت

ورشکستگی به تقصیر یابه تقلب

ماده ۵۵۹ - در تمام مواردی که کسی بواسطه ورشکستگی به تقصیر یابه تقلب تعقیب و محکوم می شود رسیدگی به کلیه دعاوی حقوقی به غیر از آنچه در ماده ۵۵۴ مذکور است از صلاحیت محکمه جزا خارج خواهد بود.

ماده ۵۶۰ - مدیر تصفیه مکلف است در صورت تقاضای مدعی العموم بدایت کلیه اسناد و نوشتجات و اوراق و اطلاعات لازمه و رابه او بدهد.

باب سیزدهم

در اعاده اعتبار

ماده ۵۶۱ - هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را بامتفرعات و مخارجی که به آن تعلق گرفته است کاملاً بپردازد حقا اعاده اعتبار می نماید.

ماده ۵۶۲ - طلبکار هانمی توانند از جهت تاخیری که در ادای طلب آنها شده است برای بیش از پنج سال مطالبات متفرعات و خسارات نمایند و در هر حال متفرعاتی که مطالبه می شود در سال نیا بدیش از صدی هفت طلب شد.

ماده ۵۶۳ - برای آنکه شریک ضامن یک شرکت ورشکسته که حکم ورشکستگی او نیز صادر شده بتواند حق اعاده اعتبار حاصل کند باید ثابت نماید که به ترتیب فوق تمام دیون شرکت را پرداخته است و لو اینکه نسبت به شخص او قرارداد ارفاقی مخصوصی وجود داشته باشد.

ماده ۵۶۴ - در صورتی که یک یا چند نفر از طلبکارها مفقود الاثر یا غایب بوده یا این که از دریافت وجه امتناع نمایند تاجر ورشکسته باید وجوهی را که به آنها مدیون است به اطلاع مدعی العموم در صندوق عدلیه بسپارد و همینکه تاجر معلوم کرد این وجوه را سپرده است برای الذمه محسوب است.

ماده ۵۶۵ - تاجر ورشکسته در دو مورد ذیل پس از اثبات صحت عمل در مدت پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی می توانند اعتبار خود را اعاده نمایند -

۱ - تاجر ورشکسته که تحمیل قرارداد ارفاقی نموده و تمام وجوهی را که به موجب قرارداد بعهده گرفته است پرداخته باشد ، این ترتیب در مورد شریک شرکت ورشکسته که شخصاً تحمیل قرارداد ارفاقی جداگانه نموده است نیز رعایت می شود.

۲ - تاجر ورشکسته که کلیه طلبکاران ذمه او را بری کرده یا به اعاده اعتبار او رضامین داده اند.

ماده ۵۶۶ - عرض حال اعاده اعتبار باید به انضمام اسناد مثبت آن به مدعی العموم حوزه ابتدائی داده شود که اعلان ورشکستگی در آن حوزه واقع شده است.

ماده ۵۶۷ - سواد این عرض حال در مدت یکماه در اطاق جلسه محکمه ابتدائی و همچنین در اداره مدعی العموم بدایت الصاق و اعلان می شود و بلاوه دفتر دار محکمه باید عرض حال مزبور را به کلیه طلبکار هانی که مطالبات آنها در حین تصفیه عمل تاجر ورشکسته یا بعد از آن تصدیق شده و هنوز طلب خود را بر طبق مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ کامل دریافت نکرده اند به وسیله مکتوب سفارشی اعلام دارد.

ماده ۵۶۸ - هر طلبکاری که مطابق مقررات مواد ۵۶۱ و ۵۶۲ طلب خود را کامل دریافت نکرده می تواند در مدت یکماه از تاریخ اعلام مذکور در ماده قبل به عرض حال اعاده اعتبار اعتراض کند.

ماده ۵۶۹ - اعتراض به وسیله اظهار نامه که به ضمیمه اسناد مثبت به دفتر محکمه بدایت داده می شود بعمل می آید. طلبکار معترض می تواند بموجب عرض حال در حین رسیدگی به دعوی اعاده اعتبار بطور شخص ثالث ورود کند.

ماده ۵۷۰ - پس از انقضای موعد نتیجه تحقیقاتی که به توسط مدعی العموم بعمل آمده است به انضمام عرایض اعتراض به رئیس محکمه داده می شود رئیس مزبور در صورت لزوم مدعی و معترضین رابه جلسه خصوصی محکمه احضار می کند.

ماده ۵۷۱ - در مورد ماده ۵۶۱ محکمه فقط صحت مدارک را سنجیده در صورت موافقت آنها با قانون حکم اعاده اعتبار می دهد و در مورد ماده ۵۶۵ محکمه اوضاع و احوال را سنجیده بطوری که مقتضی عدل و انصاف بداند حکم می دهد و در هر صورت حکم باید در جلسه علنی صادر گردد.

ماده ۵۷۲ - مدعی اعاده اعتبار و همچنین مدعی عمومی و طلبکار های معترض می توانند در ظرف ده روز از تاریخ اعلام حکم به وسیله مکتوب سفارشی از حکمی که در خصوص اعاده اعتبار صادر شده استیناف بخواهند ، محکمه استیناف پس از رسیدگی بر حسب مقررات ماده ۵۷۱ حکم صادر می کند.

ماده ۵۷۳ - اگر عرض حال اعاده اعتبار رد بشود تجدید ممکن نیست مگر پس از انقضای شش ماه.

ماده ۷۵۴ - اگر عرض حال قبول شود حکمی که صادر می گردد در دفتر مخصوصی که در محکمه بدایت محل اقامت تاجر برای اینکار مقرر است ثبت خواهد شد اگر محل اقامت تاجر در حوزه محکمه که حکم می دهد نباشد در ستون ملاحظات دفتر ثبت اسامی ورشکستگان که در دائره ثبت اسناد محل موجود است مقابل اسم تاجر ورشکسته با مرکب قرمز به حکم مزبور اشاره می شود.

ماده ۵۷۵ - ورشکسته به تقلب و هم چنین اشخاصی که برای سرقت یا کلاهبرداری یا خیانت در امانت محکوم شده

اندامداری که از جنبه جزائی اعاده حیثیت نکرده اند نمی توانند از جنبه تجارتي اعاده اعتبار کنند./

باب چهاردهم/

اسم تجارتي/

ماده ۵۷۶ - ثبت اسم تجارتي اختیاری است مگر در مواردی که وزارت عدلیه ثبت آن را الزامی کند./

ماده ۵۷۷ - صاحب تجارت خانه که شریک در تجارتخانه ندارد نمی تواند اسمی برای تجارتخانه خود انتخاب کند که موهم وجود شریک باشد./

ماده ۵۷۸ - اسم تجارتي ثبت شده راهیچ شخص دیگری در همان محل نمی تواند اسم تجارتي خود قرار دهد و لاینکه اسم تجارتي ثبت شده با اسم خانوادگی او یکی باشد./

ماده ۵۷۹ - اسم تجارتي قابل انتقال است./

ماده ۵۸۰ - مدت اعتبار ثبت اسم تجارتي پنجسال است./

ماده ۵۸۱ - در مواردی که ثبت اسم تجارتي الزامی شده و در موعد مقرر ثبت بعمل نیاید اداره ثبت اقدام به ثبت کرده و سه برابر حق الثبت ماخوذ خواهد داشت./

ماده ۵۸۲ - وزارت عدلیه بموجب نظامنامه ترتیب اسم تجارتي و اعلان آن و اصول محاکمات در دعاوی مربوط به اسم تجارتي را معین خواهد کرد./

/

باب پانزدهم - شخصیت حقوقی/

فصل اول اشخاص حقوقی/

ماده ۵۸۳ - کلیه شرکتهای تجارتي مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند./

ماده ۵۸۴ - تشکیلات و موسساتی که برای مقاصد غیر تجارتي تاسیس یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدای می کنند./

ماده ۵۸۵ - شرایط ثبت موسسات و تشکیلات مذکور در ماده فوق به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین خواهد شد. حق الثبت موسسات و تشکیلات مطابق نظامنامه از پنج ریال طلا تا پنج پهلوی و علاوه مشمول ماده ۱۳۵ قانون ثبت اسناد و املاک است./

ماده ۵۸۶ - موسسات و تشکیلاتی را که مقاصد آنها مخالف با انتظامات عمومی می باشد مشروع است نمی توان ثبت کرد./

ماده ۵۸۷ - موسسات و تشکیلات دولتی و بلدی به محض ایجاد و بدون احتیاج به ثبت دارای شخصیت حقوقی می شوند./

فصل دوم/

حقوق ووظایف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی/

ماده ۵۸۸ - شخص حقوقی می تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است مگر حقوق ووظایفی که بالطبع فقط انسان ممکن است دارای آن باشد مانند حقوق ووظایف ابوت نبوت و امثال ذلک./

ماده ۵۸۹ - تصمیمات شخص حقوقی به وسیله مقاماتی که بموجب قانون یا اساسنامه صلاحیت اتخاذ تصمیم دارند گرفته می شود./

ماده ۵۹۰ - اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آنجا است./

ماده ۵۹۱ - اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آنها در آن مملکت است./

باب شانزدهم/

مقررات نهائی/

ماده ۵۹۲ - در مورد معاملاتی که سابقاً تجار یا شرکتهای موسسات تجارتي به اعتبار بیش از یک امضا کرده اند خواه بعضی از امضا کنندگان بعنوان ضامن امضا کرده باشند خواه بعنوان دیگر طلبکار می توانند به امضا کنندگان مجتمعاً یا منفرداً رجوع نمایند./

ماده ۵۹۳ - در مورد ماده فوق مطالبه از هر یک از اشخاصی که طلبکار حق رجوع به آنها در قاطع مرور زمان نسبت به دیگران نیز هست./

ماده ۵۹۴ - به استثنای شرکتهای سهامی و شرکتهای مختلط سهامی به کلیه شرکتهای ایرانی موجود که به امور تجارتي اشتغال دارند تا اول تیرماه ۱۳۱۱ مهلت داده می شود که خود را با مقررات یکی از شرکت های مذکور در این قانون وفق داده و تقاضای ثبت نمایند و الا نسبت به شرکت های متخلف مطابق ماده دوم قانون ثبت شرکتهای مصوب خردادماه ۱۳۱۰ رفتار خواهد شد./

ماده ۵۹۵ - هرگاه مدت مذکور در ماده فوق برای تهیه مقدمات ثبت کافی نباشد ممکن است تا شش ماه دیگر از طرف محکمه صلاحیتدار مهلت کافی اضافی داده شود مشروط بر این که در موقع تقاضای تمدید نصف حق الثبت شرکت پرداخته شود./

ماده ۵۹۶ - تاریخ اجرای ماده ۱۵ این قانون در آن قسمتی که مربوط به جزای نقدی است و تاریخ اجرای ماده ۲۰ و تبصره آن و قسمت اخیر ماده ۲۰ اول فروردین ۱۳۱۲ خواهد بود./

ماده ۵۹۷ - شرکتهای مختلط سهامی موجود مکلف هستند که در ظرف شش ماه از تاریخ اجرای این قانون هیئت نظاری مطابق مقررات این قانون تشکیل دهند و الا هر صاحب سهمی حق دارد انحلال شرکت را تقاضا کند./

ماده ۵۹۸ - طلبکاران تاجر متوقفی که قبل از تاریخ اجرای این قانون طلب خود را مطالبه کرده اند مشمول مقررات ماده ۴۷۳ نبوده و از حق که بموجب قانون سابق برای آنها مقرر بوده استفاده خواهند کرد./

ماده ۵۹۹ - نسبت به طلبکارانی که در امور ورشکستگی های سابق قبل از تاریخ اجرای این قانون طلب خود را مطالبه نکرده

اندمدیر تصفیہ هرورشکسته اعلانی منتشر کرده و یکماه به آنها مهلت خواهد داد که مطابق ماده ۴۶۲ این قانون رفتار کنند و الا مشمول مقررات ماده ۴۷۳ خواهند شد. /

ماده ۶۰۰ - قوانین ذیل قانون تجارت مصوبه بیست و پنجم دلو ۱۳۰۳ دوازدهم فروردین و دوازدهم خرداد ۱۳۰۴ قانون اصلاح ماده ۲۰۶ قانون تجارت راجع به اعتراض عدم تادیه مصوب دوم تیرماه ۱۳۰۷ قانون اجازه عدم رعایت ماده ۲۷۰ قسمتی از ماده ۴۴ قانون تجارت نسبت به تشکیلات و اساسنامه شرکت سهامی بانک ملی و شرکت سهامی بانک پهلوی مصوب ۳۰ تیرماه ۱۳۰۷ از تاریخ مزبور به موقع اجرا گذاشته می شود /

/

نوع قانون : قانون /

تاریخ تصویب : ۱۳۱۱/۰۲/۱۳ /

دستگاه اجرایی : وزارت دادگستری /

/

.. /